روزنامه شرق

یکشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۹۹ • ۲ صفر ۱۴۴۲ • ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۰

سال هجدهم • شماره ۳۸۲۱ • ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

رئیس‌جمهور:

مبارزه با قاچاق کالا مخصوصا دارو و واکسن تشدید شود

گروه سیاست: رئیس‌جمهور در جلسه ستاد ملی مقابله با ویروس کرونا با تاکید بر رعایت پروتکل‌های بهداشتی، گفت: رعایت پروتکل‌های بهداشتی در هفته‌های اخیر در کشور پایین آمده و این نگران‌کننده است. این میزان از ۸۰ درصد به ۶۰ درصد...

صفحه ۲

اختلاف بر سر عادی‌سازی روابط با اسرائیل

تقابل ملک‌سلمان با ولیعهد جوان

گروه جهان: جدال سختی پشت درهای کاخ پادشاهی در عربستان سعودی در جریان است. «ملک سلمان»، پادشاه، به همراه پسرش، «محمد بن‌سلمان»، ولیعهد جوان سعودی، بر سر دوراهی سختی قرار گرفته‌اند؛ اینکه پس از امارات‌متحده عربی...

صفحه ۸

واکنش بازار به دستور خروج از بورس

کارشناسان فرمان دولت درباره عرضه فولاد و مصالح ساختمانی را تحلیل می‌کنند

شکوفه حبیب‌زاده: در طول دو دولت یازدهم و دوازدهم چند بار برخی تصمیم‌ها در حوزه اقتصاد، به «مشاوره اشتباه» نسبت داده شد. تصمیم‌گیری درباره نرخ بنزین، نرخ دستوری دلار چهارهزارو ۲۰۰ تومانی، طرح گشایش اقتصادی و عرضه نفت در بورس و... از جمله این موارد است. حدود یک ماه قبل نیز خبری شایع شد که نشان از خروج فولاد از بورس کالا می‌داد. شایعه‌ای که همان زمان ازسوی رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران رد شد. اما با گذشت بیش از یک‌ماه از آن شایعه، این‌بار وزیر راه‌وشهرسازی خبر از «دستور رئیس‌جمهور برای عرضه محصولات فولاد و مصالح ساختمانی در خارج از بورس کالا» داد و اعلام کرد: «در این راستا دستورات لازم به وزارت صنعت و ستاد تنظیم بازار داده شده است». خبری که برخلاف دور قبل که موجب ریزش ارزش سهام فولاد در بورس اوراق بهادار شده بود، این‌بار، شوخی قلمداد شد و با گذشت دو روز از بیان آن از سوی وزیر راه‌وشهرسازی، یک منبع مطلع در بورس کالا به «شرق» خبر داد که هنوز این دستور به بورس کالا ابلاغ نشده و همه‌چیز به روال قبل طی می‌شود.

مشروح گزارش را در صفحه ۵ بخوانید

تیتر دو

تفاوت بایدن و ترامپ به دیپلماسی فرصت تنفس می‌دهد

گفت‌وگو با دیاکو حسینی درباره انتخابات آمریکا و منافع ایران

صفحه ۴

تیترها

تسویه‌حساب سیاسی از جایگاه مجلس

صفحه ۲

زنان پشت درهای بسته شورای نگهبان یا پاستور؟!

صفحه ۲

خارپاشنه‌ای به ارزش ۳۰۰ میلیون تومان

صفحه ۱۱

طنین «وسپهر» در بازار سرمایه

صفحه ۲

جدال بر سر صندلی خالی

صفحه ۸

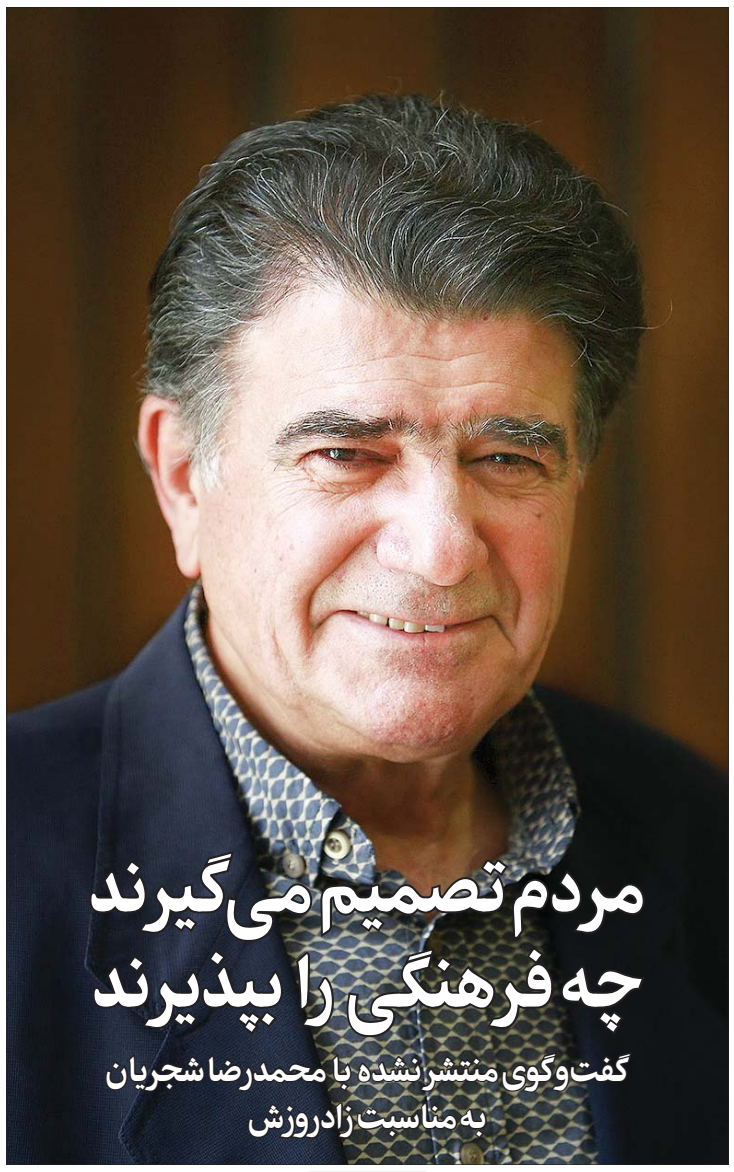

مردم تصمیم می‌گیرند چه فرهنگی را بپذیرند

گفت‌وگوی منتشرنشده با محمدرضا شجریان به مناسبت زادروزش

عکس: مهدی حسنی

صفحه ۶

لاریجانی ناطق ۷۶ می‌شود؟

صفحه ۲

سرمقاله

خطرات بی‌تصمیمی و بد تصمیمی

سیدمصطفی هاشمی‌طبا

تصمیمات متفاوت و گاه ضدونقیض در رأس و بدنه قوه مجریه در کنار هجمه تبلیغاتی علیه دولت باعث شده تا آنان که در معرض این تصمیمات قرار دارند، نسبت به اصل و اصالت تصمیم‌گیران از خود تردید نشان دهند. تصمیمات متفاوت درخصوص اجرای طرح ترافیک بعد از نوروز، بازگشایی کسب‌وکارها در هنگامه شیوع کرونا، ترس‌ولرز در اعلام تصمیمات درمورد لغو هر نوع تجمع و گردهمایی به دلیل احتمال گسترش کرونا و بازگشایی مدارس به‌صورت حضوری در ۱۵ شهریورماه برخی مواردی هستند که موجب ایجاد تردید در اذهان عمومی شده است. از سویی اعلام گشایش اقتصادی با فروش اوراق فروش نفت (که معلوم نشد برای مردم گشایش اقتصادی بوده یا دولت) که بدون تصمیم ابتر ماند. این‌گونه تصمیم‌سازی‌ها که به بی‌تصمیمی بیشتر شباهت دارد، گاه بدون تبعات است و گاه تبعات اجتماعی و اقتصادی به بار می‌آورد و از همه تبعات مهم‌تر، ایجاد بی‌اعتمادی به نظام را فراهم می‌کند. آنچه موجب شد این یادداشت تهیه شود، مصاحبه معاون فنی مدیرکل گمرکات کشور با صداوسیما در روز جمعه ۲۸ شهریورماه درباره رسوب کالا در گمرکات بود و از جمله رسوب سه‌ونیم میلیون تن کالای اساسی و همچنین کالاهای دیگر آن‌هم در حرارت و آفتاب بندر امام خمینی و بندرعباس و این در حالی است که قیمت‌های کالاهای تولیدی حاصل از آنچه در گمرکات مانده، در سطح کشور به نحو بی‌سابقه‌ای فزونی یافته است. حسب نظرات اعلام‌شده توسط ایشان بانک مرکزی برداشتی خاص از مصوبه دولت دارد و واردکنندگان نیز به دلیل عدم صراحت بانک مرکزی و سابقه کار تمایل به ترخیص کالاهای وارداتی ندارند. می‌دانیم که محدودیت‌های بسیاری در حمل‌ونقل در کشور و به‌خصوص از بنادر به نقاط کشور وجود دارد و البته آن‌هم از صدقه سر تصمیم‌گیرندگان و مجریان است. به‌هرحال اگر ترخیص و حمل کالا به‌صورت تدریجی و دائمی نباشد، تخلیه کشتی‌ها و بارگیری زمینی و حمل‌ونقل آن به داخل کشور دچار وقفه می‌شود؛ درحالی‌که لازم است علاوه بر تصمیم‌گیری‌های عادی که باید با سرعت و قدرت انجام شود، در شرایط تحریم و بحران باید ضریب تصمیم‌گیری‌ها به نحو مطلوب افزایش پیدا کند. می‌خواهم مثال کوچکی از این نوع تصمیم‌گیری‌ها را بیان کنم تا معلوم شود این بی‌تصمیمی‌ها تا چه حد دچار ضعف بوده و تبعات آن چه خواهد بود. در سال ۶۵ که ستاد طرح‌های مهم انقلاب در نخست‌وزیری به مسئولیت این‌جانب برپا شد، یکی از اولین مراجعات از سوی آقای مهندس عرفانیان مجری طرح فولاد مبارکه بود. ایشان گفت یک سال است طرح چگونگی نصب ماشین‌آلات در جریان تصویب است ولی تصمیم‌گیری نمی‌شود. سپس شرح داد که ماشین‌آلات را به سه دسته تقسیم کرده‌ایم، برخی صرفا توسط ایرانیان نصب می‌شود، برخی توسط ایرانیان با کمک ایتالیایی‌ها و برخی به دلیل حساس‌بودن (مثل نورد سرد که سرعت زیاد و حساسیت بسیار دارد) توسط ایتالیایی‌ها و با همکاری تکنسین‌های ایرانی و این طرح را به شورای اقتصاد داده‌ایم تا تصویب کنند. نگارنده و همکاران در ستاد طرح‌های مهم انقلاب طرح را بررسی کرده و به توضیحات وی گوش فرادادیم و سپس بلافاصله با نخست‌وزیر، آقای میرحسین موسوی تماس و موضوع را مطرح کردم و گفتم طرح بی‌عیب است و در اولین جلسه شورای اقتصاد آن را تصویب کنیم. ایشان گفتند جلسه‌ای در سازمان برنامه و با کارشناسان بگذارید و نتیجه را اعلام کنید. سه روز بعد این جلسه در سازمان برنامه با کارشناسان مربوطه برگزار شد. از بین حاضران دو نفر از افراد باتجربه که به ایشان ارادت خاص داشتم، صحبت کردند. یکی از ایشان شعارهای ملی‌گرایی و تا حدی شوونیستی داد که باید ایرانیان به تنهایی این کار را بکنند و دیگری اعلام کرد که سقف ریالی و زمانی طرح را بردارید و جوانان ما این کار را بکنند. با تمام احترام پاسخ لازم داده شد و جلسه، طرح مجری طرح را تصویب کرد و هفته بعد به تصویب شورای اقتصاد رسید. یعنی برای طرحی که یک سال سرگردان بود، دوهفته‌ای تصمیم‌گیری و تصویب شد و ثمره آن راه‌اندازی فولاد مبارکه پس از یک سال بود. این داستان نمونه‌ای از خروارها تصمیم‌های راکد است و واقعا آیا مسئولان که همه می‌دانند کالای اساسی در گمرک تا چه حد به تغذیه مردم و تعدیل قیمت‌ها کمک می‌کند و سایر کالاها تا چه حد با راه‌اندازی کارخانجات همراهی می‌کند؟

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

شهرداری با تهران چه کند؟

احمد مسجدجامعی
عضو شورای شهر تهران

مدیریت شهری آن‌هم در کلان‌شهر پایتخت، با موضوعات متنوع و بعضا کاملا پیچیده‌ای روبه‌رو است. اگر شهرداری، حوزه اجرائی مدیریت شهری است، شورای شهر، قانون‌گذار و ناظر است. به‌طور طبیعی انتظار از شهردار و مجموعه شهرداری نیز باید در چارچوب قانون باشد و اعضای شورا و شهردار، موظف به تمکین از قانون. اما در همین چارچوب ترسیم‌شده، شهروندان توقعاتی از جنس برنامه‌ریزی و اجرا و نظارت از مدیریت شهری دارند. نخستین توقع تمرکززدایی است. شهر تهران در چنبره مدیریت متمرکز شهری گرفتار شده است. این امر هم سابقه‌ای دیرین دارد. دست‌کم می‌توان به بودجرمهری در زمان پهلوی اول اشاره کرد که نه‌تنها نظامی بود که با قوای نظامی به شهرداری آمد. این چنبره تمرکز امور شهر در دست مدیریت شهری باید با مشارکت شهروندان به حداقل برسد و بسیاری از امور مردم به خودشان سپرده شود. شاید به یاد داشته باشید که زمانی شهرداری کسبه را موظف کرده بود که کرکره مغازه‌ها را به رنگی که تعیین کرده بود، درآورند. چنین مدیریتی ناکارآمد است. نوع دیگری از مشکلات تمرکز، یک شکل‌انگاری شهر تهران است. در تهران هر منطقه و محله‌ای مشکلات و مسائل و ظرفیت‌ها و داستان‌ها و پیشینه خود را دارد. اگر در بلوار کشاورز مشکل بزرگ، موش‌های پیش‌روی شهروندان است، در شهرری مشکل بزرگ آلودگی‌های صنعتی است، جای دیگر بافت فرسوده و جای دیگر معتادان متجاهر. این شرایط حاکی از آن است که نمی‌توان برای شهرهای بزرگ و به‌ویژه تهران، نسخه واحد پیچید. اما وقتی مدیریت متمرکز شهری تمام امور را در دست خود می‌گیرد، آن وقت نسخه‌های یکسان می‌پیچد. فلسفه تشکیل شورایاری‌ها ایجاد پل ارتباطی میان مردم و مدیریت شهری بود و در مراحل بعد زمینه‌سازی برای سپردن امور به دست مردم. برخورد معقول مدیریت شهری با پروژه‌های عمرانی است. زمانی رفتار مدیریت اجرائی شهر این بود که هرچه می‌توانیم بسازیم و آن را ویترین مناسبی برای نشان‌دادن پیشرفت شهری می‌دانست. تبعات آن، امروز خود را در مشکلات شدید بودجه و بدهی‌های هنگفت شهرداری نشان می‌دهد ولی این امر نباید موجب شود مدیریت شهری از سوی دیگر بام بیفتد و حتی بر اجرای پروژه‌های ضروری شهرداری خط قرمز بکشد و عملا شهری که زمانی کارگاه ساختمانی شده بود، خالی از فعالیت‌های عمرانی شود. ناگفته پیداست همان‌قدر که تبدیل شهر به کارگاه ساختمانی خلاف مصالح شهر و شهروندان است، منجمدکردن شهر و پرهیز از هرگونه نوسازی و بهسازی و اجرای پروژه جدید نیز شهر را فلج خواهد کرد. دوگانه تأمین هزینه و حفظ میراث مفید نیز پیش‌روی شهرداری قرار دارد. شهر تهران میراث مفیدی از تاریخ فرهنگ و طبیعت خود را دارد. درختکاری‌های خیابان ولی‌عصر یکی از این میراث‌هاست. کانال‌های عبور غرب به شرق هوا در شمال و جنوب شهر، کوه‌ها و دامنه‌ها و باغ‌ها و فضای باز شهری از این میراث‌ها بودند که با بی‌مبالاتی در اعطای مجوزهای ساخت‌وساز، از دست رفته‌اند. مواریث فرهنگی هم که جای خود دارد. در کنار حفظ این میراث مفید شهر نیاز به جذب بودجه و سرمایه‌گذار دارد. سرمایه‌گذاران ممکن است دغدغه حفظ میراث فرهنگی و طبیعی را نداشته و به دنبال ساختن پروژه‌های بزرگ و پرزرق‌وبرق در همان باغ‌ها و بوستان‌ها و خانه‌های تاریخی باشند. نگاهی که در سال‌های اخیر به شکل مال‌سازی به جان تهران افتاد و بی‌توجه به ساختار سنتی توزیع کالا و ظرفیت محدود شهر با ایجاد چنین مرکزهایی در حال بلعیدن شهر و نابودی سازمان اجتماعی آن است. شهردار باید توان ایجاد موازنه میان تأمین سرمایه و حفظ میراث فرهنگی و طبیعی را داشته باشد. برنامه‌ای که نشان بدهد شهردار ما متوجه است که در کنار لزوم جذب سرمایه باید با سازمان اجتماعی توازنی برقرار کند و به تعبیر پیشینیان مستوفی باشد؛ به‌نحوی‌که دخل‌وخرج به هم وفادار بمانند. نکته مهم دیگر فاصله فقر و غناست که در شهر تهران به شکل فاصله اقتصادی شمال و جنوب خود را نشان داده است. ما با اتوبان‌های شمال-جنوب فاصله زمانی و فیزیکی شمال و جنوب را کم کرده‌ایم اما این نه‌تنها به رفع فاصله طبقاتی کمکی نکرده است که به دیده‌شدن این فاصله و افزایش حس محرومیت و بحران سبک زندگی انجامیده است. کاهش نابرابری در برخورداری از امکانات و خدمات اجتماعی و رفاهی جهت‌گیری لازم برای این روزهای تهران است. این «تبعیض مثبت» می‌تواند بر محوری چون توانمندسازی، آموزش مهارت و امثال اینها با توجه به نیازهای محله و پیشنهاد اخذ عوارضی که به‌طور سازمان‌یافته درآمدهای بالا را هدف می‌گیرد، متمرکز باشد. تهران پایتخت ایران است: پایتخت فرهنگی منطقه است و نمونه آن همین نمایشگاه بین‌المللی کتاب که در حال برگزاری است. از این‌رو نباید آن را تنها در قالب یک کلان‌شهر سازه‌ای دید بلکه باید به وجه انسانی این کلان‌شهر توجه کرد و ظرفیت ملی و بین‌المللی آن را نادیده نگرفت و به تجربه مدیریت در سطح ملی برای چنین جایگاهی اهمیت داد.

یادداشت

بی‌نقشی جامعه و آشفتگی بازار

حمید شجاعی
تحلیلگر مدیریت دولتی

پرسش‌های متداولی که این روزها در سطح جامعه درباره آشفتگی اقتصادی و وضعیت بازار مطرح است، این است که علت التهابات بازار و بی‌ثباتی اقتصادی به‌ویژه در یک سال اخیر چیست؟ این التهاب و آشفتگی‌ها با چه منطقی (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی یا سیاست خارجی) قابل وصف و تبیین است؟ بازگرداندن آرامش به بازار در دستان کیست (مسئولان قوا و دستگاه‌های مختلف، اهالی سیاست، جامعه یا قدرت خارجی)؟ هریک از این بازیگران تا چه حدی در این آشفتگی‌ها نقش دارند؟ و با چه سازوکاری می‌توان از توفان التهابات کاست و آرامش را به بازار و کشور برگرداند؟ هرچند بی‌شمار پاسخ از سوی مجربان، اندیشمندان، روزنامه‌نگاران و حتی مردم عادی به این سؤالات داده شده است؛ اما یکی از مهم‌ترین منابع ثبات‌ساز و آرامش‌بخش در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی، وابسته به نحوه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کارگزاران کشور است. آرامش و رشد اقتصادی وابسته به محیط و بستر مناسب فعالیت است و در شرایطی شکل می‌گیرد که آزادی ورود برای همگان فراهم باشد و «هیچ‌کس‌ها» یعنی کسانی که به دالان‌ها و راهروهای قدرت دسترسی ندارند، بتوانند آزادانه و بدون هرگونه مانع وارد عرصه فعالیت شوند و توان فکری و مادی خود را به کار گیرند.اما درجایی‌که زمین فعالیت هموار و عادلانه نباشد و به گونه‌ای شیب‌دار شود که عده‌ای خاص بتوانند از مواهب و فرصت‌های مختلف ارتباطی، اطلاعاتی و موقعیتی بهره‌مند شوند و در سوی دیگر افراد فراوانی از چنین امکانی برخوردار نباشند، وضعیت مانند برگزاری مسابقه بین دو نفر، یکی اسکی‌باز و دیگری کوه‌نورد است که قرار است یکی شروع خود را از بالای قله و دیگری از پایین کوه آغاز کند. فرد اسکی‌باز به لطف رانت‌های حاصله و با وسایل کمکی روی سطح شیب‌دار برفی به پایین لیز می‌خورد و دیگری در سربالایی نفس‌گیر و سخت و با احتمال خطر سقوط بهمن بر سرش باید خود را به نوک قله برساند. طبیعی است که «هیچ‌کس‌ها» و «هیچ‌کس‌نداران» هیچ‌گاه به چنین میدان مسابقه از قبل بازنده‌ای ورود نمی‌کنند و اگر هم هوس فعالیت داشته باشند، راه خود را در دالان‌ها و راهروهای قدرت جست‌وجو خواهند کرد تا به جای بالارفتن از سربالایی نفس‌گیر و خطرآفرین، به لطف مواهب و امکانات رانتی مسابقه را با استفاده از فرصت‌های تخصیص ارز دولتی، وام بانکی، معافیت گمرکی و مالیاتی، مجوزهای وارداتی و نظایر آن شروع کنند. ازاین‌رو به تعبیر ماکس وبر نوع بوروکراسی و مناسبات و روابط آن به‌عنوان یک ابزار رشد و توسعه اقتصادی برای جوامع مهم است و بانک جهانی در گزارش توسعه‌ای سال ۱۹۹۷ خود با عنوان «دولت در جهان متغیر» در نظرات پیشین خود مبنی بر تبعیت کامل کشورها از جمله جهان سوم از نظام بازار، تعدیل ساختاری و دستورات این نهاد و صندوق بین‌المللی پول تجدید نظر کرد و نقش دولت در «پایه‌ریزی توسعه» را مهم دانست؛ بنابراین تأکید این نهاد و آموزه‌های حکمرانی خوب در دستیابی کشورها به رشد و توسعه پایدار، بر ایجاد بسترهای نهادی، حقوقی و قانونی حمایت‌کننده، عادلانه، باز و شفاف از سوی دولت است تا انگیزه ورود برای همگان فراهم آید و نظام نوآوری و رقابت شکل گیرد. برخی از مهم‌ترین موانع ساختاری، قانونی و نهادی مانع شکوفایی و رونق اقتصادی که براساس تجربیات بسیاری از کشورهای جهان سوم به دست آمده و به وضعیت حکمرانی ما نزدیک است، عبارت است از: ۱- محوریت افراد به جای حاکمیت ساختار و سیستم: یک سیستم حکمرانی خوب نیازمند حاکمیت ساختار و سیستم قاعده‌مند، از پیش تعیین‌شده، با نظم و پیش‌بینی‌پذیر است تا بتواند اعتماد عمومی را جلب کند و شهروندان را درباره آینده خوش‌بین و امیدوار کند؛ درحالی‌که شهروندان از مسئولان قوا و دستگاه‌های متعدد و نمایندگان سیاسی انتظار دارند ورود آنها به عرصه سیاست و به‌دست‌گرفتن قدرت همانند آنچه در بسیاری از کشورهای جهان اول مشاهده می‌شود، براساس عشق به هم‌نوع، فداکاری در راه کشور و با نیت خدمتگزاری باشد؛ ولی در جایی که حاکمیت سیستم و قانون،حکمفرما نباشد تصمیم‌گیران نمی‌تواند خود را از وسوسه منافع خاص به نفع مصلحت عمومی برهاند و از موقعیت پیش‌آمده بهره شخصی نبرد. این یک اصل ثابت‌شده است که هرگاه سیاست بی‌مهار و کنترل‌ناپذیر شود، بخش اقتصاد و اجتماع را به زیر سایه خود خواهد برد و هرگاه نخبگان سیاسی و فعالان اقتصادی یکی و همسان شوند یا دست‌کم از خانواده واحدی برآیند، دیگر سیاست نه در خدمت بهروزی و سعادت افراد جامعه؛ بلکه هم یک منبع ثروت‌اندوزی اقتصادی و هم یک ابزار حمایت از ثروت از پیش به‌دست‌آمده می‌شود. به همین دلیل است که تأکید بر جدایی حوزه سیاسی از حوزه اقتصادی است و قوانین و مقررات بسیاری از کشورها ورود سیاست‌مداران به عرصه فعالیت اقتصادی، به دلیل ترجیح منافع شخصی-گروهی بر منافع ملی را منع کرده است.

ادامه در صفحه ۴

حرف اول

هفته تهران و الزامات اجرائی توسعه شهری

تورج فرهادی . شهردار منطقه ۶ تهران

شهر چیست؟ شهروند کدام است؟ این دو پرسش می‌تواند محتوا و مضمون تلاش‌ها و برنامه‌هایی باشد که در «هفته تهران» هرساله از سوی شهرداری برگزار می‌شود. واقعیت این است که در سال‌های اخیر که مناسبت‌های رسمی و روزهای نمادین عموما از طرف نهادها و دستگاه‌های مختلف جدی گرفته می‌شود، نکته‌ای کلیدی و راهبردی همواره مغفول واقع شده است که می‌توانیم در دوگانه و تباین عرصه عمومی و عرصه رسمی آن را رده‌بندی کنیم. چالشی که سبب می‌شود دغدغه‌ها و ایده‌ها و الگوهای رفتاری و فکری شهروندان و نهادهای اداری و اجرائی تفاوت و فاصله فاحشی را تجربه کنند و در نهایت رویکردها و اقدامات انجام‌شده در این‌گونه مناسبت‌ها نتوانند برای هم‌افزایی و سینرژی تفاوت و حتی تعارض‌ها اقدامی فراتر از رسومات را شکل دهند. بدیهی است که این ضعف مانعی جدی در اجتماعی‌کردن سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها است. به این معنا که به علت محدودیت تحلیلی راهبردی قبل از آنکه شهر به‌عنوان سوژه و شهروند به‌مثابه ابژه بررسی و تعریف و تحدید جدی و علمی و فنی شود، نمی‌توان برنامه و افق روشنی را برای آن تصویر کرد و در صورت اقدام به این امر، جامعیت آن تعریف مورد خدشه جدی قرار می‌گیرد که در نهایت سرمایه‌های مادی و معنوی شهر در بستری از تزاحم سیاست‌ها و تداخل راهبردها به دلیل ضعف فلسفی و ماهیتی در شناخت ابعاد متعارض شهر تضعیف می‌شود و موجب تأخیر و حتی تعلیق در گذار از گفتمان سنتی به گفتمان مدرن در حوزه شهری می‌شود. این تعلیق و تعویق نقطه هشدار برای درک و جدی‌گرفتن ضرورت تدوین هویت شهر به‌عنوان «قلب برنامه‌ریزی شهری» است که عمده‌ترین مسئله در طراحی و مدیریت شهری تلقی می‌شود. مادامی که هویت متعین نشود و ابعاد و کُنه آن مشخص نشود، نمی‌توان از برنامه‌ریزی و استراتژی بلندمدت برای اداره و توسعه شهری، گسترش خلاقیت و تولیدات علمی، هنری و ادبی سخن گفت. هرچند گفتمان سنتی شهری که از دوره و عصر پیش از اسلام آغاز شد و در دوره اسلامی توسعه پیدا کرد و در عصر صفویه به اوج رسید، همچنان واجد سویه‌ها و ابعاد مهم و مؤثری است که نمی‌توانیم به‌سادگی از کنار آن عبور کنیم.

ادامه در صفحه ۲

Pishkhan.com

روزنه

رئیس‌جمهور:

مبارزه با قاچاق کالا مخصوصا دارو و واکسن تشدید شود

● **ایسنا:** رئیس‌جمهور در جلسه ستاد ملی مقابله با ویروس کرونا با تأکید بر رعایت پروتکل‌های بهداشتی، گفت: رعایت پروتکل‌های بهداشتی در هفته‌های اخیر در کشور پایین آمده و این نگران‌کننده است. این میزان از ۸۰ درصد به ۶۰ درصد کاهش یافته و این خبر بدی است. ما باز هم تاکید می‌کنیم که در همه جا اصول بهداشتی را رعایت کنند. حجت‌الاسلام حسن روحانی افزود: برخی دوگانه‌انگاری‌ها در جامعه ما مطرح می‌شود؛ مثل سلامت و معیشت، سلامت و دیانت، سلامت و آموزش؛ این دوگانه‌ها نادرست است. اما ما دوگانگی کنکور و سلامت را نپذیرفتیم. روحانی همچنین با اشاره به وجود قاچاق کالا در کشور و ضرورت مبارزه با آن، عنوان کرد: همه ما در برابر قاچاق کالا که در کشور ما دیده می‌شود، مسئول هستیم. در شرایط فعلی باید بیش‌ازپیش بر قاچاق دارو تمرکز کنیم که داروها را به خارج از کشور منتقل می‌کنند؛ چراکه گویا در کشورهای همسایه قیمت آنها بالاتر است.

مبارزه با قاچاق کالا مخصوصا در زمینه دارو و واکسن تشدید شود و جلوی قاچاق واکسن و دارو به خارج از کشور گرفته شود. البته ما صادرات دارو داریم؛ اما این کار را باید مبادی رسمی انجام دهند؛ نه اینکه قاچاق دارو و واکسن را شاهد باشیم.

ادامه از صفحه اول

هفته تهران و الزامات اجرائی توسعه شهری

با وجود این اصالت و اعتبار، نباید فراموش کنیم که گفتمان سنتی شهری و گفتمان شهر مدرن تفاوت و تعارض‌هایی ماهوی و مبنایی دارند که در جهان کنونی و با توجه به واقعیت‌ها و نیازهای نوظهور شهری که علاوه بر سویه‌های فرهنگی و اجتماعی از ابعاد سیاسی نیز برخوردار است، ضرورت فعال‌کردن ظرفیت‌های شهروندی را مهم‌تر از گذشته پدیدار کرده است. براساس‌این می‌توان مدعی شد که الزامات و ضروریات هرکدام از این نحله‌ها و ترکیب یا تفکیک ساختاری و فلسفی آن می‌تواند نقطه عزیمتی برای پژوهش و مطالعه جدی درباره «هویت شهر» محسوب شود. مدیریت عقلانی با سویه‌های فرهنگی تهران به‌عنوان شهری مدرن زمانی می‌تواند به‌عنوان گفتمان غالب و هژمون مطرح شود که حیات ذهنی آن در دیدگاه مدیران شهری تثبیت شود و آهنگ و همسویی و هم‌افزایی آن با زندگی در شهر متناسب و هم‌آوا شود. هویت شهری از برجسته‌ترین مصادیق و مظاهر این عقلانیت و حیات ذهنی به شمار می‌آید. مسئله‌ای که برخلاف تحلیل‌های مرسوم که تهران را شهری با غلبه فردیت می‌داند، می‌تواند پرداختن به آن و بهره‌گیری از تبعات مثبت و سازنده آن، انسجام شهری و پیوستگی روابط انسانی و اجتماعی را که در تأخیر طولانی سنت و تجدد دچار آسیب شده است، ترمیم و تقویت کند. به عبارت بهتر و دیگر معتقدم «تاریخ شهر» به‌عنوان پشتوانه و بستر استواری برای تدوین «هویت شهر» در ذیل تحلیل مفهومی گفتمان سنتی و مدرن شهری می‌تواند در فرایندی علمی و فنی با مشارکتی کارشناسانه و شهروندگرایانه به‌عنوان پروژه‌ای کلان که در سایه آن و مبتنی بر واقعیت‌ها و نه صرفا انتزاع و ذهنیت‌ها به دو پرسش مورد اشاره پاسخ می‌دهد، شهر را تعریف می‌کند و شهروند را تدقیق می‌کند، به‌عنوان اصلی‌ترین راهبرد و پروژه کلان‌شهری معرفی شود که در درون آن عمران شهری، زیست‌بوم شهری، مبلمان شهری، فضاهای شهری و زندگی شهری در بستر مجموعه‌ای از نیازها و مطالبات شهروندی و اجتماعی شاخص‌های بهتری را تجربه می‌کند و بالطبع رضایت حداکثری طبقات مختلف شهری را که ناهمگونی شاخصه بارز آن است، به دنبال خواهد داشت و قطعا تقسیم کار پیچیده شهری را نه به‌عنوان عاملی برای فرسایش سیاست‌ها بلکه به ظرفیتی برای پویایی شهر بدل می‌کند.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۸۰۱۱۰۲۹هیات اول موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تنکابن تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی شهرام شاهپوری فرزند ناصر شش دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان به مساحت ۲۰۸ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۵۸ فرعی از ۲۰ اصلی خوبان رزگاه به کلاسه ۹۸/۵۹۳ در بخش ۴ ثبت تنکابن خریداری شده از سند مشاعی مالک رسمی محرز گردیده لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود تا در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ اعتراض دادخواست اعتراض برثبت خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضاء مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۹۹۰۴۶۰۶

شهریار شکوری سرپرست ثبت اسناد و املاک تنکابن

تاریخ انتشار: نوبت اول: ۹۹/۶/۱۵ تاریخ انتشار: نوبت دوم: ۹۹/۶/۳۰

توافق عموم اصلاح‌طلبان بر رد سیاست ائتلافی در انتخابات ۱۴۰۰

لاریجانی، ناطق ۷۶ می‌شود؟

عطریانفر: لاریجانی رقیب شریف جبهه اصلاحات است، مانند رقابت ناطق‌نوری با خاتمی

شرق: سیاست ائتلاف یا اصرار بر هویت اصلاح‌طلبی، دوگانه‌ای است که از سال ۹۲ تاکنون به‌طور جدی در عالم سیاست مطرح شده است. سال ۹۲ اصلاح‌طلبان برای برون‌رفت از فضای بسته سیاسی بعد از انتخابات سال ۸۸، کوشیدند با حمایت از یک شخصیت اصولگرا و البته میانه‌رو، باز به صحنه رسمی سیاست ایران بازگردند؛ هرچند نه به‌طور کامل و صرفا با قناعت به تأثیرگذاری در نتیجه انتخابات. این سیاست در دو مقطع مهم دیگر، یعنی در انتخابات مجلس دهم در سال ۹۴ و در انتخاب مجدد حسن روحانی در سال ۹۶ نیز تکرار شد که در هرکدام از این مقاطع، اصلاح‌طلبان با حمایت صریح سیدمحمد خاتمی توانستند خواسته خود را به کرسی بنشانند و اصولگرایان رادیکال را مغلوب خود کنند؛ اما هرچه پیش رفت، فعل‌وانفعالات سیاسی و اجرائی، مردم و سپس اصلاح‌طلبان منتقد دولت را به این نتیجه رساند که دیگر نباید با گزینه‌های بینابینی وارد عرصه شد؛ زیرا ممکن است شخصیت اصولگرای میانه‌رو مطالبات اصلاح‌طلبانه را پیگیری نکند -امری که به‌ویژه در دور دوم ریاست‌جمهوری روحانی رخ داد- یا حتی ممکن است افرادی که به واسطه حمایت اصلاح‌طلبان پیروز انتخابات شده‌اند، بعد از کسب منفعت سیاسی، خود را از اصلاح‌طلبان جدا کنند و به پایگاه اصلی خود یعنی اصولگرا ملحق شوند (امری که پس از انتخابات مجلس دهم در فراکسیون امید به وقوع پیوست).

در مسیر نفی سیاست ائتلافی، برخی اصلاح‌طلبان زودتر و برخی دیرتر به این نتیجه رسیدند که اصرار بر هویت اصلاح‌طلبی حتی اگر نتیجه‌اش ردصلاحیت باشد، دست‌کم برای اعتبار سیاسی جبهه اصلاحات بهتر است و نباید به هر قیمتی به کسب پیروزی اندیشید. برای مثال، محمدرضا تاجیک یکی از آنها بود که به‌صراحت خط خود را با مقوله‌ای به نام ائتلاف روشن کرد و در گفت‌وگویی با روزنامه «شرق» گفت: «بارها گفته‌ام که آن ائتلاف تاریخی با آن سازوکار در آن شرایط با این جریان (اعتدال و توسعه) به نام عقلانیت سیاسی، هرچه بود، نه عقلانی بود و نه سیاسی (به معنای دقیق کلمه). طنز تاریخ امروز ما این است؛ همان‌هایی که دیروز به نام اصلاح‌طلبی چک سفید بدون امضا به این جریان دادند، امروز ناقد، نافی و عدوی آن شده‌اند و همان‌هایی که با این اقدام نعش این مقتول عزیز (اصلاح‌طلبی) را روی دستان ما گذاشته‌اند، زیر تابوت آن زار می‌گریند و خاک بر سر می‌کنند. همان‌هایی که جریان رشید اصلاح‌طلبی را کشتند، در خاک کردند و روی خاکش گل و ریاحین کاشتند، یا به بیان شیرین فارسی ور نم نهادند، امروز بر مزارش جمع شده‌اند و نوحه‌سرایی می‌کنند».

یا محمدرضا عارف پیش از انتخابات مجلس یازدهم در گفت‌وگو با خبرگزاری «ایرنا» گفته بود: «در انتخابات مجلس دهم، راهبرد جریان اصلاحات راهبردی ائتلافی بود و این راهبرد به گفتمان اصلاحات هم ضربه‌هایی زد؛ به همین دلیل در انتخابات مجلس یازدهم باید با لیست اصلاح‌طلبانه به میدان بیاییم».

یا ابراهیم اصغرزاده در سال ۹۸ در گفت‌وگو با خبرگزاری «مهر» با ذکر اینکه ائتلاف اصلاح‌طلبان با روحانی از سر ناچاری بود، گفته بود: «در عرصه انتخابات، بخشی از حکومت سعی می‌کند فشار را بر اصلاح‌طلبان به‌قدری بیشتر کند تا با همین دست‌فرمان دست به انتخاب بین بد و بدتر و ائتلاف با بدتر از وضع موجود بزنند و دائم عقب‌نشینی کنند. در نهایت ما را به جایی می‌رسانند که بنشینیم با پایداری‌چی‌های مهربان‌تر در برابر پایداری‌چی‌های نامهربان ائتلاف

کنیم! این یعنی خودکشی از ترس مرگ. این زیرکی جریان حاکم است».

در کنار چنین مواضع صریحی، حزب کارگزاران سازندگی در تمام این ایام سعی می‌کرد در وهله نخست نتیجه ائتلاف با حسن روحانی را سراسر بد نبیند و در وهله دوم بگوید اگر قرار باشد اصلاح‌طلبان از صحنه سیاست کنار گذاشته شوند، هنوز هم می‌توان با حمایت از یک نامزد اصولگرای میانه‌رو، بازی اصولگرایان رادیکال را برهم زد و مانع استمرار تندروی در کشور شد. هرچند این تحلیل منطقی به نظر می‌رسد -کمااینکه در سال ۹۲ نیز با وجود اکثریت اصلاح‌طلبان منطقی بود- اما به‌زعم باورمندان اصرار بر هویت اصلاح‌طلبی، چنین سیاستی دست‌کم در شرایطی که بخش مهمی از جامعه ناکامی‌های دولت را پای اصلاح‌طلبان می‌نویسند، جواب نمی‌دهد.

برای مثال، غلامحسین کرباسچی پیش از انتخابات مجلس گفته بود: «عقل جمعی و عملکرد مجموعه اصلاح‌طلبان نشان داده است که بر اساس مصالح نه شعارهای سیاسی عمل کرده‌اند و در این انتخابات هم اگر احساس کنند که با هرکسی که ائتلاف کنند به نفع کشور است و از ورود نیروهای افراطی -که به‌جز بحث‌های سیاسی و شعارها کارنامه دیگری ندارند- جلوگیری می‌کند، من فکر نمی‌کنم اصلاح‌طلبان از ائتلاف و اعتدال که به نفع کشور و خودشان است، دست بردارند».

چنین موضعی بعد از انتخابات مجلس و رأی‌نیاوردن لیست کارگزاران همچنان از سوی نیروهایی مانند محمد عطریانفر تکرار شد. هرچند هیچ‌گاه اعضای حزب کارگزاران درباره ائتلاف با شخص لاریجانی سخن نگفتند، اما با توجه به باور ائتلاف در میان برخی از اعضای این حزب، به نظر می‌رسید اگر قرار باشد در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ ائتلافی در کار باشد، محتمل‌ترین گزینه علی لاریجانی است تا آنکه چند روز پیش، حسین مرعشی، سخنگوی این حزب، در گفت‌وگو با «شرق» خط بطلانی بر حمایت کارگزاران از لاریجانی کشید و گفت: «حزب کارگزاران تاکنون هیچ دیداری با آقای لاریجانی نداشته است و اصلا معلوم نیست که خود او بخواهد به عرصه انتخابات وارد شود یا خیر. کارگزاران اکنون چهار نامزد حزبی دارد و نیازی ندارد از آقای لاریجانی حمایت کند. ضمن احترامی که برای آقای لاریجانی قائلیم، اما در حزب کارگزاران کوچک‌ترین بحثی درباره حمایت از او در انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده نداشته‌ایم. حزب کارگزاران که بیشترین ظرفیت را برای معرفی نامزد دارد، حتما از یک نامزد غیرحزبی و حتی غیرجبهه‌ای حمایت نمی‌کند».

با این سخنان به نظر رسید که بخشی از اعضای کارگزاران مانند دیگر اصلاح‌طلبان قائل به ادامه‌ندادن سیاست ائتلافی هستند و برخی دیگر از آنها همچنان بر استمرار ائتلاف تأکید می‌کنند. تا آنکه روز گذشته محمد عطریانفر که تا پیش از این درباره رد ائتلاف سخنی نگفته بود، متعاقب سخنان مرعشی در گفت‌وگویی با خبرگزاری «ایلنا» گفت: «آقای لاریجانی از منظر تاریخی متعلق به جریان اصولگرایی است، اما حداقل از سال ۸۴ تا به امروز، رفتار، منش و نوع سیاست‌ورزی ایشان شباهت‌های زیادی به رویکردهای اصلاح‌طلبانه داشته و تجربه سه دوره مجلس ایشان نیز نوعی رضایت‌مندی را از سوی اصلاح‌طلبان در کنار خود دارد. بنابراین عطف عنایت به امثال آقای لاریجانی، زمانی می‌تواند مطرح باشد که اصلاح‌طلبان از ارائه نیروی متحد و مشترک میان احزاب متبوع خود دچار امتناع یا محرومیت شوند. چه‌بسا در شرایط انقباضی و صعوبت برای اصلاحات در سال ۱۴۰۰ هم واقعه‌ای مشابه آنچه در سال ۹۲ رخ داد، رقم بخورد. در آن شرایط از میان گزینه‌های موجود ممکن است گزینه‌هایی مثل لاریجانی که از چهره‌های معقول اصولگرایی است، مورد بحث و گفت‌وگو قرار گیرد، اما اصلاحات در این شرایط تأکید بر یک رقابت تمام‌عیار بین یک نیروی متصل به جبهه اصلاحات با یک شخصیت معقول از اصولگرایان دارد... اصلاحات علاقه‌مند است آقای لاریجانی رقیب شریف عرصه رقابت شرافتمندانه با نماینده منتخب و نامزد برگزیده جبهه اصلاحات باشد. در این حالت، زیباترین رقابت رخ خواهد داد که مشابه تاریخی آن را در سال ۷۶ بین آقای ناطق‌نوری و آقای خاتمی دیدیم و تجربه کاملا گویا و روشنگری بود».

در حقیقت سخنان عطریانفر را می‌توان نوعی تأیید مشروط مواضع پیشین که مبتنی بر ادامه سیاست ائتلافی بود، قلمداد کرد؛ به‌نحوی‌که اگر شرایط برای اصلاحات ایجاب کند، برای مثال نامزد یا نامزدهای اصلاح‌طلبان ردصلاحیت شوند، به سمت ائتلاف می‌روند. بااین‌حال، عطریانفر در عین حال سعی کرده است خود را نزدیک به نظرات مرعشی کند و بگوید که تمایل اصلاح‌طلبان حمایت از نامزد جناحی است و می‌خواهند لاریجانی یک رقیب شریف باشد تا یک نیروی مورد حمایت اصلاح‌طلبان.

با چنین تغییر و تحولاتی در مواضع نیروهای کارگزاران، به نظر می‌رسد هرچه در جبهه اصولگرایی انشقاق‌های درونی بیشتر می‌شود، اصلاح‌طلبان به سمت وحدت نظری و عملی حرکت می‌کنند و دست‌کم تا اینجای کار و پیش از تشکیل سازوکار انتخاباتی، به یک وحدت رأی درباره چگونگی ورود کلی و نه مصداقی به انتخابات دست یافته‌اند و آن حمایت از نامزد کاملا اصلاح‌طلب است. بنابراین از این پس می‌توان گفت علی لاریجانی نه یک ظرفیت بالقوه اصلاح‌طلبان بلکه یک رقیب است؛ ولو رقیبی شریف و به گفته محمد عطریانفر، ناطقِ‌نوری اصلاح‌طلبان باشد.

تسویه‌حساب سیاسی از جایگاه مجلس

مجلس اصولگرایان که با سروصدای زیاد و با ادعای حل مشکلات معیشتی مردم روی کار آمده است، در چهار ماه اخیر بیشتر به سراغ حواشی رفته تا اصل. رفتن به سراغ موضوعاتی که از آن بوی تسویه‌حساب سیاسی و جناحی می‌آید؛ مانند حمله به سعید حجاریان بابت واردات گندم از سوی پسرش یا حمله به علی مطهری بابت اعتراض درباره سکوت در برابر ظلم به مسلمانان چین و به‌تازگی گیردادن به عضویت همسر بهاره هدایت در هیئت‌مدیره یک شرکت بیمه! علی بابایی‌کارنامی، سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس، روز گذشته به خبرگزاری اصولگرای مهر گفته ما موافق رقابت‌های قانونی سیاسی و طرفدار آزادی افکار و اندیشه هستیم؛ اما کسانی که از قانون عدول می‌کنند و علیه منافع ملت و نظام اقدامات ساختارشکنانه انجام می‌دهند، نباید در ارکان نظام به کار گرفته شوند و موضع مجلس درباره این افراد منفی است. قطعا این کمیسیون علت انتصاب احمدیان در هیئت‌مدیره بیمه البرز را بررسی می‌کند؛ چراکه ما هنوز درباره چندوچون این مسئله اطلاع دقیقی نداریم. درصورتی‌که برای کمیسیون اجتماعی مجلس محرز شود که وزارت کار صلاحیت این فرد را تأیید کرده است و مستنداتی در این زمینه به دست بیاوریم، قطعا به شریعتمداری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی تذکر می‌دهیم تا درباره چنین تصمیماتی تجدیدنظر کند. مهر چند روز قبل گزارشی درباره امین احمدیان، همسر بهاره هدایت که به نمایندگی از صندوق بیمه روستایی و عشایری به عضویت در هیئت‌مدیره بیمه البرز درآمده بود، نوشت و ایراد گرفته بود که او چطور از کانال نظارتی حراست وزارت کار عبور کرده است! پشت‌بند آن هم سراغ نمایندگان مجلس رفته است تا موجی علیه این انتصاب آغاز کند. مهر از احمدیان به‌عنوان متهم امنیتی و فتنه ۸۸ نام برده است.علی خضریان، نماینده تهران و عضو جبهه پایداری، هم به‌تازگی در یک رشته توییت به سراغ سعید حجاریان رفته بود و اتهاماتی به او و فرزندش نسبت داده بود. او در بخش اول توییت خود نوشت: «در سؤال از وزیر جهاد کشاورزی درباره حذف بودجه خودکفایی گندم از یک شخصیت پرنفوذ سیاسی گفتم که با استفاده از فضای تضعیف‌شده تولید داخلی اقدام به واردات محموله‌های گندم از خارج از کشور کرده است. این شخص کسی نیست جز جناب سعید حجاریان از تئوریسین‌های جریان اصلاحات!». محسن حجاریان در جوابیه‌ای به او این‌طور پاسخ داد: «مورخه ۱۳۹۹/۴/۲۹ مطلبی در یک حساب توییتری که ظاهرا منتسب به جناب‌عالی است، منتشر شده که متأسفانه حاوی اکاذیب و تهمت‌هایی علیه این‌جانب است. بر کسی پوشیده نیست که هدف از این دست تهمت‌پراکنی‌ها پیشبرد برخی نیات سیاسی و... علیه پدر این‌جانب است که تازگی ندارد! اما نظر به حضور شما در نهاد قانون‌گذاری کشور انتظار این است که در انتشار مطالب و سخنان خود الزامات بدیهی قانونی را مبنی بر عدم تخلف از قانون و نقض حقوق افراد از طریق افترا و نشر اکاذیب رعایت فرمایید».وقتی هم که علی مطهری در توییتی به رفتار دولت چین درباره مسلمانان منطقه سین‌کیانگ اشاره کرد و نوشت چنین رفتارهایی باعث محو کامل فرهنگ اسلامی در آن منطقه می‌شود، باز برخی نمایندگان به او تاختند و او را بی‌خاصیت خواندند. محمود احمدی‌بیغش، نماینده شازند، درباره‌اش گفته بود: «به‌تازگی شاهد برخی موضع‌گیری‌های نسنجیده و فاقد هرگونه اعتبار و استناد از سوی بعضی از سیاسیون بی‌خاصیت و همیشه طلبکار ازجمله فردی که خود سابقه نمایندگی دارد، درباره مسلمانان منطقه سین‌کیانگ چین هستیم که تحقیقات نشان می‌دهد نه‌فقط این اظهارات سخیف و ضد امنیت ملی صحت ندارد؛ بلکه ده‌ها میلیون مسلمان چین با دولت و دولت با مسلمانان مشکلی ندارند».

تفسیر مردانه از رجل سیاسی همچنان ادامه دارد

زنان پشت درهای بسته شورای نگهبان یا پاستور؟!

شرق: با نزدیک‌شدن به زمان انتخابات ریاست‌جمهوری بازار بحث و گفت‌وگو راجع به نامزدهای انتخاباتی داغ می‌شود و یکی از پرحاشیه‌ترین موضوعات هم نامزدی زنان برای حضور در کارزار رقابت انتخاباتی است؛ اما تاکنون هیچ زنی نتوانسته است از سد شورای نگهبان عبور کند. تاکنون زنان به دلیل زن‌بودن و تفسیر رجل سیاسی به مردبودن نامزدها، ردصلاحیت شده‌اند. البته این روزها مجلس در تکاپوی تفسیری جدید از «رجل سیاسی» است و نام آن را بازتعریف رجل سیاسی گذاشته است. در این تعریف مانند تفسیر سال ۱۳۹۶ شورای نگهبان از رجل سیاسی در رابطه با زنان سکوت اختیار شده است. هرچند سخنگوی شورای نگهبان در پاسخ به سؤالی درباره ریاست‌جمهوری خانم‌ها گفته است: دقیقا مسئله ممنوعیت‌های قانونی نیست و پای مسائل فرهنگی در میان است. شاید در دوره‌ای ریاست‌جمهوری خانم‌ها هم اتفاق بیفتد. کدخدایی دراین‌باره توضیح داد: قوانین بخشی از این مسئله است؛ اما از نظر من، بخش عمده‌ای از آن بحث فرهنگی است. می‌توانیم همین سؤال را به این صورت مطرح کنیم که چرا در آمریکا بعد از ۳۰۰ سال هنوز رئیس‌جمهور زن نداریم. آیا بحث تفاوت بین زن و مرد بوده است؟ به نظر می‌رسد بیشتر این موضوع فرهنگی است. بگذارید مثال دیگری از داخل کشور خودمان بزنم. در همین انتخابات اخیر، تعداد خانم‌هایی که برای نمایندگی مجلس ثبت‌نام کردند و تأیید صلاحیت شدند بسیار زیاد بود. از بین آنها تعداد ۱۷،۱۶ نفر انتخاب شدند؛ یعنی خانم‌ها هم به خودشان رأی نمی‌دهند. اینجا که دیگر شورای نگهبان مقصر نیست. این سخنان کدخدایی واکنش‌هایی منفی به همراه داشت؛ به‌ویژه آنکه بسیاری معتقدند تا زمانی که شورای نگهبان زنانِ نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری را ردصلاحیت کند، شانسی برای رسیدن به پاستور نخواهند داشت. پروانه سلحشوری، نماینده مجلس دهم، دراین‌باره گفته است: اینکه در اظهارات‌شان مطرح می‌کنند که زنان می‌توانند نام‌نویسی کنند؛ اما از طرفی در شورای نگهبان آنها را ردصلاحیت می‌کنند، نشان می‌دهد تفسیر همان است که بود و کاری از پیش نرفته و تغییری هم حاصل نشده است. او، درباره حضور زنان در انتخابات ریاست‌جمهوری و حمایت جریان‌های سیاسی از آنها می‌گوید: اگر یک جریان سیاسی مانند اصلاح‌طلبان بتوانند یک کاندیدای زن داشته باشند، قطعا مؤثرتر و بهتر خواهد بود؛ بنابراین اینکه اصلاح‌طلبان به‌عنوان یک جریان اصیل سیاسی بخواهند با یک کاندیدای زن به انتخابات ورود کنند، گامی رو به جلو است. آذر منصوری، قائم‌مقام حزب اتحاد ملت، نیز در واکنش به بحث رجل سیاسی و حذف همیشگی زنان از رقابت انتخاباتی، در یادداشتی با اشاره به تعریف رجل سیاسی و موانع پیش‌روی زنان برای حضور در انتخابات ریاست‌جمهوری بیان کرد: قانون اساسی فرقی میان زنان و مردان برای حضور در کارزار انتخابات قرار نداده است و تا زمانی که مردان در مقام تفسیر رجل سیاسی باشند، احتمالا حذف رقبای زن امری اجتناب‌ناپذیر است. نگاه مردانه به انتخابات داشتن یعنی نادیده‌گرفتن حق زنان برای نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری. زنان مدیر و مدبر که شرایط قرارگرفتن در بازتعریف رجل سیاسی را داشته باشند، کم نیستند؛ اما در عمل باید دید شورای نگهبان چگونه رفتار خواهد کرد. اگر اعضای این شورا معتقدند مردم به نامزد زن رأی نخواهند داد تا زمانی که نامزدهای زن اجازه حضور در رقابت انتخاباتی را پیدا نکنند، فقط یک پیش‌فرض خواهد بود و ممکن است به‌راستی با حذف نگاه مردانه از تفسیر رجل سیاسی در آینده نزدیک بتوان یک رئیس‌جمهور زن داشت. زنان با عبور از سد شورای نگهبان برای ورود به پاستور ممکن است شانس بیشتری از مردان داشته باشند.

خبر

عرضه اولیه سهام گروه مالی سپهر صادرات در فرابورس معرفی شد

طنین «وسپهر» در بازار سرمایه

● مراسم معارفه عرضه اولیه سهام شرکت سرمایه‌گذاری گروه مالی سپهر صادرات با تشریح برنامه‌های آتی بانک صادرات ایران و گروه مالی سپهر صادرات برای حمایت از «وسپهر» با هدف راهبردی تعمیق بازار سرمایه در محل شرکت فرابورس برگزار شد. به گزارش روابط‌عمومی بانک صادرات ایران، تعداد شش میلیارد سهم معادل ۲۰ درصد از سهام شرکت «سرمایه‌گذاری گروه مالی سپهر صادرات» در نماد «وسپهر» امروز یکشنبه سی‌ام شهریورماه به شیوه ثبت سفارش جهت کشف قیمت عرضه می‌شود. حداکثر سهام قابل خریداری توسط هر شخص حقیقی و حقوقی ۱۱۰۰ سهم در بازه قیمتی ۹۵۰ تا ۱۰۱۰ تومان بوده و تاریخ و دوره ثبت سفارش از ساعت ۱۳ تا ۱۷ روز یکشنبه، تاریخ تخصیص سهام نیز چهارشنبه دوم مهر و تاریخ شروع معاملات ثانویه روز شنبه ۵ مهرماه است. قائم‌مقام مدیرعامل بانک صادرات ایران در این نشست که با حضور احمد فاضلی، معاون مالی بانک، بهروز خدارحمی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری گروه مالی سپهر صادرات و محمد وطن‌پور، مدیرعامل شرکت تأمین سرمایه سپهر در جمع فعالان بازار سرمایه و اصحاب رسانه برگزار شد، گفت: ارزش ذاتی سهم شرکت سرمایه‌گذاری گروه مالی سپهر صادرات بیش از ۱۶ هزار ریال و قیمت عرضه اولیه آن بسیار پایین‌تر از ارزش واقعی است و این موضوع نویدبخش سودآوری مناسب برای استقبال‌کنندگان از سهم مزبور است. به گزارش روابط‌عمومی بانک صادرات ایران، رضا صدیق افزود: «وسپهر» متشکل از چندین شرکت بزرگ و تأثیرگذار در اقتصاد کشور است که در صنایع پتروشیمی، ساختمانی و سایر صنایع بزرگ کشور فعال‌اند و در آینده نزدیک از شرکت‌های بزرگ بازار سرمایه خواهند بود. رضا صدیق اظهار کرد: بانک صادرات ایران در این زمینه تجارب بسیار خوبی دارد و همان‌گونه که در سنوات دور، شرکت سرمایه‌گذاری غدیر را به بازار معرفی کردیم که امروز به یکی از شرکت‌های بزرگ بازار سرمایه تبدیل شده است، قطعا گروه مالی سپهر صادرات نیز به یکی از شرکت‌های بزرگ این بازار بدل خواهد شد. سهم «وسپهر» سهم ارزنده‌ای است و بانک صادرات ایران با تمام توان از این سهم حمایت و پشتیبانی خواهد کرد. در این مراسم همچنین بهروز خدارحمی، مدیرعامل گروه مالی سپهر صادرات با تشریح شرایط این شرکت سرمایه‌گذاری بر عزم جدی برای حفظ نقدشوندگی سهم مزبور و بازارگردانی با شیوه‌هایی متفاوت از گذشته در بازار سرمایه تأکید کرد. مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری گروه مالی سپهر صادرات گفت: سهامدارانی که به جمع سهامداران سپهر خواهند پیوست، لذت سودآوری و شیرینی ماندگار آن را خواهند چشید. وی اظهار کرد: گروه مالی سپهر صادرات در سال ۹۳ و با سرمایه ۶۰۰ میلیارد ریال تأسیس شد و امروز به عنوان شرکت سرمایه‌گذاری گروه مالی سپهر صادرات ۳۰ هزار میلیارد ریال سرمایه ثبت‌شده دارد و رشالت اولیه آن اعمال مدیریت حرفه‌ای و تخصصی در شرکت‌های سرمایه‌پذیر است. وی افزود: بانک‌ها بدون ارائه لازم برای تحصیل و مالکیت یا ایجاد شرکت‌ها، به کمک ساختار تسهیلات‌دهی و وام‌اربوط آنها، تاکنون به این نتیجه هوشمندانه می‌رسند که شرکت‌هایی را به جای مطالبات تملک کنند که خوش‌نام‌ترین آنها در مجموعه گروه مالی سپهر صادرات وجود دارد.

خدارحمی با اظهار امیدواری نسبت به اینکه بنگاه‌داری و سهامداری در بورس با یکدیگر اشتباه گرفته نشود، اظهار کرد: باید کمک کنیم که مطلوب‌ترین وضعیت را در شرکت‌های سرمایه‌گذاری داشته باشیم.

وی تجمیع سرمایه‌گذاری‌ها را از دیگر دغدغه‌های موجود عنوان کرد و افزود: تلاش کرده‌ایم تا مجموعه شرکت‌های ساختمانی را در یک شکل تجمیع و با تبدیل آن به هلدینگ، در گام‌های بعدی آنها را نیز وارد بازار سرمایه کنیم.

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری گروه مالی سپهر تسریع سرمایه‌گذاری در طرح‌های اولیه را نیز از جمله اهداف راهبردی این شرکت عنوان کرد و افزود: از هفته آینده گام‌های اولیه برای عرضه تک تک شرکت‌های گروه مالی سپهر آغاز خواهد شد. خدارحمی گفت: شرکت گروه مالی سپهر بزرگ‌ترین شرکت سرمایه‌گذاری در بین شرکت‌های سرمایه‌گذاری تلقی می‌شود. این شرکت تا قبل از عرضه اولیه تماما (۹۹.۷۶ درصد) در تملک بانک صادرات ایران بوده و ۲۰ درصد آن عرضه اولیه خواهد شد. وی به داشتن ۴۷ درصد سهام شرکت انرژی سپهر و حضور چهار شرکت بزرگ بلان، دنا، سیراف و لاوان، به عنوان زیرمجموعه‌های اصلی انرژی سپهر اشاره کرد و افزود: سه شرکت اول در زمینه تولید متانول و شرکت لاوان در زمینه تولید اوره و آمونیاک فعال است که شرکت‌هایی با پتانسیل ارزشمند به حساب می‌آیند. وی گفت: شرکت‌های انرژی سپهر، توسعه نیشکر و تأمین سرمایه سپهر در اولویت واگذاری بانک صادرات ایران قرار دارند.

خدارحمی با بیان اینکه ارزش برآوردی شرکت سرمایه‌گذاری گروه مالی سپهر صادرات ۳۳۰ هزار میلیارد ریال است افزود: در تلاشیم اقدامات ارزشمندی را که تاکنون در بازار سرمایه اتفاق نیفتاده، رقم بزنیم.

Pishkhan.com

MASTER CHRONOMETER
OMEGA
Constellation
CO-AXIAL
MASTER CHRONOMETER
SWISS MADE
پیشخوان
Pishkhan.com
Available at:
TEHRAN WATCH
SINCE 1901
MASTER CHRONOMETER CERTIFIED
Behind the elegance of every Master Chronometer timepiece is the highest level of testing: 8 tests over 10 days, to ensure superior precision and anti-magnetic resistance.
OMEGA
اُمگا

نگاه

دعوای ایران و آمریکا تقابلی حقوق بشری

امیر بی‌پروا*

● به دنبال خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق هسته‌ای و اعمال تحریم‌های آمریکا بر ایران در سال ۲۰۱۸ میلادی، ایران دادخواستی به دیوان بین‌الملل دادگستری علیه آمریکا تقدیم می‌کند. اعمال تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا نسبت به ایران خلاف عهدنامه مودت ایران و آمریکا مصوب سال ۱۹۵۵ است. عهدنامه مودت ایران و آمریکا مشتمل بر ۲۳ ماده در موضوعات اقتصادی، کنسولی و روابط دوجانبه دو کشور است. در دعاوی ایران و آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری این عهدنامه مستند صلاحیت دیوان از سوی طرفین بوده است. به موجب ماده ۲۱ عهدنامه مودت ایران و آمریکا هر نوع اختلافی برای اجرا و تفسیر معاهده در صلاحیت دیوان بین‌الملل دادگستری است. اعمال تحریم‌های آمریکا منجر به کاهش روابط بازرگانی، اخلال در مبادلات مالی و نهی دیگر کشورها در مبادلات اقتصادی و بازرگانی با ایران شد که همه این اقدامات با مفاد عهدنامه مذکور مغایرت دارد. به‌دنبال طرح دعوای ایران علیه آمریکا در سال ۲۰۱۸ دیوان بر مبنای ماده ۴۱ اساسنامه‌اش دستور موقتی صادر کرد که این دستور موقت برای آمریکا از لحاظ حقوقی محدودیت‌هایی در اعمال تحریم ایجاد کرد. شکایت ایران علیه آمریکا در دیوان بین‌الملل دادگستری و صدور دستور موقت از سوی دیوان با تأکید بر اینکه آمریکا هر نوع محدودیتی را بر صادرات دارو و وسایل پزشکی، مواد غذایی، تجهیزات مربوط به هوانوردی و امنیت پروازی مرتفع کند، هر نوع پرداخت مالی و نقل و انتقالات بانکی از شمول تحریم‌های آمریکا مستثنا می‌شود. این دستور دیوان که به موجب ماده ۴۱ اساسنامه الزام‌آور است، با توجه به محتوای آن یک حمایت قضائی بین‌المللی الزام‌آور از حقوق ملت ایران در برابر آمریکاست که از لحاظ حقوق بشری برجستگی خاصی دارد که در تاریخ حمایت قضائی بین‌المللی از حقوق بشر مورد توجه خواهد بود. در دستور موقت دیوان بر حقوق بنیادین بشری، چون حق بر غذا، حق بر سلامت و درمان تأکید شده است که این حقوق به موجب حقوق بین‌الملل عرفی و حقوق بین‌الملل بشر جزء حقوق الزام‌آور است و دولت‌ها نسبت به آنها براساس میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی متعددند و دیوان در این تصمیم با یک الزام قضائی آمریکا را از هر اقدامی که ناقض این حقوق بنیادین است، منع کرده و اعلام کرده این محدودیت‌ها باید مرتفع شود. پس از طرح دستور موقت در اکتبر ۲۰۱۸ آمریکا از عهدنامه مودت ایران و آمریکا خارج شد هرچند خروج آمریکا از عهدنامه پس از تقدیم دادخواست به موجب حقوق معاهدات خدشه‌ای به صلاحیت دیوان وارد نمی‌کند. پس از دو سال در سپتامبر ۲۰۲۰ جلسات استماع به دعوای ایران و آمریکا در دیوان بین‌الملل دادگستری در حال برگزاری است که این جلسات از چند جهت اهمیت دارد: اول، وکلای آمریکا استدلال‌های زیادی بر عدم صلاحیت دیوان مطرح می‌کنند که با نص عهدنامه ۱۹۵۵ مغایرت دارد. اعمال تحریم مغایر با منافع ایران و تعهدات اقتصادی و بازرگانی دو طرف است که باعث خدشه به منافع ملی ایران برخلاف نص، موضوع و هدف عهدنامه مذکور است که این مبنای اعمال صلاحیت دیوان است. دوم، اعمال تحریم مانع برخورداری از یک سلسله حقوق بشری به‌صورت مستقیم و یک سلسله حقوق به‌صورت غیرمستقیم می‌شود. تحریم در انواع اولیه یا ثانویه مانع اصلی تجارت، مبادلات اقتصادی و بانکی است که جریان اقتصاد جهانی را متوقف و ملت‌ها را از دسترسی به احتیاجات محروم می‌کند. صرف‌نظر از دستور موقت دیوان، اعمال تحریم‌های آمریکا دسترسی به غذا، امکانات پزشکی و درمانی، تجهیزات فنی را با مشکل مواجه می‌کند که این نقض حق‌های بشری مختلف مانند حق حیات، حق سلامت، حق غذا، حق مالکیت، حق تعیین سرنوشت به‌صورت مستقیم و دیگر حقوق بشری به‌صورت غیرمستقیم است. رسیدگی به این دعوی جدا از اهمیت صلاحیت و اعتبار موضوع در حقوق بین‌الملل معاهدات به‌دلیل توجه به غیرحقوقی‌بودن یک‌جانبه‌گرایی، از جهت محکوم‌کردن نقض‌های حقوق بشری در عرصه بین‌المللی و اینکه تحریم‌های یک‌جانبه خلاف حقوق بشر و در حقوق بین‌الملل محکوم هستند، اهمیتی دوچندان دارد.

* پژوهشگر حقوق بشر بین‌الملل

انتخابات آمریکا و منافع ایران در گفت‌وگو با دیاکو حسینی، تحلیلگر ارشد مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری

تفاوت بایدن و ترامپ به دیپلماسی فرصت تنفس می‌دهد

زینب اسماعیلی: تقریبا هر دوره انتخابات آمریکا برای بخشی از مردم ایران اهمیت ویژه‌ای داشته و اقلیت هوشیار و فعال جامعه، این کارزار را دقیق دنبال می‌کردند؛ اما در این دوره یک زمین یا یک صحنه بازی در میان است که همان حیات یا ممات برجام است؛ توافقی که اگر ترامپ برای وعده‌های داخلی خود از آن خارج نشده بود، می‌توانست بستری برای تغییرات زیادی در کشور باشد. حالا سؤال‌های متعددی وجود دارد؛ مانند سهم ایران در کارزار انتخاباتی آمریکا و انتخاب دوباره ترامپ و تکلیف برجام یا انتخاب بایدن و سرنوشت رابطه ایران و آمریکا. این سؤالات را با دیاکو حسینی، تحلیلگر ارشد مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری، در میان گذاشتیم. او معتقد است اگر ترامپ دوباره انتخاب شود، دیگر یک سکته وقت تاریخی بین رابطه آمریکا و اروپا نخواهد بود و اروپایی‌ها مجبور خواهند بود تصمیم جدیدی در باره رابطه فراآتلانتیکی خود بگیرند و این می‌تواند به ضرر ایران و به معنی پایان حیات برجام باشد. از سوی دیگر این تحلیلگر، بازگشت بایدن به برجام را نیز در صورت پیروزی در انتخابات ساده نمی‌انگارد و معتقد است که ممکن است به عمر دولت فعلی نرسد.

به نظر می‌رسد سیاست خارجی ایران در این دوره، بیش از همیشه تحت تأثیر انتخابات آمریکا است و نتیجه آن برای ایران مهم است. شما با این گزاره موافقید و آیا شباهتی تاریخی بین این دوره و دوره‌های پیشین می‌بینید؟

ازآنجایی‌که آمریکا بزرگ‌ترین چالش سیاست خارجی ماست، رفتارهای سیاست خارجی و پویایی‌های سیاست داخلی آمریکا همیشه تأثیرات بزرگی بر امنیت ملی ایران داشته و امروز به‌واسطه تنش‌ها و تحریم‌های بی‌سابقه‌ای که شاهد آن هستیم، بیش از هر زمان و بیش از هر کشور دیگری متأثر از نتایج انتخابات آمریکاست. در این انتخابات فقط مسئله این نیست که آیا یک دموکرات برای ایران بهتر است یا یک جمهوری‌خواه بلکه مسئله این است که دولت کنونی آمریکا به خاطر زیرپا گذاشتن قوانین نانوشته میان ایران و آمریکا، عملا راه هرگونه دیپلماسی را بسته است؛ ضمن آنکه به خاطر ناآگاهی دونالد ترامپ و محاصره او توسط تندروها، دو کشور به یک جنگ ویران‌کننده نزدیک شده‌اند. ریاست‌جمهوری ترامپ تا امروز مصداق هرج‌ومرج کامل در سیاست‌های جهانی بوده و در صورت ادامه ریاست‌جمهوری او به طرز پیش‌بینی‌ناپذیر و خطرناکی جهان به لبه پرتگاه نزدیک خواهد شد. بیرون‌رفتن ترامپ از کاخ سفید، به‌خودی‌خود برای امنیت جهانی بهتر است.

از امروز ۲۰ سپتامبر که تکلیف مکانیسم ماشه روشن می‌شود، تا سوم نوامبر که انتخابات آمریکا برگزار می‌شود، حوادث مهمی پیش‌روی ما قرار دارد که مهم‌ترین آن، واکنش جامعه جهانی به تلاش آمریکا برای عدم لغو تحریم تسلیحاتی ایران و بعد، انتخابات آمریکاست. شما نتیجه کارزار شورای امنیت را چگونه تصور می‌کنید؟

شکست آمریکا در شورای امنیت چه در ارائه پیش‌نویس قطع‌نامه‌ای برای تمدید تحریم تسلیحاتی و چه در حق خودخوانده برای به‌کارانداختن مکانیسم ماشه به این دلیل ساده صورت گرفت که اعضای شورای امنیت نمی‌خواهند به آمریکا اجازه بدهند برای دستیابی به اهداف یک‌جانبه و توافق‌نشده، از شورای امنیت بهره‌برداری کند. مسئله این است که غالب کشورها به رفتارهای آمریکا در چهار سال گذشته معترض‌اند اما به دلیل پیوندهای امنیتی و اقتصادی در عمل به سیاست‌های آمریکا تن داده‌اند. درباره بازگرداندن تحریم‌های پیشین هم که به‌طور غیرقانونی ادعای اعاده آنها به میان آمده، وضع به‌همین‌ترتیب خواهد بود. هرچند آنها در شورای امنیت با طرح آمریکا مخالفت کردند اما بعید است که در برابر اقدامات عملی آمریکا به اقدام مؤثری فراتر از سکوت و صدور بیانیه‌های محتاطانه دست بزنند. هیچ کشوری مایل نیست که چندجانبه‌گرایی تضعیف شود اما هیچ کشوری هم مایل نیست که بهای مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی، رویارویی و تنش بیشتر یا قرارگرفتن در لیست تحریمی آمریکا باشد. کشورهای زیادی هستند که امیدوارند انتخابات آمریکا این وضعیت را تغییر دهد. تا وقتی ترامپ یک پدیده موقتی در نظر گرفته شود، این سیاست یک‌بام‌ودوهوا شاید توجیهی پیدا کند اما اگر او برای بار دوم به ریاست‌جمهوری انتخاب شود، این ملایمت و مماشات می‌تواند فاجعه‌آفرین باشد. آمریکا هیچ پایه حقوقی‌ای برای محدودکردن ایران در خریدوفروش تسلیحات ندارد اما ممکن است با تهدید و ارعاب، دولت‌ها را وادار به اطاعت از تحریم‌های یک‌جانبه کند؛ همان‌طورکه پیش از این چنین کرده است.

اگر ترامپ برنده این انتخابات شود، فضای تندتری علیه ایران ادامه می‌یابد یا نه؟ او چندین‌بار گفته ایران بعد انتخابات در یک ماه با من توافق می‌کند. چنین چیزی را شدنی می‌دانید؟

ترامپ تصور می‌کند که ایران به خاطر امیدداشتن به یک‌دوره‌ای‌بودن دوران ریاست‌جمهوری او تاکنون حاضر به مذاکره نشده است و درصورتی‌که بار دوم انتخاب شود، با اعتمادبه‌نفس بیشتری که به دست آورده، به این نتیجه خواهد رسید که ایران مأیوس شده و در مدت‌زمان کوتاهی به مذاکره با او خواهد نشست؛ بنابراین شاید تصمیم بگیرد که با نشان‌دادن سرسختی و افزایش فشار، ایران را به لحاظ روانی درهم بشکند و با شرایطی که او می‌خواهد تهران را به مذاکره وادار کند. البته نباید از نظر دور داشت که رفتارها و تصمیم‌های دولت دوم ترامپ به چینش کابینه و به‌ویژه مشاور امنیت ملی و وزیر امور خارجه او هم بستگی دارد. مایک پمپئو، نیکی هیلی و افرادی مانند آنها، ترامپ را به سرسختی بیشتر تشویق خواهند کرد. آنها ممکن است چهار سال دیگر فرصت داشته باشند که ایده تغییر رژیم را در ایران با خیال راحت‌تری دنبال کنند. از دیدگاه آنها، آمریکا با توجه به اقتصاد شکننده‌تر ایران و افزایش نارضایتی‌های اجتماعی به این هدف نزدیک‌تر شده‌اند؛ بنابراین همه تلاششان را به کار خواهند گرفت که ترامپ را متقاعد کنند عجله‌ای برای توافق با ایران نداشته باشد. نباید تصور کنیم که ترامپ کاملا با نظر این افراد مخالف است. او به‌هرحال می‌داند که فشار شدید بر جمهوری اسلامی با توجه به تصویر بسیار منفی‌ای که در ایالات متحده وجود دارد، یک امتیاز بزرگ برای هر رئیس‌جمهوری تلقی می‌شود و اساسا می‌تواند بزرگ‌ترین دستاورد یک رئیس‌جمهور در چهار دهه گذشته محسوب شود؛ بنابراین گمان می‌کنم ترامپ در دور دوم ریاست‌جمهوری خود به این افراد فرصت خواهد داد که تا جای ممکن این سناریو را آزمایش کنند؛ مگر آنکه ایران تصمیم به مذاکره زودهنگام بگیرد.

در این میانه تکلیف برجام چه می‌شود؟ آیا به همین شکل کج دار و مریز باقی می‌ماند؟ اروپایی‌ها چه می‌کنند یا بهتر است چه کنند؟

بعد از خروج آمریکا از برجام، این توافق فقط به یک دلیل حفظ شده است: امیدواری به یک‌دوره‌ای‌بودن ترامپ و بازگشت دولت بعدی آمریکا به این توافق. حالا اگر ترامپ برای بار دوم انتخاب شود، برجام صرفا و در بهترین حالت یک توافق نمادین باقی خواهد ماند که نه قادر به محدودکردن برنامه‌های هسته‌ای است و نه می‌تواند خواسته‌های ایران را برآورده کند

بعد از خروج آمریکا از برجام، این توافق فقط به یک دلیل حفظ شده است: امیدواری به یک‌دوره‌ای‌بودن ترامپ و بازگشت دولت بعدی آمریکا به این توافق. حالا اگر ترامپ برای بار دوم انتخاب شود، برجام صرفا و در بهترین حالت یک توافق نمادین باقی خواهد ماند که نه قادر به محدودکردن برنامه‌های هسته‌ای است و نه می‌تواند خواسته‌های ایران را برآورده کند. درآن‌صورت برجام به توافق بی‌خاصیتی تبدیل خواهد شد که امیدی به احیای آن هم نیست. ضمن آنکه ما هنوز نمی‌دانیم کشورهای اروپایی که تا امروز به زحمت سیاست‌های تحقیرآمیز ترامپ را تحمل کرده‌اند، در چهار سال آینده چه خواهند کرد. از نظر اروپایی‌ها، انتخاب ترامپ در سال ۲۰۱۶ می‌توانست به حساب یک تصادف تاریخی و سکته وقت در روابط اروپا و آمریکا باشد؛ اما انتخاب دوباره او، نه یک تصادف، بلکه یک جهت‌گیری تلقی خواهد شد و اروپا را در دوراهی دشواری قرار خواهد داد. آنها یا باید بپذیرند که اتحاد فراآتلانتیک به پایان راه خود رسیده و زمان استقلال استراتژیک از ایالات متحده است یا باید آمریکای ترامپ را همان‌گونه که هست، به‌عنوان متحد خود قبول کنند. به‌دلیل پیوندهای امنیتی و اقتصادی، همین‌طور چنددستگی در اتحادیه اروپا بسیار بعید است که اروپایی‌ها قادر به انتخاب مسیر اول باشند؛ بنابراین احتمال آنکه اروپا همراهی بیشتری با آمریکا در دولت دوم او را انتخاب کند، بسیار بیشتر است. این مسئله می‌تواند تأثیر مستقیمی بر حیات برجام بگذارد و حمایت از تداوم آن را به حداقل کاهش دهد. چیزی که برای ایران به معنای مرگ کامل برجام است.

در روی دیگر سکه، ممکن است در نتیجه انتخابات آمریکا، جو بایدن دموکرات برنده انتخابات باشد. چقدر انتخاب او به نفع ایران است؟

در کوتاه‌مدت جایگزین‌شدن ترامپ با بایدن، فشارهای اقتصادی و سیاسی را بر ایران کمتر می‌کند و امیدواری به راه‌حل‌های دیپلماتیک را تقویت خواهد کرد. بایدن از سیاست فشار حداکثری علیه ایران حمایت نکرده و ترامپ را خائن به میراثی می‌داند که او به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور در دولت اوباما در ایجاد آن نقش داشت؛ بنابراین می‌توان انتظار داشت که بخشی از سیاست‌های ترامپ علیه ایران را کنار بگذارد. همین‌طور دموکرات‌ها منتقد سیاست‌های عربستان تحت هدایت محمد بن سلمان بوده‌اند و با کابینه نتانیاهو اختلاف‌های اساسی دارند. همه اینها می‌تواند به نفع ایران باشد؛ اما داستان به اینجا ختم نمی‌شود. بایدن به یک جریان فکری تعلق دارد که سیاست‌های آمریکا در ۷۰ سال گذشته را اداره کرده است؛ جریانی که تعلق خاطر بیشتری به مداخلات فراسرزمینی در امور داخلی کشورها، ترویج دموکراسی، اصرار بر حضور نظامی ماورای دریاها و همکاری با متحدان آمریکا برای حفظ ساختار امنیتی و اقتصادی جهان تحت هژمونی ایالات متحده دارد. باید توجه داشته باشیم که تفاوت بایدن و ترامپ در دشمن‌دانستن جمهوری اسلامی ایران نیست؛ بلکه در نحوه مواجهه با این دشمن است؛ بنابراین اگر از برجام بگذریم، دولت بایدن به اندازه دولت ترامپ، به دنبال مهار آنچه تهدید ایران می‌نامند، است؛ همچنین به تضمین برتری اسرائیل در این منطقه متعهد است؛ اما همین مقدار تفاوت هم می‌تواند به دیپلماسی فرصت تنفس بیشتری بدهد.

بایدن از ابتدا گفته که به برجام بازمی‌گردد. آیا این کار اصلا شدنی هست؟ نیاز به مذاکره جدید هست؟ با توجه به زمان کوتاه باقی‌مانده دولت آقای روحانی اصلا شدنی است؟

بازگشت آمریکای بایدن به برجام آسان و بی‌دردسر نخواهد بود. هرچند دموکرات‌ها از ابتدا با خروج آمریکا از برجام و تعقیب سیاست فشار حداکثری موافق نبودند؛ اما به این معنا نیست که نخواهند کوشید از نتایج این سیاست‌ها که بهای آن را دولت ترامپ پرداخته، حداکثر بهره‌برداری را انجام بدهند. آنها می‌دانند که همه کشورهایی که از خروج آمریکا از برجام متضرر شده و تحت فشارهای سیاسی قرار گرفته‌اند، خواستار بازگشت کامل آمریکا به برجام هستند. همین‌طور می‌دانند که ایران از تحریم‌ها آسیب دیده. همین مسئله اهرم فشاری را در اختیار دولت بایدن قرار خواهد داد که می‌تواند آن را در روند چانه‌زنی‌های بازگشت به برجام، به کار بگیرد. به علاوه، دولت بایدن حاضر نخواهد بود بدون رفع نواقص و نارسایی‌های برجام در رسیدگی به مدت‌زمان اعمال محدودیت‌ها بر برنامه‌های هسته‌ای و همین‌طور سیاست‌های منطقه‌ای و برنامه‌های موشکی ایران به برجام برگردد و همه تحریم‌هایی را که ابزار فوق‌العاده‌ای برای فشار بر ایران است، یک‌دفعه کنار بگذارد. اگر او چنین کاری را مرتکب شود، با موجی از انتقادها نه‌تنها از طرف جمهوری‌خواهانی که ناگزیر است در کنگره با آنها در پیشبرد سیاست‌های داخلی و خارجی همکاری کند بلکه با انتقاد جناح راست دموکرات‌ها که به جلب نظر اسرائیل و متحدان عرب آمریکا اهمیت می‌دهند نیز مواجه خواهد شد. از نظر آمریکا، ممکن است فراهم‌کردن مقدمات بازگشت به برجام با این شرایط به زمان بیشتری در مقایسه با عمر باقی‌مانده از دولت آقای روحانی نیاز داشته باشد. به‌هرحال، آغاز گفت‌وگوها می‌تواند در ماه‌های پایانی دولت آقای روحانی کلید بخورد، اما به دلیل پیچیدگی‌های سیاسی و فنی موارد اختلاف، نتیجه نهایی احتمالا به دولت آینده ایران موکول خواهد شد.

۹ ماه دیگر، انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران می‌تواند صحنه متفاوتی را رقم بزند و آن‌گونه که برخی تحلیل‌ها نشان می‌دهد، دولتی اصولگرا از این انتخابات سر کار بیاید. درحالی‌که دولت تعامل‌گرای روحانی، توانسته از مذاکره با دیگران دستاورد چندان مثبتی به دست بیاورد، دولت اصولگرا نیز مدعی بازگشت به عدم مذاکره خواهد شد. خب این به نظر چرخه باطلی است که از دولت اصلاحات در آن گرفتار آمده‌ایم؛ یعنی عدم فهم صحیح مقامات آمریکایی از انبساط در ایران.

به دلیل چهار دهه خصومت در روابط دو کشور و فقدان ارتباطات سیاسی و اجتماعی، تصویرهای منفی همراه با کینه‌ها و کلیشه‌ها چنان رسوب کرده که تغییر آن بسیار دشوار است. این مسئله روانی را باید به شکل‌گیری لابی گروه‌ها و کشورهای ذی‌نفوذی اضافه کرد که با تمام قوا برای جلوگیری از عادی‌سازی روابط ایران و آمریکا فعال هستند. منافع اقتصادی و سیاسی عظیمی برای تداوم این دشمنی‌ها وجود دارد؛ درحالی‌که از زاویه نگاه استراتژیک، ایران و آمریکا قادر هستند منافع مشترک گسترده‌ای را مقارن با بازآرایی سلسله‌مراتب نظام جهانی پیدا کنند. این تصادفی نیست که خصمانه‌ترین رفتارها و در رأس آنها ترور سردار سلیمانی در دولت آقای روحانی که بلندترین گام را برای حل اختلاف با آمریکا برداشت، اتفاق افتاد. این گروه‌ها باید اطمینان پیدا می‌کردند که هیچ روزنه‌ای برای عادی‌سازی مناسبات باز نخواهد ماند. آنها می‌خواهند مردم باور کنند که صرف‌نظر از آنکه چه کسانی در ایران و آمریکا در مسند قدرت باشند، دشمنی و اختلاف میان این دو کشور پابرجا می‌ماند. ما دو راه بیشتر نداریم؛ یا در برابر این بدخواهی‌ها تسلیم شویم و اجازه بدهیم خصومت دو کشور به سود رژیم نتانیاهو و معدودی از رژیم‌های منطقه، تا سرحد یک جنگ تمام‌عیار حرکت کند یا راه مقاومت را در پیش بگیریم و این افراد، گروه‌ها و دولت‌ها را که صرفا در حال دفاع از منافع میلیارددلاری خود هستند، کنار بزنیم تا روابط دو کشور به شیوه متوازن، احترام‌آمیز و متناسب با اقتضائات منافع واقعی دو ملت، به مسیر طبیعی خود بازگردد. ما گاهی آن‌قدر بر شکست‌دادن اسرائیل و متحدان عرب آن در منطقه متمرکز هستیم که اهمیت شکست اسرائیل در واشنگتن را از یاد می‌بریم. ما قبلا با برجام یک بار اسرائیل را در واشنگتن شکست داده‌ایم. تشویق به خروج آمریکا از برجام، انتقام این شکست بود. ما باید آماده باشیم که در صورت فراهم‌شدن شرایط، یک بار دیگر و قوی‌تر از قبل، اسرائیل و متحدانش را در واشنگتن در هم بشکنیم. این شکست به آنها اجازه نخواهد داد که با خیال راحت به کشتار مردم یمن و زیرپاگذاشتن حقوق مردم فلسطین ادامه دهند. رسیدن به این هدف، آسان نیست و به ممارست، صبر، هوشیاری و انعطاف زیادی نیاز دارد.

ادامه از صفحه اول

خطرات بی‌تصمیمی و بد تصمیمی

در سالی که همه شعار جهش تولید می‌دهند، از ماوقع آنچه در تصمیم‌گیری‌ها برای ترخیص کالا می‌گذرد، بی‌خبر هستند؟ بله بدون شک مشکلات در اتخاذ تصمیم وجود دارد ولی مگر مسئولان برای حل مشکلات گمارده نشده‌اند. اگر شجاعت تصمیم‌گیری نیست، حداقل شجاعت اعلام دلایل عدم تصمیم‌گیری را داشته باشند؛ هرچند این به حل مسئله کمک نمی‌کند. تصمیم‌گیری‌ها باید در زمان خود و البته با رعایت قانون انجام شود و طبیعی است که نهایتا اگر برخی مقررات دست‌وپاگیر است، راه‌هایی برای رفع آن و اتخاذ تصمیم وجود دارد. هم‌چنان‌که رؤسای سه قوه از این اختیارات برخوردار هستند.

البته همیشه بی‌تصمیمی وجود ندارد و معلوم نیست چرا تصمیماتی که به زیان کشور است، سریعا اتخاذ می‌شود؛ اعم از تصمیمات دولت و غیردولت! معلوم نیست چرا با آن‌همه سرعت تصمیم گرفتند که ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی به همه کالاها بدهند و آن‌همه تخصیص ارزی را در مدت کوتاه انجام دهند و معلوم نیست برخی تصمیمات سیاسی که تبعات بین‌المللی دارد، به چه دلیل اتخاذ شده است.

کشور نیاز به تصمیمات بموقع دارد که بتواند جلوی زیان‌ها را بگیرد. بی‌تصمیمی و بدتصمیمی هر دو زیان‌های بسیار دارد و تاوان همه این بی‌تصمیمی‌ها و بدتصمیمی‌ها را مردم می‌پردازند؛ همان‌طور که اکنون بار همه این نوع تصمیم‌گیری‌ها بر دوش مردم است. حال حداقل کالاها را از گمرک ترخیص کنید. به قول معروف از طلا گشتن پشیمان گشته‌ایم، مرحمت فرموده ما را مس کنید!

بی‌نقشی جامعه و آشفتگی بازار

۲- هرچند هر فعالیت اقتصادی همواره با ریسک و خطرکردن همراه است؛ اما بین «ریسک» و «ابهام» تفاوت وجود دارد. در شرایط ریسک افراد با شانس پیروزی و شکست یکسان (۵۰-۵۰) مواجه هستند؛ ولی در شرایط ابهام هرچند ممکن است شانس موفقیت هم وجود داشته باشد؛ ولی این احتمال از یک تا ۹۹ درصد متغیر است و به طور دقیق نمی‌توان گفت که در یک وضعیت مبهم شانس موفقیت چند درصد است.

از طرفی شدت ترس و نفرت مردم از ابهام به‌مراتب بیشتر از وضعیت ریسکی است؛ زیرا در این چارچوب از اختیار و شناخت کمتری برخوردارند و امکان پیش‌بینی آینده وجود ندارد؛ بنابراین وقتی عرصه فعالیت اقتصادی همگانی نباشد، می‌دانند که بهتر است فعالیت‌های مربوط به کسب و کارشان را به حوزه‌هایی نبرند که ابهام‌آمیز و خطرآفرین است و با منافع عده‌ای خاص در تضاد قرار می‌گیرد و خودخواسته از ورود به بسیاری از عرصه‌های مفید و رونق‌بخش کنار می‌کشند.

به‌همین‌خاطر وقتی راه ورود به فعالیت سالم اقتصادی ابهام‌آمیز شود، دروازه ورود به بسیاری از فعالیت‌های سوداگرانه و ناسالم گشوده می‌شود. چنین حوزه‌هایی را دیگر نمی‌توان با ابزار کنترل و تعزیر دولتی سامان بخشید و نه می‌توان از ورود «هیچ‌کسان» و حتی افراد عادی به آن جلوگیری کرد. اینجاست که آشفتگی بازار شکل می‌گیرد و قمار اقتصادی رونق می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای‌که افرادی که قرار بود در وضعیت آزادی اقتصادی، سرمایه فکری-مادی خود را به نفع تولید و کارآفرینی وارد عرصه فعالیت کنند، در وضعیت انحصاری و ابهام‌آمیز سرمایه خود را به سوی بازارهای مطمئن و بی‌خطری مانند زمین و مسکن یا فعالیت‌های سوداگرانه و دلالی مثل خرید و فروش ارز و سکه و طلا روانه می‌کنند و مانند سیل ویرانگری هم اقتصاد را به هم می‌ریزند و هم جامعه و اخلاق را ویران می‌کنند.

۳- راه‌حل رفع آشفتگی و نگرانی جامعه ابهام‌زدایی از حوزه سیاست و حکمرانی است. ابهام‌زدایی نیازمند هم‌اندیشی، گفت‌وگو و اجماع نخبگان سیاسی، فکری، فعالان بخش خصوصی و جامعه مدنی بر سر نحوه اداره کشور و تعیین اولویت‌های آن است. تاکنون در غیاب احزاب فراگیر و جامعه مدنی قدرتمند، نخبگان سیاسی به صورتی یک‌جانبه، ذوقی و براساس سلایق، ارزش‌ها و نگرش‌های شخصی یا گروه‌های همفکر دست به تعیین و ترسیم سیاست‌ها و خط‌مشی اجرائی می‌زدند و انتظار پذیرش و اطاعت بی‌چون‌وچرای جامعه را داشتند؛ اما در وضعیت جدید که دولت به دلیل مشکلات مالی مانند گذشته توان فرمان‌رانی و فرمانروایی یک‌طرفه را ندارد، دیگر نمی‌تواند به سیاست یک‌جانبه و خاص‌گرایانه ادامه دهد و ادامه مسیر محتاج حضور و مشارکت نخبگان فکری، بخش خصوصی و جامعه مدنی برکنار از سیاست است تا بتواند راه ناهموار و پرسنگلاخ کنونی را به سلامت طی کند؛ بنابراین تعلل در جلب مشارکت جامعه مدنی و بخش خصوصی و بهره‌مندی از نظرات و همکاری آنها وضعیت موجود را پیچیده و سخت‌تر می‌کند و ابهام آینده را بیشتر خواهد کرد.

به همین منظور تأکید بر آن است که مسئولان قوا و دستگاه‌های مختلف از ادعای انحصارطلبی، همه‌چیزدانی و مغز متفکر بودن دست بشویند و تعیین اولویت‌ها و مصالح کشور و تصمیم‌گیری راجع به آن را به خود جامعه واگذار کنند.

پیشخوان Pishkhan.com

در نامه‌ای به رئیس شورای امنیت تأکید شد

تروئیکای اروپایی: همچنان به ادامه اجرای قطع‌نامه ۲۲۳۱ متعهدیم

تروئیکای اروپایی در نامه‌ای به رئیس شورای امنیت سازمان ملل متحد بار دیگر تأکید کرد سه کشور اروپایی همچنان خود را به ادامه اجرای قطع‌نامه ۲۲۳۱ متعهد می‌دانند.

آلمان، فرانسه و بریتانیا، در نامه جدیدی به رئیس شورای امنیت سازمان ملل متحد، بار دیگر تأکید کردند تلاش آمریکا برای احیای تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران فاقد اثر قانونی است و سه کشور اروپایی همچنان خود را به ادامه اجرای قطع‌نامه ۲۲۳۱ متعهد می‌دانند.

به گزارش العالم، به نقل از آسوشیتدپرس، این سه کشور در این نامه گفته‌اند که تعلیق تحریم‌ها علیه ایران در چارچوب توافق هسته‌ای با ایران موسوم به برجام، پس از تاریخ ۲۰ سپتامبر (۳۰ شهریور) ادامه خواهد یافت. نسخه‌ای از نامه این سه کشور اروپایی حاضر در برجام در اختیار برخی از خبرگزاری‌ها قرار گرفته است. بریتانیا، آلمان و فرانسه تأکید کرده‌اند هرگونه تصمیم یا اقدام در راستای بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران، فاقد «اثر قانونی» است.

نمایندگان سه کشور اروپایی امضاکننده در سازمان ملل، در ادامه این نامه گفته‌اند: «ما تلاشی بی‌وقفه برای حفظ توافق هسته‌ای داشته‌ایم و همچنان به آن پایبند هستیم». این سه کشور اروپایی تأکید کرده‌اند همچنان به «اجرای کامل» قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت که سال ۱۳۹۴ در پیوند با توافق هسته‌ای ایران و شش قدرت جهانی تصویب شد، پایبند هستند».

تأکید دوباره این سه کشور بر این موضع، در حالی است که موعد مشخص‌شدن تکلیف درخواست آمریکا در زمینه تمدید تحریم‌های هسته‌ای ایران با استفاده از سازوکار حل اختلاف در برجام و در شورای امنیت رسیده است؛ اما خودداری این کشورها در کنار دیگر امضاکنندگان برجام و دیگر اعضای شورای امنیت، عملا به این معناست که درخواست آمریکا بررسی نخواهد شد و اقدامی در راستای آن صورت نمی‌گیرد. نمایندگان دیگر طرف‌های برجام، اتحادیه اروپا، روسیه و چین و نیز دیگر اعضای غیردائم شورای امنیت به‌جز جمهوری دومینیکن نیز مخالف رویکرد آمریکا بوده‌اند.

درعین‌حال دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، گفته است خود یک‌طرفه تحریم‌های مدنظرش را علیه ایران اعمال می‌کند.

آگهی موضوع ماده۳ قانون وماده ۱۳آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۱۰۰۰۴۰۰۵۱۳۵ - ۱۹ - ۰۴ - ۹۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بابل تصرفات مالکانه بلا معارض آقای مجید حسین زاده فرزند سلمان به شماره شناسنامه ۱۴۷۲ صادره از بابل با کد ملی ۲۰۶۳۰۰۵۵۲۴ متقاضی کلاسه ۲۸۴۷ در شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۵۲۴،۷۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۲۶۷-۲۹ اصلی واقع در بخش شش حوزه ثبت ملک بابل ثبت و محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب دردونوبت به فاصله ۱۵روز ازطریق روزنامه کثیرالانتشار و محلی آگهی میگردد درصورتی که اشخاص ذی نفع به رای صادره فوق اعتراض دارند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی ودر روستاها ازتاریخ الصاق بمدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم و رسید دریافت نمایند ومعترض باید ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر وخواهدشد صدور سند مانع ازمراجعه متضرر به دادگاه نمیباشد. م الف ۱۹۹۰۴۷۲۲

شهرام خسروی رئیس ثبت اسناد املاک بابل

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۵-۰۶-۹۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۳۰-۰۶-۹۹

خبر

ایران رتبه نخست جهان را از آنِ خود کرد

سهم ۲۵ درصدی ایران از اکتشاف نفت و گاز جهان

● **شرق:** مدیر اکتشاف شرکت ملی نفت ایران در تشریح چگونگی دستیابی ایران به رتبه نخست جهان در زمینه اکتشافات نفتی گفت: ایران در سال ۲۰۱۹ در مجموع ۴.۹۷ میلیارد بشکه نفت قابل استحصال کشف کرده که این عدد معادل ۲۵ درصد اکتشافات نفت و گاز جهان در سال ۲۰۱۹ است. صالح هندی اظهار کرد: حدود ۲۱میلیارد بشکه معادل نفت خام قابل استحصال کشف شده است و این مؤسسه، کشفیات گاز را نیز تبدیل به نفت کرده و نفت درجا را محاسبه نکرده است. هندی با بیان اینکه در سال ۲۰۱۹ دو برابر سال ۲۰۱۸ ذخایر کشف شده و این عدد در پنج سال گذشته بی‌نظیر است، تصریح کرد: بیشتر اکتشافات به سمت گاز رفته و مجموعا ۷۵ درصد کشفیات مربوط به گاز است. او با بیان اینکه ۲۰ کشف بزرگ معادل ۷۵ درصد اکتشافات است، گفت: سهم ایران از این ۲۰ اکتشاف بزرگ، اکتشاف اول و سوم است. ایران در سال ۲۰۱۹ با میدان ارم با ۲.۷ میلیارد بشکه نفت قابل استحصال و ۱۳ درصد از کل نفت کشف‌شده رتبه اول را و با میدان نام‌آوران با ۲.۲ نفت رتبه سوم این رتبه را به دست آورد. با اقدامات انجام‌شده توانستیم ۲۴ درصد از اکتشافات ۲۰۱۹ را با کشف ۴.۹۷ میلیارد بشکه نفت قابل استحصال برای ایران ثبت کنیم. او ادامه داد: رتبه دوم مربوط به گاز پروم روسیه با ۳.۱۸ میلیارد بشکه، رتبه سوم مربوط به بریتیش پترولیوم با ۱.۴ میلیارد بشکه، رتبه چهارم مربوط به اکسون‌موبیل با ۰.۹ میلیارد کشف و رتبه پنجم نفت فلات قاره چین معادل ۰.۷ میلیارد بشکه نفت قابل استحصال است و ایران بین پنج کشور اول، رتبه اول را کسب کرده است. او افزود: از ۲۰ کشف بزرگ زیر ۵۰۰ میلیون بشکه نفت را گزارش کردند و این در حالی است که ما این ارقام را گزارش نمی‌کنیم و به‌عنوان کشف عادی به حساب می‌آوریم. مدیر اکتشاف شرکت ملی نفت ایران با بیان اینکه هزینه هر چاه اکتشافی بین ۱۵ تا ۲۰ میلیون دلار است، گفت: حدود ۲۵ درصد سرمایه‌گذاری در اکتشاف نفت و گاز جهان کاهش پیدا کرده است.

کارشناسان دستور دولت به عرضه فولاد و مصالح ساختمانی در خارج از بورس کالا را تحلیل می‌کنند

واکنش بازار به دستور خروج از بورس

شکوفه حبیب‌زاده: در طول دو دولت یازدهم و دوازدهم چند بار برخی تصمیم ها در حوزه اقتصاد، به «مشاوره اشتباه» نسبت داده شد. تصمیم‌گیری درباره نرخ بنزین، نرخ دستوری دلار چهارهزارو ۲۰۰ تومانی، طرح گشایش اقتصادی و عرضه نفت در بورس و...، از جمله این موارد است. حدود یک ماه قبل نیز خبری شایع شد که نشان از خروج فولاد از بورس کالا می‌داد. شایعه‌ای که همان زمان ازسوی رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران رد شد. اما با گذشت بیش از یک‌ماه از آن شایعه، این‌بار وزیر راه‌وشهرسازی خبر از «دستور رئیس‌جمهور برای عرضه محصولات فولاد و مصالح ساختمانی در خارج از بورس کالا» داد و اعلام کرد: «در این راستا دستورات لازم به وزارت صنعت و ستاد تنظیم بازار داده شده است». خبری که برخلاف دور قبل که موجب ریزش ارزش سهام فولاد در بورس اوراق بهادار شده بود، این‌بار، شوخی قلمداد شد و با گذشت دو روز از بیان آن از سوی وزیر راه‌وشهرسازی، یک منبع مطلع در بورس کالا به «شرق» خبر داد که هنوز این دستور به بورس کالا ابلاغ نشده و همه‌چیز به روال قبل طی می‌شود. بیان این مسئله ازسوی کارشناسان و فعالان بورس کالا نیز حول این محور بود که این تصمیم جدی نیست و عملیاتی نیز نخواهد شد و با فرض عملیاتی‌شدن آن، تصمیمی سخت اشتباه و محکوم به شکست است. نکته عجیب ماجرا آنجاست که برخی از تصمیم‌های رئیس‌جمهور در حوزه اقتصاد که به نظر می‌رسد با مشاوره اشتباه به او منتقل شده، از سوی اقتصاد نیز جدی گرفته نمی‌شود. حتی برخی از تصمیم‌ها مبنی‌بر همکاری بانک‌ها برای پرداخت وام ودیعه مسکن، پرداخت کمک‌هزینه جبرانی برای کسب‌وکارهای آسیب‌دیده ناشی از شیوع ویروس کرونا و... از جمله مواردی بود که با دهن‌کجی بانک‌ها که یکی از بخش‌های اصلی اقتصاد ایران را تشکیل می‌دهند، روبه‌رو شد. از سویی خبرها حاکی از آن است که از آغاز این هفته، ۹درصد به قیمت شن و ماسه برای پنجمین بار در سال جاری افزوده و عرضه سیمان نیز درپی صدور این دستور، متوقف شد و گفته می‌شود با آغاز عرضه، حدود ۷۰هزار تومان به نرخ آن اضافه می‌شود. سؤال این است که وقتی اقتصاد و بازار، با تصمیم‌های دستوری همراهی نمی‌کند، اصرار برای ادامه این روند برای چیست؟

خروج فولاد و مصالح از بورس، محتوم به شکست است

احمد دنیانور، عضو هیئت‌مدیره انجمن فولاد، در گفت‌وگو با «شرق» در واکنش به ورود دستوری دولت به بازار فولاد می‌پرسد: «کجای دنیا، بازار مکررا مورد دخالت دولت قرار می‌گیرد و پاسخ درستی هم گرفته می‌شود؟ وقتی دستورات، محتوم به شکست است، چرا این دستورات صادر می‌شود؟».

دنیانور با نقد این روند برای ورود و خروج فولاد از بورس کالا که در دفعات مختلف درباره آن تصمیم‌گیری شده، می‌افزاید: «یک‌بار برای کنترل بازار فولاد اعلام می‌شود که فولاد به بورس کالا می‌رود و بار دیگر برای کنترل همان بازار، دستور داده می‌شود که فولاد از بورس کالا خارج شود! تکرار اشتباه، طبیعتا محتوم به شکست است و این‌بار نیز اگر اتفاق بیفتد، شکست خواهد خورد». این عضو هیئت‌مدیره انجمن فولاد در ادامه با اشاره به اینکه خروج فولاد از بورس کالا، تبعات جبران‌ناپذیری دارد، ادامه می‌دهد: «این اقدام موجب می‌شود که قیمت فولاد از کنترل خارج شود و بار دیگر امکان نظارت بر قیمت‌ها از بین می‌رود. جریان ایجاد بورس کالا برای کنترل و کانالیزه‌کردن بازار کالا و شفاف‌سازی است. وقتی یک کالا مانند فولاد و مصالح، از بورس خارج می‌شود، شفافیت و کانالیزه‌شدن و نظارت جملگی از دست می‌رود و اصلا خبر خوبی برای بازار فولاد نخواهد بود».

سود دلالان از خروج فولاد از بورس

علیرضا باغانی، کارشناس بورس کالا، در گفت‌وگو با «شرق» نیز با تأیید این دیدگاه می‌گوید: «به نظر می‌رسد مدیران ارشد در کشور آشنایی کافی با بورس و شفافیتی که این بازار می‌تواند ایجاد کند، ندارند وگرنه چنین دستوری (اگر واقعیت داشته باشد)، صادر نمی‌شود». باغانی در ادامه با بیان اینکه فلسفه بازارهای مالی در جهان ایجاد شفافیت است، می‌افزاید: «بازارهای مالی تلاش می‌کنند که دلالان را از سطح بازارها حذف کنند و حال اگر فولاد از بازار خارج شود، دوباره با جولان دلالان روبه‌رو خواهیم شد و درپی آن هیچ نظارتی روی قیمت فولاد نمی‌توان داشت». این تحلیلگر بورس با اشاره به اینکه فولاد یکی از سهم‌های بنیادین بورس اوراق بهادار نیز محسوب می‌شود، ادامه می‌دهد: «با چنین تصمیمی تنها ریزش ارزش فولاد و درپی آن اثر منفی آن بر شاخص خواهیم بود». باغانی تصریح می‌کند: «بهترین سناریو برای فولاد آن است که قیمت فولاد آزاد شده و در بورس کالا کشف قیمت شود. کنترل بازار هم به صنعت بالادستی آسیب می‌زند که مجبور است با قیمت پایین‌تر از قیمت واقعی، ورق خود را بفروشد و هم مصرف‌کننده که نمی‌تواند ورق را با قیمت کشف‌شده در بازار خریداری کند. بنابراین عملا در این میان یکسری دلال از فرصت ایجادشده بهره‌مند می‌شوند». به گفته او، حذف بورس کالا به متعادل‌شدن قیمت فولاد کمکی نمی‌کند و به امنیتی‌شدن فضا و غیرشفاف‌بودن قیمت‌ها و رونق دلالی منتهی می‌شود.

وابستگی نظارت دولت به عرضه زنجیره فولاد در بورس کالا

بابک بهادری، کارشناس حوزه صنعت‌ومعدن، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: «در مصالح ساختمانی، مصالح فلزی مانند میلگرد و تیرآهن در بورس کالا عرضه می‌شود اما مصالح غیرفلزی مانند سیمان، کاشی، سرامیک و سنگ‌های ساختمانی در بورس کالا عرضه نمی‌شوند و از بین این مصالح غیرفلزی، دولت فقط برای سیمان یک نرخ تعیین کرده که تولیدکنندگان سیمان نیز بر همان مبنا، سیمان خود را عرضه می‌کنند. در این میان، میلگرد و تیرآهن هم در بورس کالا عرضه می‌شوند و هم در بازار آزاد. نکته مهم آن است که قیمت آنها به شمش فولاد متصل است که عرضه این محصول، خارج از بورس کالا ممنوع است». بهادری علت را این‌گونه بیان می‌کند: «اگر شمش فولاد از بورس کالا خارج شود، دولت دیگر ابزاری برای نظارت بر بازار نخواهد داشت. درواقع، بورس کالا یکی از ابزارهایی است که دولت ازطریق آن می‌تواند با ایجاد شفافیت، رقابت و کشف قیمت در آن، معاملات را رصد کند و بر همان مبنای قیمت شمش فولاد، با درصدی بیشتر، قیمت میلگرد و تیرآهن مشخص می‌شود. به همین دلیل است که دولت تولیدکنندگان را موظف می‌کند تولید خود را در بورس کالا عرضه کنند و اگر عرضه نکنند، اجازه صادرات به آنها داده نمی‌شود». این کارشناس با اشاره به تبعات خروج شمش فولاد از بورس کالا، تصریح می‌کند: «اکنون بورس کالا تبدیل به محلی برای عرضه و تقاضا شده که امکان تنظیم بازار را برای دولت فراهم می‌کند. حال اگر شمش فولاد از بورس کالا خارج شود، دولت هیچ نظارتی روی عرضه و تقاضا نخواهد داشت».

مشاوره اشتباه به مسئولان

بهادری مشاوره اشتباه به مسئولان را علت این تصمیم نادرست دانسته و می‌گوید: «سیاست‌های تنظیم بازار فولاد، ایراد داشته و به همین دلیل سبب شده تا تولیدکنندگان، فولاد را در بورس کالا عرضه نکنند. وقتی عرضه کم می‌شود، قیمت‌ها افزایش می‌یابد. حتی در برهه‌ای از تیرماه، قیمت شمش فولاد در بورس کالا، به ۱۲۰ درصد قیمت جهانی آن رسید. درپی این اتفاق سایر قیمت‌ها نیز افزایش یافت و حال دولت با مشاوره‌های نادرستی که به او می‌شود، تصور کرده بورس کالا، عاملی برای این افزایش قیمت بوده. درحالی‌که بورس کالا، فقط یک تالار است که در آن معاملات به‌صورت شفاف انجام شود. او در ادامه، می‌گوید: «نظر کارشناسی آن است که کل محصولات از سنگ‌آهن گرفته تا محصولات نهایی مانند میلگرد و تیرآهن باید در بورس کالا عرضه شوند و هر چیزی که مازاد نیاز کشور است و در بورس کالا، معامله نشده است، اجازه صادرات داشته باشد. در واقع توصیه کارشناسی آن است که دولت، صادرات را مشروط به عرضه در بورس کالا کند». بهادری با بیان اینکه به این طریق عرضه در بورس کالا افزایش می‌یابد، ادامه می‌دهد: «این امر سبب می‌شود تا قیمت‌ها از یک محدوده مشخص بیشتر افزایش نیابند». این کارشناس حوزه صنعت و معدن با اشاره به یک تحلیل اشتباه در این حوزه می‌گوید: «برخی می‌گویند وقتی از سنگ‌آهن تا محصول نهایی (میلگرد و تیرآهن) در کشور تولید می‌شود، چرا باید قیمت آن مطابق با نرخ جهانی و وابسته به دلار باشد؟ در پاسخ باید گفت اگر برای این زنجیره، قیمت دستوری در نظر گرفته شود، موجب می‌شود تا بین قیمت‌های داخلی و جهانی، شکاف ایجاد شود. این شکاف نیز سبب می‌شود تا میل به قاچاق محصولات این زنجیره افزایش یابد».

او با اشاره به اینکه سیاست تنظیم بازار در ایران معیوب است، می‌گوید: «بااین‌حال یک مورد در قانون پیش‌بینی شده که اگر یک بازار، انحصاری بود، شورای رقابت به آن ورود کند. اکنون در حوزه زنجیره فولاد، شورای رقابت تشخیص داده بود که بازار ورق‌های فولادی، انحصاری است. دستورالعملی برای آن به‌صورت خاص صادر کرده بود تا بتواند روی آن کنترل داشته باشد، وگرنه شمش فولاد، سیمان و...، بازارهای انحصاری نیستند و تولید آنها نیز مازاد نیاز داخلی است. بنابراین دولت می‌تواند با الزام به ورود این محصولات به بورس کالا، هم به تأمین داخل بپردازد و قیمت‌ها را تحت نظارت داشته باشد و هم مازاد را برای صادرات فراهم کند».

گذر

تخلف در واگذاری «ایران‌ایرتور»

● عضو هیئت تحقیق و تفحص از سازمان خصوصی‌سازی در نامه‌ای به وزیر اقتصاد ضمن برشمردن تخلفات وزارت اقتصاد در واگذاری «ایران‌ایرتور» اعلام کرد: این شرکت ۹۹ میلیون دلار بدهی دارد. به گزارش مهر، احمد علیرضابیگی، عضو هیئت تحقیق و تفحص از سازمان خصوصی‌سازی، از بدهی ۸۲میلیون‌و ۵۰۰ هزاردلاری ایران‌ایرتور بابت تعهدات به صندوق ذخیره ارزی و همچنین بدهی ۱۶میلیون‌و ۶۰۰ هزاردلاری بابت خرید هواپیمای بویینگ به مؤسسه مالی و اعتباری کوثر (وابسته به وزارت دفاع) پرده برداشته است.

خبر ویژه

یک کیف پول با صاحبانی بیشتر از جمعیت کانادا

● ۴۰ میلیون ایرانی اکنون از خدمات کیف پول الکترونیک آپ استفاده می‌کنند که رقمی بیش از جمعیت ۳۸میلیونی کانادا را نشان می‌دهد. به گزارش روابط‌عمومی آسان‌پرداخت، کیف پول الکترونیک آپ با هدف راحتی هم‌وطنان هنگام پرداخت‌های خرد، در دسترس همه کاربران این اپلیکیشن قرار دارد و حتی بسیار پیش‌تر از شیوع کووید۱۹ توانسته بود مردم را از ورود چندباره رمزهای بانکی، پویا و کدهای امنیتی در ساعات مختلف شبانه‌روز، بی‌نیاز کند. این کیف پول مدتی است با اپلیکیشن‌های پرمخاطب کشور مانند اسنپ و اسنپ‌فود هم یکپارچه شده و هر کاربری که نیاز به پرداخت برای خدماتی مانند حمل‌ونقل، رستوران، کافه، جابه‌جایی کالا، مشورت پزشکی آنلاین و خرید سوپرماکتی دارد، می‌تواند بدون مشقت‌های واردکردن رمز و کد امنیتی، به‌سادگی و با فشردن فقط یک دکمه، عبارت مهم «تراکنش موفق» را دریافت کند. گفتنی است کاربران آپ در پایین صفحه نخست اپلیکیشن، سمت چپ، با لمس گزینه کیف پول می‌توانند از خدمات متنوع و کاربردی آن استفاده کنند. درعین‌حال با تأکید پزشکان در سرتاسر جهان به استفاده‌نکردن از پول نقد، استفاده از خدمات کیف پول الکترونیک، هم‌زمان با ساده‌سازی فرمول‌های تعریف‌شده پرداخت به صورت قانونی، راهکاری مناسب برای قطع زنجیره انتقال در امور بانکی است.

اخبار بانک‌ها

بانک تجارت: ورود به سامانه بانکداری اینترنتی بانک تجارت دومرحله‌ای شد

به گزارش روابط عمومی بانک تجارت، از این پس کاربران دارای رمز ثابت بانکداری اینترنتی پس از ورود به این سامانه در پایگاه اینترنتی این بانک، با ورود کد ملی، انتخاب گزینه رمز ثابت و رمز خود پس از دریافت پیامک رمز یک‌بارمصرف آن را در صفحه بعد درج کرده و به صفحه بانکداری اینترنتی وارد می‌شوند. این رمز ۶۰ ثانیه اعتبار دارد و در صورت عدم استفاده در زمان تعیین‌شده، باید مجددا نسبت به دریافت رمز اقدام کنند. پیش از این نیز به منظور ارتقای امنیت سامانه بانکداری اینترنتی انجام تراکنش‌های بانکی با استفاده از رمز یک‌بارمصرف امکان‌پذیر شد و کاربران این سامانه برای انجام تراکنش‌های خود شامل پرداخت قبوض، برداشت از حساب و... به جای رمز دوم ثابت، گزینه دریافت رمز پیامکی را انتخاب کنند تا رمز دوم یک‌بارمصرف از طریق شماره تلفن همراه برای آنها ارسال شود. آن دسته از کاربران این سامانه که شماره تلفن همراه خود را در زمان ثبت‌نام اعلام نکرده یا تغییر داده‌اند، می‌توانند جهت به‌روزرسانی اطلاعات به منظور دریافت رمز یک‌بارمصرف با مراجعه به نزدیک‌ترین شعبه بانک تجارت شماره تلفن همراه جدید خود را معرفی کنند و تغییر دهند. این بانک در خبرهای متعددی از کاربران این سامانه خواسته است تا برای ورود به صفحه بانکداری اینترنتی از طریق مراجعه به صفحه اینترنتی بانک به نشانی www.tejaratbank.ir اقدام کنند. بانک تجارت به زودی نیز برای کاربران سامانه بانکداری اینترنتی که در خارج از کشور سکونت دارند امکان دریافت رمز دوم یک‌بارمصرف را از طریق سامانه «همراز» فراهم می‌کند.

بانک قرض‌الحسنه مهر ایران: دریافت تسهیلات قرض‌الحسنه زودتر از موعد

بانک قرض‌الحسنه مهر ایران در چارچوب طرح حمایتی فرد حقیقی امکان دریافت تسهیلات قرض‌الحسنه را زودتر از موعد مقرر برای مشتریان خود فراهم کرده است. به گزارش روابط عمومی بانک قرض‌الحسنه مهر ایران، طرح حمایتی فرد حقیقی برای مشتریانی طراحی شده که خواستار استفاده از تسهیلات قرض‌الحسنه در سریع‌ترین زمان ممکن هستند. این طرح با توجه به ایجاد صندوق اجتماعی برای هر شعبه، برای افرادی مطلوب است که فرصت ایجاد میانگین حساب را ندارند. در طرح حمایتی فرد حقیقی، متقاضی با تودیع بخشی از مبلغ تسهیلات مورد نیاز خود به صندوق اجتماعی شعبه، بر اساس انتخاب خود (۴۰، ۵۰ یا ۵۵ درصد) از هم‌افزایی هم‌زمان بانک متناسب با مبلغ تودیعی خود برخوردار می‌شود. متعاقبا متقاضی پس از سپری‌شدن مدت انتظار تعیین‌شده برای تسهیلات، پس از تکمیل پرونده خود، از تسهیلات طرح «حمایتی فرد حقیقی» تا سقف فردی ۴۰۰ میلیون ریال بهره‌مند می‌شود.

بانک ملت: بانک ملت برند محبوب در ارائه خدمات بانکی شناخته شد

بانک ملت در هفتمین دوره جشنواره برند محبوب مصرف‌کنندگان، برند محبوب بانکی شناخته شد. به گزارش روابط عمومی بانک ملت، در هفتمین دوره جشنواره برند محبوب مصرف‌کنندگان، بانک ملت به عنوان برند محبوب در ارائه خدمات بانکی شناخته شد. این ارزیابی در جشنواره ملی برند محبوب و از طریق آرای مردمی در شبکه‌های اجتماعی صورت گرفته است. بر اساس این گزارش، شرکت به‌پرداخت ملت، زیرمجموعه بورسی بانک ملت هم در این دوره از جشنواره، در گروه پایانه‌های فروشگاهی، به عنوان برند محبوب مشتریان و کاربران انتخاب شده است.

بانک پاسارگاد: مهلت ارسال آثار به جشنواره فیلم کوتاه پاسارگاد تمدید شد

به گزارش روابط‌عمومی بانک پاسارگاد، طبق اعلام دبیرخانه جشنواره فیلم کوتاه پاسارگاد، با توجه به استقبال بسیار خوب علاقه‌مندان و تداوم ارسال آثار، مهلت ارسال فیلم‌های کوتاه تا پایان مهر سال ۱۳۹۹ تمدید شد. به این ترتیب، افرادی که جهت ارسال آثار در سایت جشنواره ثبت‌نام کرده‌اند و همچنین سایر علاقه‌مندان پس از ثبت‌نام، می‌توانند آثار خود را با موضوع «حمایت از تولید و رشد اقتصاد ملی» به دبیرخانه ارسال کنند. این جشنواره در دو بخش فیلم‌سازان حرفه‌ای و باتجربه و همچنین جوانان و علاقه‌مندان غیرحرفه‌ای برگزار خواهد شد. مدت زمان نمایش آثار ارسالی به همراه تیتراژ باید بین ۱۸۰ ثانیه تا ۱۰ دقیقه باشد. آثار در ابعاد استاندارد (حداقل ۷۲۰) و در دو کیفیت مناسب بازبینی و اکران، در فرمت‌های MP4 و HD یا FHD تهیه و برای دبیرخانه جشنواره ارسال شود. گفتنی است علاقه‌مندان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر یا ثبت‌نام و دریافت کد رهگیری به سایت جشنواره به نشانی www.pasargadfilmfest.ir مراجعه کنند.

بانک رفاه: عملکرد خوب بانک رفاه کارگران در مبارزه با کرونا و حمایت از کارکنان نظام سلامت

رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت گفت: بانک رفاه کارگران در بسیج ملی مبارزه با کرونا و ارائه تسهیلات و اقدامات حمایتی از کادر درمان و کارکنان نظام سلامت کشور بسیار خوب عمل کرده و شایسته تقدیر است. به گزارش روابط عمومی بانک رفاه کارگران به نقل از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دکتر کیانوش جهانپور رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در حاشیه دیدار با للهگانی مدیرعامل بانک رفاه کارگران با بیان این مطلب اظهار کرد: متأسفانه شیوع ویروس کرونا نه تنها کشور عزیزمان بلکه سراسر جهان را با دشواری‌های عدیده‌ای مواجه کرده و هزینه‌های بسیاری را به کشورها، جوامع و از جمله ایران تحمیل کرده است. للهگانی مدیرعامل بانک رفاه کارگران نیز با قدردانی از حوزه سلامت و تمامی کادر بهداشتی و درمانی کشور که در مسیر مبارزه با ویروس کرونا متعهدانه و صبورانه ایفای نقش می‌کنند، اظهار کرد: بانک رفاه کارگران به عنوان بانک سلامت‌محور و در راستای ایفای مسئولیت‌های اجتماعی و همچنین تعهدات و رسالت حرفه‌ای خود از نخستین روزهای شیوع ویروس منحوس کرونا همراه با کادر نظام سلامت کشور گام برداشته و از هیچ کوششی فروگذار نکرده است. وی به تسهیلات اعطایی بانک رفاه کارگران به کادر درمانی و شرکت‌های فعال در زمینه خدمات پزشکی و نظایر آن از زمان شروع همه‌گیری ویروس کرونا تاکنون اشاره کرد و گفت: این بانک تاکنون تعداد شش‌هزارو ۵۴۲ فقره تسهیلات پرداخت کرده است.

بانک مسکن: خدمات ویژه برای کاربران همراه بانک

در بانک مسکن امنیت مبادلات بانکی مشتریان بسیار مهم بوده و با توجه به این موضوع و همچنین رضایت مشتریان، فضایی جدید بر اساس نتایج حاصل از ارزیابی تجربه کاربران به شکل تکامل‌یافته‌ای در برنامه همراه‌بانک جدید مسکن طراحی شده است. در این نسخه جدید علاوه بر امکانات قبلی، دو گزینه «پیشخوان» و «اطلاعات شعب» بدون نیاز به واردکردن رمز عبور اضافه شده که علاوه بر آسان‌کردن دسترسی به این موارد، پاسخگوی دسترسی مکرر کاربران در اسرع وقت است. در قسمت «شعب» کاربران می‌توانند اطلاعات شعبه مورد نظر خود را جست‌وجو یا نزدیک‌ترین شعبه به موقعیت فعلی خود را پیدا کنند. در بخش پیشخوان نیز مشتری می‌تواند از خدمات عمومی، خرید شارژ، پرداخت اقساط، مسکن به مسکن، پرداخت قبض، موجودی و پذیره‌نویسی و شارژ برچسب الکترونیکی عوارض آزادراهی (ETC) استفاده کنند. افزون بر این یکی دیگر از قابلیت‌های جدید در راستای کاربرپسندبودن همراه‌بانک، قابلیت احراز هویت با اثر انگشت است. این امکان ضمن کاربرپسندبودن و سهولت نسبت به واردکردن رمز معمول، سطح امنیت تراکنش‌های انجام‌شده با این درگاه را ارتقا می‌دهد. در این نسخه امکان ارسال پیام به کارشناسان همراه‌بانک از طریق صندوق پیام نیز فراهم شده است. از دیگر قابلیت‌های این نسخه، امکان اشتراک‌گذاری رسید تراکنش‌ها از طریق رسانه‌های اجتماعی است. از جمله خدمات ممتاز در سامانه جدید همراه‌بانک مسکن، امکان خوانش شماره کارت با دوربین (OCR) است. با استفاده از این امکان در سامانه همراه بانک مسکن در منوی انتقال وجه کارتی به جای واردکردن دستی شماره کارت مقصد، می‌توان با استفاده از دوربین تلفن همراه اقدام به خوانش شماره کارت کرد که این امر موجب سهولت کاربری مشتریان می‌شود.

بانک ملی: شرایط بخشودگی جرائم و تبدیل تعهد ارزی به ریالی برای بدهکاران صندوق ذخیره ارزی

به گزارش روابط عمومی بانک ملی ایران، بر اساس اصلاحیه آیین‌نامه اجرائی ماده ۲۰ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب هیئت وزیران، بدهکاران صندوق ذخیره ارزی در صورت ارائه درخواست خود از شرایط بخشودگی جرائم تأخیر و همچنین شرایط تبدیل تعهد (تبدیل بدهی ارزی به ریال) برای پرداخت اقساط سررسیدشده به صورت یک‌جا یا در صورت عدم امکان، تقاضای تقسیط بدهی بهره‌مند می‌شوند که صرفا یک بار و در قالب فروش اقساطی حداکثر به مدت چهار سال با اقساط شش‌ماهه است. تمامی تسهیلات‌گیرندگانی که طرح تسهیلاتی آنها در دوره تنفس یا بازپرداخت اقساط قرار داشته یا دوره تأمین مالی طرح (استفاده، تنفس و بازپرداخت) به اتمام رسیده اما همچنان بدهکار هستند، مشمول استفاده از مزایای آیین‌نامه اجرائی مذکور خواهند بود و شرط بازپرداخت ۲۵ درصد علی‌الحساب اقساط سررسید گذشته به نرخ روز گشایش حذف شده است. مهلت استفاده از شرایط این آیین‌نامه، پایان شهریور ماه سال جاری است و متقاضیان باید با توجه به محدودیت زمانی در نظر گرفته‌شده، درخواست‌های خود را سریعا به شعب بانک ملی ایران ارائه کنند. بدهی ارزی تسهیلات‌گیرندگانی که تا پایان مدت مذکور درخواست کتبی خود را برای تسویه یک‌جای بدهی به شعبه ارائه دهند، بدهی ارزی خود را با نرخ هر دلار حدود ۳۰ هزار ریال تسویه خواهند کرد. لازم به ذکر است، پس از تاریخ مذکور، تسویه بدهی تسهیلات‌گیرندگان براساس قراردادهای اولیه به ارز یا با نرخ روز خواهد بود.

بانک دی: مدیرعامل بانک دی: اقتدار امروز کشور مدیون خون شهداست

دکتر برات کریمی، مدیرعامل بانک دی در آستانه هفته دفاع مقدس با خانواده شهید محمدحسین ضیغمی دیدار کرد. به گزارش روابط عمومی بانک دی، دکتر کریمی در این دیدار با اشاره به جان‌فشانی و ازخودگذشتگی شهدا در پیروزی انقلاب اسلامی ایران و نیز هشت سال دفاع مقدس، گفت: بدون شک امنیت و اقتدار امروز ایران اسلامی مدیون خون شهدا و ازجان‌گذشتگی ایثارگران است و ما باید با حداکثر توان، قدردان آنها باشیم. وی با تأکید بر اینکه مردم قدرشناس ایران همواره یاد شهدا را زنده نگه خواهند داشت، اظهار کرد: ما همواره مدیون شهدا، ایثارگران و خانواده معزز آنها هستیم و و امیدواریم خداوند توفیق پیروی از مسیر آنها را به ما نیز عطا کند. کریمی با بیان اینکه پاسداشت یاد شهدا و خدمت‌رسانی به خانواده معزز این دلاورمردان، مهم‌ترین رسالت بانک دی است، افزود: موجب افتخار است که در بانک دی، خدمتگزار خانواده شهدا و ایثارگران هستیم و تلاش می‌کنیم این خدمات را بیش از پیش توسعه دهیم. در این دیدار که مجتبی حیدری، عضو هیئت عامل و معاون سرمایه انسانی و پشتیبانی، سیدحسین میناکار، سرپرست امور روابط عمومی و حوزه مدیرعامل و حسن عباسیان فرمانده پایگاه بسیج ۹ دی نیز حضور داشتند، اعضای خانواده شهید محمدحسین ضیغمی به بیان خاطراتی از آن شهید والامقام پرداختند. گفتنی است، شهید محمدحسین ضیغمی ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۴۴ در قلهک تهران به دنیا آمد. او پس از پایان دوره متوسطه به عنوان بسیجی در جبهه‌های حق علیه باطل حضور یافت و در تاریخ ۲۴ / ۵ / ۱۳۶۲ در حالی که در منطقه حاج عمران و در عملیات والفجر ۲ مشغول دفاع از کشور بود، بر اثر اصابت ترکش خمپاره به فیض شهادت نائل آمد.

نگاه

افسانه موسیقی شرق

فرانک آرتا

محمدرضا شجریان نیازی به تعریف و تمجید ندارد؛ جایگاه والا و تثبیت‌شده او در موسیقی ایران‌زمین، باعث شده هنر او به «متر» و «معیاری» برای داوری تبدیل شود. به عبارتی، هرکسی در وادی پررمزورازِ «آواز ایرانی»، به سبک او نزدیک‌تر شود، گویی خوش‌عاقبت‌تر است. هرچند او در گستره تاریخ فرهنگ هفت‌هزارساله ایران تکرارناپذیر است، اما ذکر خیر و یادآوری هنر او همواره بر هر ایرانی عاشق هنر واجب است.

اول مهر ۱۳۹۹ استاد محمدرضا شجریان ۸۰-ساله می‌شود، اما رسیدن به جایگاه «استادی» در طول عمر بربهای او به‌راحتی حاصل نشده است. درست است که به کواه همراهان و همکارانش، محمد رضا شجریان از همان دوران کودکی از استعداد ذاتی خدادادی بهره خاصی برده است، اما ممارست، تمرین، تلاش و کوشش‌های بی‌بدیل او در دنیای موسیقی، رمزی است که استاد عاشقانه و عالمانه‌اَت آن را با طی طریق حاصل کرده است. به عبارتی تدقیق در زندگی شجریان گواه این نکته است که کرچه سرشار از استعداد خدادی است، اما با تمرین، ممارست و تلاش به این جایگاه رسیده است. «طی طریق» او در عرصه ادبیات فارسی و غوطه‌ورشدنش در دنیای بیکران اشعار عرفانی، غزلیات و مثنوی و کلا اشعار کلاسیک و نو، هم‌نفس‌شدن با روح بزرگانی همچون حافظ، سعدی، فردوسی، خیام و... همچون اکسیری ناب در جان او جای گرفت و شد توشه راهش و به آن اضافه کنید شناخت انواع ساز و دستگاه و ردیف، مطالعه و پژوهش تاریخ، شخصیت کاریزماتیک،

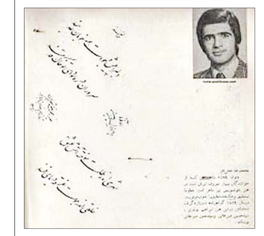

خلق‌وخوی مردمی، بهره هوشی بالا و ادراک استثنائی‌اش در فهم و تحلیل جامعه پیرامونش و... را.

زندگی هنری استاد با موانست با قرآن آغاز شد. در سال ۱۳۳۱ برای نخستین‌بار صدای تلاوت قرآن او از رادیوی خراسان پخش شد؛ البته با نام مستعار «سیاوش بیدگانی»؛ چون پدر که خود قاری قرآن بود، علاقه داشت نام‌خانوادگی «شجریان» با «قرآن» گره بخورد. به‌قولی این بیت حافظ: «صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ/ هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم/ که به دیوان غزل صدرنشینم چه عجب/ سال‌ها بندی خسته دیوان کردم»، احوالات شجریان را نیز حکایت می‌کند. بالبحال انس و الفت او با آواز ایرانی و درگیرشدن با تاریخ ایران و آشنایی با بزرگان وقت و ردیف‌های موسیقی و... به مرور گوهر هنر او را بیشتر هویدا کرد. کار به جایی رسید که به «مرکز» و «مرجعی» تبدیل شد تا دیگر بزرگان موسیقی در کنار او حلقه‌ای ایجاد کنند و خیزی بیافریند ماندگار. اصلا کوره‌های موسیقی ملل عارف و شیدا و نام‌آوران دیگری در کنار او توانستند موفقیت موسیقی ایرانی را ارتقا بخشند؛ هرچند هریک جایگاه ویژه خود را داشتند.

به قول سایه (هوشک ابتهاج) که درگفت‌وگویی بیان کرده بود، خوش به حال ما که در روزگار شجریان نفس می‌کشیم. همین موضوع سرآغازی بخواند تا بتوانید از همه مهارت‌ها با شنیدن خبر کسالت استاد، با دعا و انرژی مثبت خواستار سلامتی او باشند و اویی که مردم را هیچ‌گاه تنها نگذاشت، مردم هم همواره قدردانش شده‌اند.

نقل است بزرگی در برابر این سؤال که «موسیقی شرقی در برابر موسیقی غربی همچون قطره‌ای است مقابل اقیانوس» پاسخ داد: «درست است موسیقی شرقی قطره‌ای است، اما قطره اشک»؛ همین قطره اشک عمقی دارد که وصفی برای آن نیست.

طلب است یکی از عنوان‌های سایتان توجهی که به استاد شجریان در سطح جهانی داده شد: «افسانه موسیقی شرق» است که روزنامه ملی کانادا -گلوب‌اندمیل- بعد از برگزاری کنسرت استاد در مطلبی این نکته را متذکر کرد. استاد شجریان به «آواز ایرانی» معنایی بخشید که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را از ما بگیرد؛ زمان زیبایی نیز که نه فیلم «جدایی نادر از سیمین» اصغر فرهادی به‌خوبی انعکاس پیدا کرده است؛ آنجا که سیمین هنگام مهاجرت به نادر می‌گوید: «من سی‌دی‌های شجریان را با خود می‌برم». شجریان متعلق به این خاک است و تنها در همین خاک رشد پیدا می‌کند؛ شجریان را نمی‌توان از این جدا کرد.

بعد از تحریر؛ به مناسبت تولد استاد علاقه‌مند بودیم کاری کنیم تا مرکز ثبت مخاطبان قرار گیرد؛ به همین دلیل به همت آقای محمدرضا عاطفی، روزنامه‌نگار پیش‌کسوت و پژوهشگر موسیقی و همکاری عالا نوبدی، پژوهشگر موسیقی، کفت‌وگویی را که چند سال پیش با استاد -قبل از بیماری- انجام شده بود، منتشر کردیم. امید است مقبول افتد.

گفت‌وگوی اختصاصی «شرق» با استاد محمدرضا شجریان

مردم تصمیم می‌گیرند چه فرهنگی را بپذیرند

عکس‌ها: عطا نویدی

حمیدرضا عاطفی

با توجه به اینکه خوشبختی یکی از رشته‌های هنری است که شما تا مقطع بالایی آن را دنبال کردید و یکی از علاقه‌مندی‌های اصلی شما محسوب می‌شود، می‌خواستم ببینم از نظر شما ارتباطی بین آواز و خوشبختی وجود دارد؟

هر هنری برای خودش شرایط و راه و رسمی دارد. در خوشبختی نسبتعلیق، در یک مصراع از شعر بیشتر از دو کشش نباید وجود داشته باشد، وگرنه کرسی خط به هم می‌ریزد و بدنما می‌شود. در آواز هم به همین شکل است. هنگام آواز اگر بخواهید معانی شعر و واژه‌های یک مصراع را بیان کنید بیشتر از دو کشش واقع نمی‌شود در غیر این صورت زیبا نخواهد شد. از این جهت این دو هنر به هم شباهت دارند. انعطاف ارائه نت‌ها در آواز، مانند همان دوایر خط نستعلیق است، مثل زیبایی «ی» که آن ظرایف در آواز هم هست. بنابراین می‌توان این دو هنر را به هم تشبیه کرد.

سبک و شیوه آواز شما نسبت به قدما - مثلا اگر اقبال آذر و طاهرزاده را در نظر بگیریم - اگر نگویم تحول اما قطعا تغییراتی پیدا کرده است. برای وضوح بیشتر سؤال می‌خواهم مابازای آن را در خوشنویسی عرض کنم... مثلا اگر در عرصه خط اوج و فله آن را که میرعماد است در نظر بگیریم سبک‌ها و شیوه‌های جدیدی که در عین حال ریشه در خط قدما دارند پدید آمده است. مثل خط استاد امیرخانی نسبت به خط میر؛ آیا این تشبیه درست است؟

موافق نیستم چون موسیقی فراتر از هر هنر دیگری است. حال و هوا، زمان‌بندی و خیلی چیزهای خاص خودش را دارد که در خوشنویسی نیست.

منظور من تحولات این دو هنر است.

تحولاتش خیلی بیشتر از این حرف‌هاست. تحولات آوازی که من نسبت به قدما ارائه کردم خیلی تغییراتش بیشتر از خط آقای امیرخانی نسبت به میرعماد است.

مایلم بیشتر سلایق شما را در خط بدانم. شخصا چه نوع شیوه‌ای را می‌پسندید؟

خط استاد امیرخانی واقعا عالی است، خط استاد اخوین و دیگر استادان را هم می‌پسندم.

به کدام سبک علاقه‌مندید؟

سبک میرزا غلامرضا را خیلی دوست دارم و به نظرم خیلی قَدَر است.

اما من به عنوان کسی که سال‌ها خوشنویسی کرده‌ام و به همین شباهت‌ها و ظرایف و دقایق خط با آواز دقت کرده‌ام و به همین سبب، با دیدن برخی خوشنویسی‌ها، آوازها یا صداهایی برایم تداعی می‌شود و بالعکس... لذا بشخصه آواز شما مرا به فضای خط استاد اخوین می‌برد!

آواز من به مراتب پیچیده‌تر از این حرف‌هاست.

مقصود من تشبیه به لحاظ برداشت احساسی بود. آن برش‌ها، وصل‌ها، دندانه‌ها، دوایر... خیلی ظریف و حساب‌شده است و بیان، لحن و مترآواز شما نیز چنین ویژگی‌هایی دارد و احساس مشابهی به مخاطب می‌دهد.

کاملا با خط آشنا هستم. ولی اگر بخواهیم مقایسه بکنیم موسیقی پیچیدگی‌های شما بیشتر از خط است.

اما شما در جایی گفته بودید خوشنویسی بسیار سخت‌تر از آواز و موسیقی است. منظور هم به این حرف اعتقاد دارید؟

بله. خوشنویسی از موسیقی سخت‌تر است. ولی سخت‌تر از آواز نیست. در آواز شما باید صدا را از درونتان بیرون بیاورید. این را [صدا] باید با یک سازنده نساخته که خوش‌صدا باشد. از وجودتان باید صدا را بیرون بیاورید و شب و روز با صدا کارکردن حوصله بسیار زیادی می‌خواهد و از آدم خیلی انرژی می‌گیرد. خوشنویسی آن‌قدرها انرژی نمی‌گیرد. آواز بسیار سخت‌تر است، باید در کوه و موقع سرآغازی بخوانید تا بتوانید از همه مهارت‌ها با شنیدن خبر کسالت استاد، با دعا و انرژی مثبت خواستار سلامتی او باشند و اویی که مردم را هیچ‌گاه تنها نگذاشت، مردم هم همواره قدردانش شده‌اند.

اما من به عنوان کسی که به کلام و ادراک استثنائی‌اش در فهم و تحلیل جامعه پیرامونش و... را.

زندگی هنری استاد با موانست با قرآن آغاز شد. در سال ۱۳۳۱ برای نخستین‌بار صدای تلاوت قرآن او از رادیوی خراسان پخش شد؛ البته با نام مستعار «سیاوش بیدگانی»؛ چون پدر که خود قاری قرآن بود، علاقه داشت نام‌خانوادگی «شجریان» با «قرآن» گره بخورد. به‌قولی این بیت حافظ: «صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ/ هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم/ که به دیوان غزل صدرنشینم چه عجب/ سال‌ها بندی خسته دیوان کردم»، احوالات شجریان را نیز حکایت می‌کند. بالبحال انس و الفت او با آواز ایرانی و درگیرشدن با تاریخ ایران و آشنایی با بزرگان وقت و ردیف‌های موسیقی و... به مرور گوهر هنر او را بیشتر هویدا کرد. کار به جایی رسید که به «مرکز» و «مرجعی» تبدیل شد تا دیگر بزرگان موسیقی در کنار او حلقه‌ای ایجاد کنند و خیزی بیافریند ماندگار. اصلا کوره‌های موسیقی ملل عارف و شیدا و نام‌آوران دیگری در کنار او توانستند موفقیت موسیقی ایرانی را ارتقا بخشند؛ هرچند هریک جایگاه ویژه خود را داشتند.

به قول سایه (هوشک ابتهاج) که درگفت‌وگویی بیان کرده بود، خوش به حال ما که در روزگار شجریان نفس می‌کشیم. همین موضوع سرآغازی بخواند تا بتوانید از همه مهارت‌ها با شنیدن خبر کسالت استاد، با دعا و انرژی مثبت خواستار سلامتی او باشند و اویی که مردم را هیچ‌گاه تنها نگذاشت، مردم هم همواره قدردانش شده‌اند.

نقل است بزرگی در برابر این سؤال که «موسیقی شرقی در برابر موسیقی غربی همچون قطره‌ای است مقابل اقیانوس» پاسخ داد: «درست است موسیقی شرقی قطره‌ای است، اما قطره اشک»؛ همین قطره اشک عمقی دارد که وصفی برای آن نیست.

طلب است یکی از عنوان‌های سایتان توجهی که به استاد شجریان در سطح جهانی داده شد: «افسانه موسیقی شرق» است که روزنامه ملی کانادا -گلوب‌اندمیل- بعد از برگزاری کنسرت استاد در مطلبی این نکته را متذکر کرد. استاد شجریان به «آواز ایرانی» معنایی بخشید که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را از ما بگیرد؛ زمان زیبایی نیز که نه فیلم «جدایی نادر از سیمین» اصغر فرهادی به‌خوبی انعکاس پیدا کرده است؛ آنجا که سیمین هنگام مهاجرت به نادر می‌گوید: «من سی‌دی‌های شجریان را با خود می‌برم». شجریان متعلق به این خاک است و تنها در همین خاک رشد پیدا می‌کند؛ شجریان را نمی‌توان از این جدا کرد.

بعد از تحریر؛ به مناسبت تولد استاد علاقه‌مند بودیم کاری کنیم تا مرکز ثبت مخاطبان قرار گیرد؛ به همین دلیل به همت آقای محمدرضا عاطفی، روزنامه‌نگار پیش‌کسوت و پژوهشگر موسیقی و همکاری عالا نوبدی، پژوهشگر موسیقی، گفت‌وگویی را که چند سال پیش با استاد -قبل از بیماری- انجام شده بود، منتشر کردیم. امید است مقبول افتد.

با توجه به اینکه خوشنویسی یکی از رشته‌های هنری است که شما تا مقطع بالایی آن را دنبال کردید و یکی از علاقه‌مندی‌های اصلی شما محسوب می‌شود، می‌خواستم ببینم از نظر شما ارتباطی بین آواز و خوشنویسی وجود دارد؟

سفری که پیش‌رو دارم وقتی تمام شود باید این کلاس‌ها را تشکیل دهم. ۲۰ تا ۳۰ جلسه طول می‌کشد تا این مباحث را کار کنیم. بعد دیگر خودمان باید تولیدکننده باشد. آن‌هم کار هرکسی نیست و زمینه خلاقیت و تیزهوشی می‌خواهد و باید آهنگ‌سازی بکنند.

خواننده آواز باید کار نوازنده، خواننده و آهنگ‌ساز را همزمان انجام دهد. باید بتواند به‌تنهایی یک ساعت روی صحنه برود و آوازش را طوری بخواند که کسی متوجه نشود ساز همراه او نیست. بچه‌های ما هنوز متاسفانه به آن مرحله نرسیده‌اند؛ نه اینکه استعداد نداشته باشند، شاید نخواسته‌اند و پشتکار نداشتند. زندگی من کار روی آهنگ‌سازی و شعر است، تنها ردیف را روایت نکردم.

شما تصمیم ندارید ردیف آواز موسیقی ایران را ضبط کنید؟

خیر، تصمیم ندارم.

چرا ضرورتی در این زمینه نمی‌بینید؟

اگر ردیف را ضبط کنم، موسیقی را کوچک کرده‌ام. بعد بر سر آن دعوا می‌شود که فلانی یک چیز دیگری گفته است. این ردیفی که می‌بینیم نمونه‌های خوبی است که ملودی‌های معاصر موسیقی ما است و هزاران نمونه از آن را می‌توان ساخت. موسیقی ما دریای بیکرانی است که می‌توان در آن چیزهای تازه‌ای آفرید. من هرچه آواز خوانده، نوع جمله‌بندی‌ها و تحریرها و انتخاب شعرها خودش ردیف است. ردیف برای چیست؟ برای این است که درست آواز بخوانند و دستگاه‌ها را دقیق بشناسند و فرودوفرازها را یاد بگیرند. هرکدام از آوازهای من برای کسانی که می‌خواهند ردیف را دنبال کنند، درس است.

عده‌ای اعتقاد دارند در سال‌های اخیر سبک‌های آوازی و همچنین رنگ صداها کم شده و اکثرا شبیه به یکدیگر می‌خوانند؛ به عبارتی غیر از شما الگویی برای آواز ندارند؛ شما چه نظری دارید؟

این مسئله هم به کسانی که آموزش آواز می‌بینند، بستگی دارد. خواننده‌های خوبی که کار تکنیکی داشته باشند و همه هم آنها را بپسندند کم داشته‌ایم. یا اگر کسانی وجود داشتند، تدریسی نداشته و شاگرد تربیت نکرده‌اند. الان تصنیف‌خوان‌های خوبی در بین خوانندها داریم اما به محض اینکه می‌خواهند آواز بخوانند، می‌بینیم چیزی در بساط ندارند. آنها باید دوره آواز را ببینند والا ما صداهای خوب و رنگ صداهای خوب کم نداریم. الان حدود ۱۰ نفر در تصنیف‌خوانی هستند که خوب هم می‌خوانند و فقط شاگرد من هم نبوده‌اند. اما اگر کسی بخواهد آواز بخواند، حسابش چیز دیگری است. درباره آواز و الگوی آن در زمان جدید کسی را نداریم ولی از قدیمی‌ها کسانی هستند.

نظرتان درباره تقلید گسترده‌ای که از صدای شما می‌کنند، چیست؟

یک بحث هنگام آموزش است که هنرجو را وادار می‌کنیم تقلید کند. علت آن را در فلاسفی معلم یک دست می‌کند و می‌گوید عین آن را باید بکشید. در نقاشی نمام شود باید این کلاس‌ها را هنرجو درس می‌دهم، می‌گویم عین این را باید بتوانی بخوانی. اگر این‌قدر کیرایی نداشته باشد که تقلید کند، نمی‌تواند موفق باشد. خوانده باید خیلی سریع یاد بگیرد به همین دلیل من الان گوفه دریافت و تقلید را بالا می‌برم که هنرجو بتواند با صدایش هم کاری که می‌خواهد انجام دهد. این را کسه کرفته محوله اوله است. در مرحله بعد، باید سبک دیگران و شیوه‌های مختلف را کار کنند. خودم هم از همین راه رفتم و همه شیوه‌ها را کار کردم. تمام آوازهای مختلفی را و چند آواز همه‌چیز دیگر را کار کردم و شیوه‌شان را شناختم از مجموع اینها در من یک «شجریان» درست شد. اینها باید همیه همیس کار را بکنند و در حیطه یک خواننده گیر نیفتند. فکر نکنند اگر با شجریان کار کردید، نباید نزد کسی دیگری کار کنند. این اشتباه است. باید سبک‌های دیگران را دقت کنوش کنند و فرابگیرند. همین‌طور ساز کوش کنند تا جمله‌بندی باد بگیرند، نمی‌خواهند... یعنی باید زندگی کنند و با آواز معاشقه کنند تا بعد از چند سال اتفاقی بیفتد. اگر فکر کنیم بعد از چهار، پنج سال یک‌دفعه نابغه‌ای در آواز بدید می‌آید، اصلا چنین چیزی درست نیست. می‌توانند صدای خوب با تحریر خوب داشته باشند اما فقط یک صدا دارند و طراحی آواز نمی‌توانند انجام دهند. الان صداهای بسیار خوبی هستند اما نمی‌توانند حتی طراحی ساده‌ای کنند. ما می‌خواهیم یک مجموعه دیریاوریم که همه چیز را کامل داشته باشد.

آیا کارگاه شما به دنبال همان مجموعه است؟

بله؛ وقتی اینها تمام شد، هنرجو دوره‌های متعددی پیش‌رو دارد، باید بخوانند همیشه‌ی بدانند، با ادبیات آشنا باشند تا بیاموزد که شعر را در کجا بخواند و همین‌طور خیلی چیزهایی که خواننده آواز به آن نیاز دارد. خوانندهٔ تصنیف به اینها نیاز ندارد. فقط باید بتوانند با رشتانسه و تکنیکی داشته باشد و نیازی به معلومات آن‌چنانی نیست.

درمورد بحث کارگاه آوازی حضرت‌عالی نکته‌ای مورد سؤال است. امروزه بسیاری از افرادی که در کارگاه شما حاضر می‌شوند، خود را «شاگرد استاد شجریان» می‌دانند؛ درحالی‌که مفهوم «شاگرد استادی» در هرچیز دیگری است و کسی که سال‌های متمادی از محضرِ یک استاد بهره برده، می‌تواند خود را شاگرد بنامد. همین مسئله باعث می‌شود اگر این شاگردان کارگاه آوازی انجام می‌دهند، این‌طور تصور شود که مورد تأیید شماست. لطفا نظر خودتان را در این مورد بفرمایید.

شاید این شاگرد حق دارد خودش را شاگرد من بداند! دروغ هم نگفته است. اما وقتی خودش را شاگرد من معرفی می‌کند، باید از عهده‌اش هم بربیاید و نشان دهد که در آواز چه کار می‌کند. باید خودش را یک طوری توجیه کند و بگوید در ابتدا شاگرد من بوده. نه اینکه حرف‌های نادرستی بزند مثل اینکه استاد من را به‌عنوان بهترین شاگرد پذیرفته است. اگر قرار باشد از اسم من برای توجیه و طرح‌کردن خودش سوءاستفاده کند، خیلی زود از جامعه تودهنی می‌خورد.

آیا جامعه این تشخیص را خواهد داد؟

تشخیص جامعه در درازمدت درست است؛ ولی بعضی از نزدیکان در کار خودش‌کاهی اوقات حرف‌های عجیب‌وغریبی می‌زنند که آدم فکر می‌کند این افراد حسادت می‌کنند؛ ولی به‌هرحال در هر کلاسی مثلا در دانشگاه پزشکی هم که برویم، دانشجویان از سال دوم همدیگر را دکتر خطاب می‌کنند، درحالی‌که حسادت نشده است ماه‌ها تا دکتر شوند. در کلاس من هم این افراد ارحمت کشیده‌اند و خودشان خوب می‌دانند که چقدر تغییر کرده‌اند. زمان زیادی را باید صرف کنند تا بخواهند روی پای خودشان بایستند و تولیدکننده باشند. تا دوره عالی را تمام نکنند، نمی‌توانند تولیدکننده باشند. فعلا باید همیشه چیزی را از نزکنند و از این و آن سرهم کنند و بخوانند و این‌طور آواز خواندن نمی‌شود. اینی افراد درحال حاضر در این اندازه‌اند که با همه استعدادی که دارند، باز هم استعدادشان از من بیشتر نیست. من می‌دانم که یک جای کار می‌لنگد و هنوز نمی‌توانند روی پای خودشان بایستند. وقتی سه، چهار کار بیرون بدهند، گفیرشان نه دیگ می‌خورد و معلوم است کارشان تمام شده است. پس باید دوره عالی را ببینند. تا من خلاقیت‌ات را به کار بیندازم و ندهنکنند که در کار آواز را تعلیم دهم. تمرین‌شان دهم و اداردارشان کنم که فکر کنند. بعد از چند سال می‌توانند بخوانند خودشان‌دهای هستند که تولیدکننده هستند و ۱۰ جور برنامه می‌دهند که دونای آن هم مثل یکدیگر نیست؛ اما الان هیچ‌کدام در جایگاهی نیستند که ادعا کنند که شاگرد شجریان هستند و به‌همین‌دلیل باید همه آنها را قبول کنند. دروغ هم نمی‌گویند. شاگرد شجریان هستند و چهار عکس هم در کنار من گرفته‌اند؛ ولی باید صبر کنند بعد از دوره عالی. همه اینها هم نمی‌توانند دوره عالی را ببینند.

در دوره عالی خلاقیت اینها را به کار می‌اندازم که تولیدکننده باشند؛ یعنی طراحی و آهنگ‌سازی انجام دهند. یک خواننده آواز باید در این حد باشد. برخی از بچه‌های ما ادعاهای خیلی بی‌ربطی می‌کنند که هنوز در آن جایگاه نیستند.

آینده کار کسی مبهم به نظر می‌رسد؛ ولی شما قبلا گفته بودید جای نگرانی نیست.

جای نگرانی از این نظر نیست که نمونه خوب آواز در دستشان هست مگر اینکه جامعه آواز را نخواهد. یک جامعه خواهد نخواهد با شعر حافظ، سعدی و مولانا ارتباط داشته باشد. چون ما باید زبان همین شاعران را با آواز بیان کنیم. البته شعر نو هم آمده و آن جای خود... با آن هم می‌شود کارهایی ارائه کرد. تکنولوژی اگر به من نزدیک نشده‌اند برای این است که کار نکرده‌اند. آن‌طور که در حد دوره عالی باشد کار نکرده‌اند.

برای همایون، فرزندتان این مسئله فرق دارد. برخی این برداشت را دارند که شما آن چیزهایی که به همایون آموزش دادید به دیگران نگفته‌اید.

من وظیفه ندارم جواب‌گوی هر کسی باشم.

آیا همایون درحال‌حاضر از نظر آواز و طراحی آن به شما متکی است؟

همایون از روزی که خوانندگی را شروع کرد روی پای خودش بود. تمام کارهایش را خودش انجام می‌دهد و از من هیچ کمکی نمی‌گیرد. از روز اول هم من گفتم خودت کارت را بکن هر جا نیاز داشتی نظری می‌دهم اما در نهایت بگذار کار بود در جامعه و تقد شود.

اما به‌هرحال تعلیم که داده‌اید؟

بله؛ البته که تعلیم دیده و از ۱۰، ۱۲سالگی تعلیم آواز همایون شروع شد و با او تکنیک آواز کار کردم. صدا سازی را با همایون تجربه کرده که خیلی هم جواب داد و الان من تکنیک من می‌خواند. خیلی از بچه‌های گروه من هم به همین تکنیک می‌خوانند.

شاگردی هم‌سطح همایون دارید؟

هیچ دو نفری را با هم مقایسه نمی‌کنم. البته تکنیک‌های خوبی در آنها هست اما خوانندگی، تیزهوشی و اعتمادبه‌نفسی می‌خواهد که باید آن را داشته باشند تا بتوانند از چیزی که دارند استفاده درست کنند. من نمی‌خواهم به‌عنوان پدر از همایون تعریف کنم ولی الحق چون تیزهوش است می‌تواند خودش را بوه‌سرد در صحنه خوب ارائه کند. همین ایجب بچه‌ها نمی‌توانند در صحنه خوب کار کنند. هر وقت توانستند این کار را بکنند آن وقت می‌توان آنها را با همایون مقایسه کرد.

شما همایون را نقد هم می‌کنید؟

اگر لازم باشد کاهی اوقات نقدش می‌کنم. مثلا می‌گویم اگر خواسته باشد با یک فرد دانم کار کند خیلی یکنواخت می‌شود. کاهی صحبت‌هایی با هم داریم.

درباره آوازش چطور؟

درباره آواز باید بیشتر روی بداهه‌خوانی‌اش کار کنم. وقتی تصمیم بکیرد بخواند، کارش را می‌کند اما هرچه در کار هنرپیشه کار کند، بیشتر به دردش می‌خورد. چا دارد همایون بیشتر کار کند.

آیا می‌توانیم بکوییم همایون ادامه طبیعی مسیر شماست؟

بکذاریم راه خودش را برود تا ببینیم تا کجا می‌رود.

خیلی‌ها دوست دارند بدانند شما از اینید می‌کنید؟

فعلا همایون را کذاشته‌ام به عهده خودش تا تصمیم بکیرد. هیچ کاری به کارش ندارم. خودش تصمیم می‌کیرد.

ممکن است راهنمایی نیاز باشد؟

اگر بخواهد من راهنمایی می‌کنم. فعلا آزادش کذاشته‌ام تا خودش تصمیم بکیرد. به‌هرحال او خوانندگی را خوب بلد است، ولی اینکه آواز را چقدر دنبال کند، بستکی به علاقه‌اش به آواز دارد درحالی‌که شرایطش را دارد.

کسانی هستند که طبیعتا و به‌طور ذاتی و خداداد‌ی صدای خوبی دارند، چقدر این مسئله برای ارزش است؟

صدا یک وسیله فیزیکی اولیه است که در آواز باید وجود داشته باشد. ولی باید تربیت شود تا تربیت نشود به جایی نمی‌برد.

شما در مراسم بزرگداشت آقای خواجه‌امیری (ایرج) درباره ایشان صحبت کردید و نظری دادید.

درباره حدا و چهچهه‌ها نظر دادم. ببینید موارد مختلفی در کار خوانندگی وجود دارد. «هزار نکته در این کار و بار دلداریست» و من فقط دو نکته آن را کفتم. سعی هم کردم این دو نکته درست را بکویم.

آیا صدا و چهچهه اکتسابی است؟

هم ذاتی است و هم بخشی از آن تمرینی و به‌دست‌آوردنی است. باید تارهای صوتی مناسب هم داشت. اینکه چه چیزی ارائه می‌کند و دیدکاهش چیست. یک بحث دیگر است. من در آن مراسم در مورد دو اصل مهمی که وجود دارد و مشهود است صحبت کردم.

این دو نکته چقدر ارزشمند است؟

خیلی ارزش دارد و باعث می‌شود همه را به طرف خودش بکشد. اگر آن دو نکته [صدا و چهچهه‌ها] وجود نداشته باشد، کسی دیگر به بقیه آواز کوش نمی‌کند. آن دو نکته باید باشد، بعد باید ببینیم با آن دو، چه چیزی می‌خواهیم بیان کنیم و این نکته‌ای دیگر است. اینکه چه چیزی ارائه می‌کنید، عطر صدا چگونه است، شخصیت چگونه است، مسائلی جدا از تکنیک تحریر و چهچهه است. من درباره دو بخشی صحبت کردم که همه به آن اذعان دارند.

اینکه شما را به کجا می‌برد؟

آن یک بحث دیگر است. اینکه بکوییم صدا و تکنیک در خدمت چه چیزی است، آن هدف چیز دیگر است. برخی این‌طور می‌کویند که وقتی آن صدای بسیار خوب و ارزنده در خدمت یک چیز درست و حسابی نیست، ارزش ندارد. شاید هم حرفشان درست باشد؛ این بحث از نظر فرهنگی است. به‌هرحال اگر هم این توانایی در کنار نکات دیکر باشد، تاثیر آواز خیلی زیاد می‌شود.

اگر این مسئله تشریح شود، خیلی‌ها جواب سؤالشان را می‌کیرند.

بله متوجه می‌شوند. وقتی درباره جنس صدا و تکنیک و چهچهه صحبت می‌کنم همه می‌دانند درست می‌کویم. برخی دوست دارند و برخی هم دوست دارند که آن انتخاب جامعه و فرهنگ است که چه چیزی دوست داشته باشد. من در کار و زندگی‌ام سعی کردم که همه اینها در خدمت هدف خیلی بالا باشد و جامعیت را در نظر کرفتم و دنیای دیکری برای خودم داشتم و آن را دنبال کردم. ولی وقتی از من می‌خواهند درباره یک شخص صحبت کنم، به‌دنبال کاستی‌ها و عیب آدم‌ها نمی‌کردم. نکات خوب و مثبتش را در نظر می‌کیرم و آنها را بیان می‌کنم.

برای خیلی‌ها سنکین بود که فلانی چنین حرفی را زد اما این وظیفه من بود که این نکات مثبت را بکویم. منتهی این مردم باهوش هستند و می‌فهمند که ما تا کجایش کفته‌ایم. افکار بسته هوب دیکری فکر می‌کنند. انسان باید فکرش را باز کند و همه جوانب را در نظر بکیرد و درباره هر چیزی سر جای خودش صحبت کند.

شما همیشه به آینده موسیقی خوش‌بین بودید.

نسبت به دیدکاه جامعه به موسیقی خوش‌بین هستم. الان دولت و حتی تکنولوژی مشکلاتی ایجاد کرده است. مثلا امروز mp3 همه آثار را به یغما می‌برد و هیچ‌چیز برای تهیه کننده‌ها و هنرمندان باقی نمی‌کذارد. این یک خطر است که هنر موسیقی را تهدید می‌کند، چون از نظر مالی تامین نمی‌شود.

چه راهکاری وجود دارد؟

مردم باید این مسائل را مورد توجه قرار دهند. امروز بسیاری از شرکت‌های تولیدکننده سی‌دی تعطیل شده‌اند. یک mp3 به بازار می‌آید و خیلی‌ها هم که از ضرر آن می‌خرند. خوشحال می‌شوند که ۳۰ ساعت از کارهای قلل هنرمند را با پنج هزار تومان خریده‌اند. این مسئله بزرگ‌ترین لطمه را به هنرمندان و تولیدکنندکان می‌زند.

وقتی تولیدکننده نتواند هزینه‌های خود را تامین کند، به هنرمند نمی‌تواند دستمزد دهد. وقتی هم دستمزد هنرمند کفاف زندکی‌اش را ندهد، دیکر هنر را رها می‌کند. جامعه باید حواسش به این مسئله باشد. خیلی هم دارم این مسائل را حس می‌کنم. من پنج سال است - از سال ۸۷ تا الان - یک ریال از بابت کنسرت و آلبوم در این مملکت دریافت نداشته‌ام. حالا تا جایی می‌توانم خودم را اداره کنم. اما خطر این مسائل وجود دارد. ولی یک کویان تازه‌کار نمی‌تواند خود را اداره کند.

شنیده‌ها حاکی از این است که پیشنهاد و توافق اولیه‌ای به وجود آمده تا برای شما در نظر مجزی برداشته شود. قبلا این تعداد ۶۰ نفر بود ولی الان اسامی به صد نفر رسیده است.

امیدوارم این‌قدر متحول شده باشند. کوه به نظر من باشد باید همه افراد مجزو باشد. این جامعه است که سبک و سنگین می‌کند و حق انتخاب دارد. حرفی این کفایان که در این مملکت میرد شده‌اند. از سرزمین و سیاره دیکری آمده‌اند؟ اینها هم از همین جامعه بیرون آمده‌اند. جلوتر شد که اینها می‌فهمند ولی مردم نمی‌فهمند؟ چرا اینها خودشان را تافته جدا بافته و عاقل‌تر از مردم می‌دانند؟ این مردم هستند که باید تصمیم بکیرند فرهنگی را بپذیرند یا نه. هنرمندان کار خودشان را تایید می‌کنند.

یک توجیه که در ممیزی وجود دارد این است که هر اثری منتشر می‌شود یک غذای روح است و ممکن است این غذا مسموم باشد. پس باید جلوی ورود غذای مسموم به جامعه کرفته شود. نظر شما چیست؟

ممکن است راهنمایی نیاز باشد؟

اگر بخواهد من راهنمایی می‌کنم. فعلا آزادش کذاشته‌ام تا خودش تصمیم بکیرد. به‌هرحال او خوانندگی را خوب بلد است، ولی اینکه آواز را چقدر دنبال کند، بستکی به علاقه‌اش به آواز دارد درحالی‌که شرایطش را دارد.

کسانی هستند که طبیعتا و به‌طور ذاتی و خداداد‌ی صدای خوبی دارند، چقدر این مسئله برای ارزش است؟

صدا یک وسیله فیزیکی اولیه است که در آواز باید وجود داشته باشد. ولی باید تربیت شود تا تربیت نشود به جایی نمی‌برد.

شما در مراسم بزرگداشت آقای خواجه‌امیری (ایرج) درباره ایشان صحبت کردید و نظری دادید.

درباره حدا و چهچهه‌ها نظر دادم. ببینید موارد مختلفی در کار خوانندگی وجود دارد. «هزار نکته در این کار و بار دلداریست» و من فقط دو نکته آن را کفتم. سعی هم کردم این دو نکته درست را بکویم.

آیا صدا و چهچهه اکتسابی است؟

هم ذاتی است و هم بخشی از آن تمرینی و به‌دست‌آوردنی است. باید تارهای صوتی مناسب هم داشت. اینکه چه چیزی ارائه می‌کند و دیدکاهش چیست. یک بحث دیگر است. من در آن مراسم در مورد دو اصل مهمی که وجود دارد و مشهود است صحبت کردم.

این دو نکته چقدر ارزشمند است؟

خیلی ارزش دارد و باعث می‌شود همه را به طرف خودش بکشد. اگر آن دو نکته [صدا و چهچهه‌ها] وجود نداشته باشد، کسی دیگر به بقیه آواز کوش نمی‌کند. آن دو نکته باید باشد، بعد باید ببینیم با آن دو، چه چیزی می‌خواهیم بیان کنیم و این نکته‌ای دیگر است. اینکه چه چیزی ارائه می‌کنید، عطر صدا چگونه است، شخصیت چگونه است، مسائلی جدا از تکنیک تحریر و چهچهه است. من درباره دو بخشی صحبت کردم که همه به آن اذعان دارند.

اینکه شما را به کجا می‌برد؟

آن یک بحث دیگر است. اینکه بکوییم صدا و تکنیک در خدمت چه چیزی است، آن هدف چیز دیگر است. برخی این‌طور می‌کویند که وقتی آن صدای بسیار خوب و ارزنده در خدمت یک چیز درست و حسابی نیست، ارزش ندارد. شاید هم حرفشان درست باشد؛ این بحث از نظر فرهنگی است. به‌هرحال اگر هم این توانایی در کنار نکات دیکر باشد، تاثیر آواز خیلی زیاد می‌شود.

**اگر این مسئله تشریح شود، خیلی‌ها جواب سؤالشان

نگاه

افسانه موسیقی شرق

فرانک آرتا

محمدرضا شجریان نیازی به تعریف و تمجید نـدارد؛ جایگاه والا و تثبیت‌شـده او در موسـیقی ایران‌زمین، باعث شده هنر او به «متـر» و «معیاری» برای داوری تبدیل شـود. به عبارتی، هرکسـی در وادی پررمـزورازِ «آواز ایرانـی» بـه سـبک او نزدیک‌تر شـود، گویی خوش‌عاقبت‌تر اسـت. هرچنـد او در کسـترهٔ تاریخ فرهنگ هفت‌هزارساله ایران تکرارناپذیر است، اما ذکر خیر و یادآوری هنر او همواره بر هر ایرانی عاشق هنر واجب است.

اول مهر ۱۳۹۹ اسـتاد محمدرضا شجریان ۸۰-ساله می‌شود، اما رسیدن به جایگاه «اسـتادی» در طول عمر بربهای او به‌راحتی حاصل نشده اسـت. درست است که به کواه همراهان و همکارانش، محمد رضا شـجریان از همان دوران کودکی از اسـتعداد ذاتی خدادادی بهره خاصی برده اسـت، اما ممارسـت، تمرین، تلاش و کوشـش‌های بی‌بدیل او در دنیای موسـیقی، رمزی اسـت که اسـتاد عاشقانه و عالمانـه آن را با طی طریق حاصل کرده اسـت. به عبارتی تدقیق در زندگی شجریان کواه این نکته است که کرچه سرشار از استعداد خدادی اسـت، اما با تمرین، ممارست و تلاش به این جایگاه رسیده اسـت. «طی طریق» او در عرصه ادبیات فارسی و غوطه‌ورشدنش در دنیـای بیکران اشـعار عرفانـی، غزلیات و مثنوی و کلا اشـعار کلاسـیک و نو، هم‌نفس‌شـدن بـا روح بزرگانی همچـون حافظ، سعدی، فردوسـی، خیام و... همچون اکسیری ناب در جان او جای کرفت و شـد توشه راهش و به آن اضافه کنید شناخت انواع ساز و دسـتکاه و ردیف، مطالعه و پژوهش تاریخ، شخصیت کاریزماتیک،

خلق‌وخوی مردمی، بهره هوشـی بالا و ادراک استثنائی‌اش در فهم و تحلیل جامعه پیرامونش و... را.

زندگی هنری استاد با موانـــع با قرآن آغاز شد. در سال ۱۳۳۱ برای نخسـتین‌بار صدای تلاوت قرآن او از رادیوی خراسـان پخش شـد؛ البته با نام مسـتعار «سـیاوش بیدگانی»؛ چون پدر که خود قاری قرآن بود، علاقه داشـت نام‌خانوادگی «شـجریان» با «قرآن» کره بخورد. به‌قولی این بیت حافظ: «صبح خیزی و سـلامت طلبی چـون حافظ/ هرچه کردم همه از دولت قـرآن کردم/ کر به دیوان غزل صرف‌نشـینم چه عجب/ سـال‌ها بندکی صاحب دیوان کردم»، احوالات شـجریان را نیز حکایت می‌کند. بالبحال انس و الفت او با آواز ایرانی و درکیرشـدن با تاریخ ایران و آشنایی با بزرکان وقت و ردیف‌های موسیقی و... به مرور کوهر هنر او را بیشتر هویدا کرد. کار به جایی رسـید که به «مرکز» و «مرجعی» تبدیل شد تا دیکر بزرکان موسـیقی در کنار او حلقه‌ای ایجاد کنند و هنری بیافریند ماندکار. اصلا کروه‌های موسـیقی مثل عارف و شـیدا و نام‌آوران دیکری در کنار او توانسـته موفقیت‌های موسـیقی ایرانی را رقم بخشند؛ هرچند هریک جایکاه ویژه خود را داشتند.

به قول سایه (هوشک ابتهاج) که درکفت‌وکویی بیان کرده بود، خـوش به حال ما که در روزکار شـجریان نفس می‌کشـیم. همین موضوع سـرآیند شـده مردم در سراسر ایران با شـنیدن خبر کسـالت اسـتاد، با دعا و انرژی مثبت خواستار سـلامتی او باشند و اویی که مردم را هیچ‌کاه تنها نکذاشت، مردم هم همواره قدردانش شده‌اند.

نقد بزرکی در برابر این سؤال که «موسـیقی شرقی در برابر موسـیقی غربی همچون قطرهای است مقابل اقیانوس» یاسخ داد: «درسـت است موسـیقی شـرقی قطرهای اسـت، اما قطره اشـک؛ همین قطره اشک عمقی دارد که وصفی برای آن نیست.

طلب است یکـی از عنوان‌های سـاتان توجهی که به اسـتاد شـجریان در سطح جهانی داده شد: «افسانه موسیقی شرق» است که روزنامه ملی کانـادا «کلوب‌اندمیل- بعد از برکزاری کنسـرت اسـتاد در مطلبی این نکته را متشـرک کرد. استاد شـجریان به «آواز ایرانی» معنایی بخشـید که همچکس نمی‌توانسـت آن را از ما بکیرد؛ نقل زبان‌زد این نکته در فیلم «جدایی نادر از سـیمین» اصغر فرهادی به‌خوبی انعکاس پیدا کرده است؛ آنجا که سیمین همکام مهاجرت به نادر می‌کوید: «من سـی‌دی‌های شـجریان را با خـود می‌برم». شجریان متعلق به این خاک اسـت و تنها در همین خاک رشد پیدا می‌کند؛ شجریان را نمی‌توان از این جدا کرد.

بعد از تحریر؛ به مناسبت تولد استاد علاقه‌مند بودیم کزارشی کنیم تا مرکز توسـعه مطالعات فرازها کرد؛ به همین دلیل به همت آقای محمدرضا عاطفی، روزنامه‌نکار پیش‌کسـوت و پژوهشـکر موسـیقی و همکاری عقلا نویدی، پژوهشـکر موسـیقی، کفت‌وکویی را که چند سـال پیش با اسـتاد «لبریز از آواز» انجام شده بود، منتشر کردیم. امید است مقبول افتد.

گفت‌وگوی اختصاصی «شرق» با استاد محمدرضا شجریان

مردم تصمیم می‌گیرند چه فرهنگی را بپذیرند

عکس‌ها: عطا نویدی

حمیدرضا عاطفی

با توجه بـه اینکه خوشنویسـی یکی از رشـته‌های هنری اسـت که شـما تا مقطع بالایـی آن را دنبال کردیـد و یکی از علاقه‌مندی‌های اصلی شما محسوب می‌شود، می‌خواستم ببینم از نظر شما ارتباطی بین آواز و خوشنویسی وجود دارد؟

هـر هنـری بـرای خـودش شـرایط و راه و رسـمی دارد. در خوشنویسـی نسـتعلیق، در یک مصراع از شعر بیشتر از دو کشش نباید وجود داشـته باشد، وکرنه کرسی خط به هم می‌ریزد و بدنما می‌شود. در آواز هم به همین شکل است. هنکام آواز اکر بخواهید معانی شـعر و واژه‌های یک مصراع را بیان کنید بیشتر از دو کشـش واقع نمی‌شود در غیر این صورت زیبا نخواهد شد. از این جهت این دو هنر به هم شـباهت دارند. انعطاف ارائـه نت‌ها در آواز، مانند همان دوایر خط نستعلیق است، مثل زیبایی «ی» که آن ظرایف در آواز هم هست. بنابراین می‌توان این دو هنر را به هم تشبیه کرد.

با سـبک و شیوه آواز شما نسبت به قدما - مثلا اکر اقبال آذر و طاهرزاده را در نظر بکیریم - اکر نکوییم تحول اما قطعا تغییراتی پیدا کرده است. برای وضوح بیشتر سـؤال می‌خواهم ماجرای آن را در خوشنویسـی عرض کنم... مثلا اکر در عرصه خط اوج و قله آن را که میرعماد اسـت در نظر بکیریم سبک‌ها و شیوه‌های جدیدی که در عین حال ریشـه در خط قدمـا دارند پدید آمده اسـت. مثل خط اسـتاد امیرخانی نسـبت به خط میر؛ آیا این تشبیه درست است؟

موافق نیستم چون موسـیقی فراتر از هر هنر دیکری است. حال و هـوا، زمان‌بندی و خیلی چیزهای خاص خـودش را دارد که در خوشنویسی نیست.

منظور من تحولات این دو هنر است.

تحولاتش خیلی بیشـتر از این حرف‌هاسـت. تحولات آوازی که من نسـبت به قدما ارائه کردم خیلی تغییراتش بیشتر از خط آقای امیرخانی نسبت به میرعماد است.

مایلم بیشـتر سلایق شـما را در خط بدانم. شخصا چه نوع شیوه‌ای را می‌پسندید؟

خط استاد امیرخانی واقعا عالی است، خط استاد اخوین و دیکر استادان را هم می‌پسندم.

به کدام سبک علاقه‌مندید؟

سـبک میرزا غلامرضا را خیلی دوسـت دارم و به نظرم خیلی قَدَر است.

اما من به عنوان کسـی که سـال‌ها خوشنویسی کرده‌ام و به همین شباهت‌ها و ظرایف و دقایق خط با آواز دقت کرده‌ام و به همین سبب، با دیدن برخی خوشنویسی‌ها، آوازها یا صداهایی برایم تداعی می‌شود و بالعکس... لذا بشخصه آواز شما مرا به فضای خط استاد اخوین می‌برد!

آواز من به مراتب پیچیده‌تر از این حرف‌هاست.

مقصود من تشـبیه به لحاظ برداشـت احساسـی بود. آن برش‌ها، وصل‌ها، دندانه‌ها، دوایر... خیلی ظریف و حساب‌شده اسـت و بیان، لحن و متر آواز شما نیز چنین ویژکی‌هایی دارد و احساس مشابهی به مخاطب می‌دهد.

کاملا با حرف آشـنا هسـتم. ولـی اکر بخواهیم مقایسـه بکنیم موسیقی پیچیده‌کی هنر بیشتری دارد.

اما شـما در جایی کفته بودید خوشنویسی بسیار سخت‌تر از آواز و موسیقی است. هنوز هم به این حرف اعتقاد دارید؟

بله. خوشنویسـی از موسیقی سـخت‌تر اسـت. ولی سخت‌تر از آواز نیسـت. در آواز شـما باید صدا را از درونتان بیرون بیاورید. این را [صدا] باید با یک سازنده اسـتخانه که خوش‌صدا باشد. از وجودتان باید صدا را بیرون بیاورید و شـب و روز با صدا کارکردن حوصله بسیار زیادی می‌خواهد و از آدم خیلی انرژی می‌کیرد. خوشنویسـی آن‌قدرها انرژی نمی‌کیرد. آواز بسـیار سـخت‌تر است، باید در کوه و موقع سـرآیانی بخوانید تا بتوانید از همه هوای رویه برای خوانندن اسـتفاده کنید. برای اینکه اکر در جایی دیدید موسـیقی نفس‌دقیقه طول می‌کشد، کم بیاورید.

خطـاط هرکـز این‌قدر زحمت نمی‌کشـد، خطاطی به‌خصوص نسـتعلیق خیلی سخت است ولی مانند آواز دسـت نـدارد. در آواز وقتی اوج بخوانید روی تمام سـلول‌های بدن فشـار می‌آید انکار که بدن می‌خواهد منفجر شود.

با درزمینـه نوازندکی می‌دانید که نسـل جدید از نظر تکنیکی نسـبت به قبل خیلی پیشرفته‌تر و توانا‌تر شده است و در مقایسـه با نسل پیشین برتری نسبی دارد اما جرا این ویژکی درزمینه آواز مشـهود نیسـت؛ دلیل این مسئله از نظر شما چیست؟

چـون کار آواز به این راحتی نیسـت... مسـئله‌اش، خلاقیت و آهکسـازی در لحظه اسـت که هرکسـی آن را ندارد. اکثرا ردیف را یـاد می‌کیرنـد و دقیق مثل معلمـان می‌خوانند ولی وقتی خودشـان هم خواننده آواز بخوانند نمی‌توانند. چون آن خلاقیت را ندارند. سـال‌ها زمان می‌خواهد که یک خواننده بتواند با شـعر خوب برخورد کند و آن را خوب بشناسـد. شـعر خوب انتخاب کند. اینها ملودی‌ها و تحریرها را هنکام خواندن مناسـب انتخاب کند. اینها همه از نکات مهم است.

این ضعف در کجاسـت؟ در آموزش است؟

ضعف، هم در آموزش اسـت و هم در خودشـان. من دوره‌ای به عنوان دوره عالی برای کروهی از خوانندکان کذاشـتم؛ آنها الان خودشـان خیلی راحت می‌توانند برای دو، سه سـال، برنامه آواز طراحی کنند و بخوانند. کروه دیکری نزدیک به ۷۵ نفر متشـکل از خانم‌ها و آقایان دارم، می‌خواهم در آنجا کلاس‌شـکافی و طراحی آواز را بـه آنها درس دهـم. تا این دوره را نکذرانـند نمی‌توانند از خودشـان آواز بخوانند. باید با این کلیدی که دارم در خلاقیت آنها را بکشایم.

باید به آنها یـاد بدهم که به چه شـکل می‌توانند جمله‌بندی کنند. اسـاس آواز را به آنهـا بکویم و تا بعـد آن چیزهایی که در باید دارند به درسـتی بخورد. آن وقت اسـت که هـر چیزی را که در شنیده‌اند، می‌توانند بسازند در صورتی که با الکویی که شنیده‌اند فرق داشته باشد.

کلاس‌شـکافی آواز در هیچ جای دنیا سابقه ندارد. چون هیچ جا بهترین شکرد پذیرفته است. اکر قرار باشد از اسم من برای توجیه و طرح‌کردن خودش سـوءاسـتفاده کند، خیلی زود از جامعه تودهنی می‌خورد.

کلبشکافی آواز در هیچ جای دنیا سابقه ندارد چون هیچ جا - مکر در کشـور جمهوری آذربایجان و اطراف ما - مانند ما آوازی ندارند که خلاق باشد و در لحظه خلق شود. تاکنون چنین کلاسی به عنوان دوره عالی آوازها نداشته است

آیا جامعه این تشخیص را خواهد داد؟

تشـخیص جامعه در درازمدت درست اسـت؛ ولی بعضی از نزدیکان در کار خودتان کاهـی اوقات حرف‌های عجیب‌وغریبی می‌زننـد که آدم فکـر می‌کند این افـراد حسـادت می‌کنند؛ ولی به‌هرحال در هر کلاسـی ملاک در دانشـکاه پزشـکی هم که برویـد، دانشـجویان از سـال دوم همدیکـر را دکتـر خطـاب می‌کننـد؛ درحالی‌کـه جـزء کلاس‌ها نه دکتر شـدند. در کلاس من هم این افراد ارحمت کشـیده‌اند و خودشان خوب می‌دانند که جقدر تغییر کردهانـد. زمان زیـادی را باید صـرف کنند تا بخواهنـد روی پای خودشان بایسـتند و تولیدکننده باشند. تا دوره عالی را تمام نکنند، نمی‌توانند تولیدکننده باشند. فعلا باید همیشه چیزی را از نرکنند و از این و آن سـرهم کنند و بخوانند و این‌طور آواز خواندن نمی‌شود. اسـی افراد درحال‌حاضر در این اندازه‌اند که با همه استعدادی که دارند، باز هم استعدادشان از من بیشتر نیسـت. من می‌دانم که یک جای کار می‌لنکد و هنوز نمی‌توانند روی پای خودشان بایستند. وقتی سـه، چهار کار بیرون بدهند، تفکیرشان نه دیک می‌خورد و معلوم اسـت کارشان تمام شده اسـت. پس باید دوره عالی را ببینند. تا من خلاقیت‌شـان را بـه کار بیندازم و ندهنکتـه در کار آواز را تعلیم دهم. تمرین‌شـان دهم و واداردانـشان کنم که فکر کنند. بعد از چند سـال می‌توانند بکویند خوانده‌ای هسـتند که تولیدکننده هسـتند و ۱۰ جـور برنامه می‌دهند که دونای آن هم مثل یکدیکر نیسـت؛ اما الان هیچ‌کدام در جایکاهی نیسـتند که ادعا کنند که شـاکرد شجریان هسـتند و به‌همین‌دلیل باید همه آنها را قبول کنند. دروغ هم نمی‌کویند. شاکرد شجریان هسـتند و جهار عکس هم در کنار مسن کرفته‌اند؛ ولی باید صبر کنند بعد از دوره عالی. همه اینها هم نمی‌توانند دوره عالی را ببینند.

در دوره عالی خلاقیت اینها را بـه کار می‌اندازم که تولیدکننده باشـند؛ یعنی طراحی و آهکسازی انجام دهند. یک خواننده آواز باید در این حد باشد. برخی از بچه‌های ما ادعاهای خیلی بی‌ربطی می‌کنند که هنوز در آن جایکاه نیسـتند.

آینده کارکر کسی مبهم به نظر می‌رسـد؛ ولی شـما قبلا کفته بودید جای نکرانی نیست.

جای نکرانی از این نظر نیسـت که نمونه خوب آواز در دسـتان هست مکر اینکه جامعه آواز را نپذیرد. اینکه شـعر خوبه نخواهد با شـعر حافظ، سـعدی و مولانا ارتباط داشته باشـد چون ما باید زبان همین شـاعران را با آواز بیان کنیم. اینکه شـعر نو هم آمده و آن جـای خود... با آن هم می‌شـود کارهایی ارائه کرد. تکنولوژی و عوضشـدن زندکی مردم، بسیار در موسیقی و نوع آهنک‌ها تأثیر دارد. مثلا اکر بخواهیم در آمریکا آواز ایرانی بخوانیم نمی‌توان این کار را به کیفیت اینجا انجام داد. چون شـرایط آنجا طوری اسـت که بـه درد آواز ایرانی نمی‌خورد. باید در همین مملکت باشـیم و کمبودها و مشکلات را بچشـیم تا آواز حس و حال مخصوص خود را داشته باشد. این آواز زاییده فرهنگ همین جغرافیاسـت. اکر فرهنگ جغرافیا عوض شـود یقین بدانید که نـوع آوازها هم کم‌کم بدون اینکه متوجه شویم عوض می‌شود.

شـما به اقتضای این اتفاقات در آن طرف مرزها هماهنک می‌شوید؟

نه، من کار خودم را می‌کنم و پیام اینجا را به آن طرف می‌برم.

شما کاوش آنها چیست؟

به‌هرحال تعداد کم اسـت. به اندازه موسیقی پاپ نیسـت. البته من فرق داری و سال‌هایم بر می‌شود ولی خیلی‌ها این‌طور نیسـتند.

شما تا چه حد به شناس اعتقاد دارید؟ یعنی اکر خواننده‌ای بخواهد در آینده با جای جای شـما بکذارد، آیا باید شـانس هم داشته باشد؟

خیر. با شـانس که نمی‌شـود. شـانس تنها مربـوط به بلیت بخت‌آزمایی اسـت.

اینها که دوره عالی را می‌بینند هم نمی‌توانند به شما برسند. در این سـال‌ها و چند دهه دیدیم که کسـی به شما هم نزدیک نشده است.

باید بروند تلاش کنند و خودشـان را برسانند. این شـانس نیسـت. اکر به من نزدیک نشـده‌اند برای این است که کار نکرده‌اند. آن‌طور که در حد دوره عالی باشد کار نکرده‌اند.

برای عیلرن، فرزندتان در نیسـته فرق دارد. برخی این برداشت را دارند که شـما آن چیزهایی که به همایون آموزش دادید به دیکران نکفته‌اید.

من وظیفه ندارم جواب‌کوی هر کسی باشم.

آیا همایون درحال‌حاضر از نظر آواز و طراحی آن به شـما متکی است؟

همایون از روزی که خوانندکی را شـروع کرد روی پای خودش بـود. تمام کارهایش را خودش انجام می‌دهد و از من جیع کمکی نمی‌کیرد. از روز اول هم من کفتم خودت کارت را بکن جرا جا نیاز داشـتی نظری می‌دهم اما در نهایت بکـار کار بود در جامعه و تفذ شود.

اما به‌هرحال تعلیم که دادید؟

بلـه؛ البته کـه تعلیم دیـده و از ۱۰، ۱۲سـالکی تعلیـم آواز همایون شـروع شـد و با او تکنیک آواز کار کردم. صدا‌سـازی را با همایـون تجربه کرد که خیلی هم جـواب داد و الان من تکنیک من می‌خوانند.

شاکردی هم‌سطح همایون دارید؟

هیچ دو نفـری را با هم مقایسـه نمی‌کنم. البتـه تکنیک‌های خوبی در آنها هسـت اما خوانندکی، تیزهوشـی و اعتمادبه‌نفسی می‌خواهد که باید آن را داشـته باشند تا بتوانند از چیزی که دارند استفاده درسـت کنند. من نمی‌خواهم به‌عنوان پـدر از همایون تعریف کنم ولی الحق چون تیزهوش اسـت می‌تواند خودش را بهویژه در صحنه خوب ارائه کند. همین ایـن بچه‌ها نمی‌توانند در صحنه خوب کار کنند. هر وقت توانسـته این کار را بکنند آن وقت می‌توان آنها را با همایون مقایسه کرد.

شما همایون را نقد هم می‌کنید؟

اکر لازم باشـد کاهی اوقات نقدش می‌کنم. مثلا می‌کویم اکر خواسـته باشـد با یک فرد دانم کار کند خیلی یکنواخت می‌شود. کاهی صحبت‌هایی با هم داریم.

درباره آوازش چطور؟

درباره آواز باید بیسـتر روی بداهه‌خوانـی‌اش کار کنم. وقتی تصمیم بکیرد بخواند، کارش را می‌کند اما هرچه در کار هنرپیشـه کار کند، بیشتر به دردش می‌خورد. جا دارد همایون بیشتر کار کند.

آیا می‌توانیم بکوییم همایون ادامه طبیعی مسیر شماسـت؟

بکذاریم راه خودش را برود تا ببینیم تا کجا می‌رود.

خیلی‌ها دوسـت دارند بدانند شـما تأیید می‌کنید؟

قطعا همایون را کذاشـته‌ام به عهده خـودش تا تصمیم بکیرد. هیچ کاری به کارش ندارم. خودش تصمیم می‌کیرد.

ممکن اسـت راهنمایی نیاز باشد؟

اکر بخواهد مـن راهنمایی می‌کنم. فعلا آزادش کذاشـته‌ام تا خودش تصمیم بکیرد. به‌هرحال او خوانندکی را خوب بلد اسـت. ولی اینکه آواز را جیزد دنبال کند، بستکی به علاقه‌اش به آواز دارد درحالی‌که شرایطش را دارد.

کسانی هسـتند که طبیعتا و به‌طور ذاتی و خداداد‌ی صدای خوبی دارند، جقدر این مسئله برای ارزش شما است؟

صدا یک وسیله فیزیکی اولیه اسـت که در آواز باید وجود داشته باشد. ولی باید تربیت شود تا تربیت نشود راه به جایی نمی‌برد.

شما در مراسم بزرکداشت آقای خواجه‌امیری (ایرج) درباره ایشان صحبت کردید و نظری دادید.

درباره صدا و جهچیها نظر دادم. ببینید موارد مختلفی در کار خوانندکـی وجود دارد. «هزار نکته در این کار و بار دلداریسـت» و من فقط دو نکته آن را کفتم. سـعی هم کردم این دو نکته درست را بکویم.

این صدا و جهچیه اکتسابی است؟

هم ذاتی اسـت و هم بخشـی از آن تمرینی و به‌دسـت‌آوردنی اسـت. باید تارهای صوتی مناسـب هم داشـته. اینکه چه چیزی ارائه می‌کند و دیدکاهش چیسـت. یک بحث دیکر اسـت. من در آن مراسـم در مورد دو اصل مهمی که وجود دارد و مشهود اسـت صحبت کردم.

این دو نکته جقدر ارزشمند است؟

حمیدرضا عاطفی و استاد شجریان

حمیدرضا عاطفی

و ایرانی به‌شـمار می‌رود. شجریان همان نغمـه‌سـرا باغ بی‌برکی ماست؛ هم او که در این فضای فرهنگی، خود باغی آباد و پرثمر بوده و هماره منبع امید و خوشی برای اهل هنر!

سکوت و استواری او چنان است که در پرتو شعلهٔ نورانی‌اش هر ذره‌ای نمایان می‌شود

تو به فقط خواننده و هنرمندی تمام‌عیار در آواز و موسیقی، خوشنویسی، مبتکر و مبدع ساز و در واقع مجموعه مراد در هنر است که پدیده‌ای آسمانی و موهبتی الهی برای فرهنگ ایران

درآمد: «به سـکوت سـرد زمان، به خزان زرد زمان، نه زمان را درد کسی، نه کسی را درد زمان، بهار مردمی‌ها طی شـد، زمان مهربانی دی شد. آمد از این دم سردی‌ها خدایا (جواد آذر)

کفتن و نوشتن درباره محمدرضا شجریان چون وصف خورشید کاری عبث و بیهوده است؛ با تو به فقط خواننده و هنرمندی تمام‌عیار در آواز و موسیقی، خوشنویسی، مبتکر و مبدع ساز و در واقع مجموعه مراد در هنر است که پدیده‌ای آسمانی و موهبتی الهی برای فرهنگ ایران و ایرانی به‌شـمار می‌رود. شجریان همان نغمـه‌سـرا باغ بی‌برکی ماست؛ هم او که در این فضای فرهنگی، خود باغی آباد و پرثمر بوده و هماره منبع امید و خوشی برای اهل هنر!

سکوت و استواری او چنان است که در پرتو شعلهٔ نورانی‌اش هر ذره‌ای نمایان می‌شود کف‌وکوی حاضر حاصل چندین نشسـت و جلسـه دوسـتانه و صمیمی با اسـتاد شـجریان بین سال‌های ۹۳ تا ۹۹ اسـت؛ در واقع آخرین ملاقات ما به چند روز قبل از سفر استاد به آمریکا و انتشـار خبر بیماری‌شـان در نوروز ۹۵ بازمی‌کرد... بعد از آن سفر، دیکر استاد در هیچ مصاحبه و کفت‌وشـنیدی حضور پیدا نکرد و به هنرمندان و نوازندکان می‌کفت‌وکو قبل از بیماری‌شان مصوب و به مناسـبت هشتادمین سال تولد ایشان منتشر می‌شود. مباحث مطرح‌شـده در این مقال، کزیده‌ای از ساعت‌ها هم‌صحبتی با این اسـتاد بی‌بدیل موسـیقی و آواز ایران اسـت... با آرزوی سلامتی و بهبودی برای این اسطوره تاثیرکذار تاریخ فرهنک و هنر ملی ایران.

ضرباهنگ

لبریز از آواز

عطا نویدی
پژوهشگر موسیقی ایرانی

اول مهر، سـالروز ۸۰-سالگی اسـتاد محمدرضا شجریان است. هنرمند سرشناسـی که بیش از ۴۰ سال تأثیرکذاری انکارناپذیری در موسـیقی ایران دارد. کسترکی محبوبیت اسـتاد شجریان در کنار تسـلطش بر موسیقی و دقت و وسواس در آثار و ارائه آثاری ماندکار، از او شـخصیتی بدید آورده که هر هنرمنـد، هنرجو و علاقه‌مند به موسـیقی ایرانی نمی‌تواند به او نکاهی کذرا داشـته باشد. نوشتن درباره ظهور هنرمندی مانند شـجریان نیاز به بررسی عوامل و علل بسـیاری دارد که در این مجال نمی‌کنجد و قصـد هم ندارم به آن بپردازم. اما آنچه انکارناپذیر اسـت، اسـتعداد و هوش ذاتی او به عنـوان تأثیربذیرنده عوامـل بیرونی بود تـا او را چند دهه در صدر تأثیرکذارترین افراد جامعه ایرانی قرار دهد.

شجریان اواخر دهه ۴۰ با هدف فراکیری و فعالیت در حوزه آواز ایرانی در تهران اقامت کزید و از همان ابتدا از محضر استادان بزرک موسیقی ایرانی بهره برد. آذر ۱۳۴۶ هنکامی که ۲۷-ساله بود، اولین آوازش در قالب برک سبز شماره ۲۱۶ از رادیو پخش شد. چند سالی کذشت تا با ارائه آوازهای ارزشـمند و همچنین بروز منش و رفتار هنرمندانه‌اش توانسـت نظر استادان برجسته را به خود جلب کند. در آن سـال‌ها و زمانی که هنر موسیقی آن‌چنان که باید او را از رزق دنیا متنعم نمی‌کرد، هیچ‌کاه پایش نلغزید و آن غرور ذاتی‌اش ـ که همواره با او بوده اسـت، را زیر پا نکذاشت و در راه سلامت ثابت‌قدم ماند؛ و همین شد نقطه قوت شـجریان. در زمانه‌ای که خوانندکان می‌توانسـتند یک‌شـبه ره صدسـاله طی کنند، او در کوشه‌ای آرام ایسـتاد و قدم‌هایش را شـمرده برداشت و دانش ردیف و آوازش را پربار کرد.

بهره‌کیری‌اش از محضر بزرکان، او را با همرسـلانی آشنا کرد که دغدغه‌های مشـابهی با او داشـتند و همنشـینی با همین هنرمندان منجـر به فعالیت‌هایی شـد کـه نقطه عطفی در تاریخ موسـیقی ایـران بودند. آثاری که در دهه ۵۰ در برنامه «کل‌ها» اکّار شـد، در جشـن‌های هنر شیراز و توس ادامه یافت، به چاووش رسید و نقطه پایانی آن، کروه‌های شـیدا و عارف بود؛ و نقش برجسـته شجریان بـه عنوان یک هنرمند مؤلف ـ نه صرفـا مجری، در تمام برهه‌های ذکرشده غیر قابل انکار است.

اما ـ به‌زعم نکارنده، آنچه شـجریان را به عنـوان یک خواننده توانا و در نهایت اسـتاد آواز ایران مطرح کرد نه برنامه‌های رادیویی بود، نه کنسـرت‌هایی، نه اجراهای انقلابی و نه حتی آلبوم‌هایش؛ شـجریان سـاخته و پرداخته ممارسـت در آوازخوانی اسـت. او از معـدود آوازخوانانی بود کـه از هر فرصتی برای تمرین اسـتفاده می‌کرد. خانه‌نشـینی چندسـاله خودخواسـته‌اش بعد از کنسرت دانشـکاه ملی در سـال ۵۸ و همچنین فراهم‌شـدن فرصت‌ها برای فعالیت جدی موسـیقی در آن سال‌ها، فرصتی بی‌نظیر برای او بود تا تمرین‌هایش را بیشتر کند.

در سـال‌های ابتدایـی دهه ۶۰ و در اوج کیرایی و محبوبیت، کدمه‌های دوسـتانه خودش هـم بیش از پیش شکل کرفت و شجریان در بستر این رخوت و خانه‌نشینی دست به خلق آثاری زد که بسیاری از آنها آثاری بی‌نظیر در موسـیقی ایران اسـت. آثار خصوصی شجریان و هنرمندان همنشـین او از شاخ‌ترین نمونه‌های ارائه سازِ آواز در قرن اخیر اسـت. او کاهی لبریـز از آواز بود و چنان که امروزه در آثار خصوصی‌اش می‌شنویم در محفلی سـفره خوانی اجرا می‌کرد که کویی میلیون‌ها مخاطب به آوازش کوش سـپرده و چشم به او دوخته‌اند. خوشـخانه به لطف دردسـرپسـند بودن وسـایل ضبط، بسیاری از هنرمندهای اسـتاد در محافل خصوصی ثبت و ضبط شده و برای آیندکان به یادکار مانده است.

شهرت، محبوبیت و مرجعیتش در موسـیقی، در تمام سال‌های فعالیت خواننده‌اش او را به حاشـیه‌های متعدد اجتماعی کشـانده که کزارشه او از سـرشـار از آواز و موسـیقی و متأثر از تاریخ و احوال مردمان این سـرزمین اسـت. شـجریان یک آوازخـوان تمام‌عیار و عصاره تمام استادان پیش از خود است.

روزهای مصادف با ۸۰-سالکی استاد شجریان برای علاقه‌مندان این هنرمند بزرک غریب و دلکیر سـپری می‌شـود. چند سالی اسـت استاد آواز ایران خاموش در بسـتر بیماری اسـت و نبض احسـاس مردمانش با هر خبری از بیمارسـتان و تیم پزشکی در نوسان اسـت. مردم ایران سکوت خـود آواز را تاب ندارند و هر دم برای سلامتش دسـت به دسـت دارند.

ادای دین مردم به شـجریان کوش فرادادن و دل‌سـپردن به آواز ایرانی و یادداشـت این هنر و به فراموشی اسـت. شجریان بیش از نیم‌قرن برای مردمان این سرزمین آواز سر داده و بر ماسـت که آن را قدر دانسـته و بدانیم که یادکاران شجریان تا قرن‌ها مرهم دل‌های سوختکان و عاشقان اسـت...

حق‌ظاهر، سعدی، فردوسی و...

کارآواز به این راحتی نیسـت... مسئله‌اش، خلاقیت و آهکسازی در لحظه است که هرکسی آن را ندارد. اکثرا ردیف را یاد می‌کیرند و دقیق مثل معلمـان می‌خوانند ولی وقتی خودشـان هم خواننده آواز بخوانند نمی‌توانند. چون آن خلاقیت را ندارند. سـال‌ها زمان می‌خواهد که یک خواننده بتواند با شـعر خوب برخورد کند و آن را خوب بشناسـد. شـعر خوب انتخاب کند. اینها ملودی‌ها و تحریرها را هنکام خواندن مناسـب انتخاب کند. اینها همه از نکات مهم است.

این ضعف در کجاسـت؟ در آموزش است؟

ضعف، هم در آموزش اسـت و هم در خودشـان. من دوره‌ای به عنوان دوره عالی برای کروهی از خوانندکان کذاشـتم؛ آنها الان خودشـان خیلی راحت می‌توانند برای دو، سه سـال، برنامه آواز طراحی کنند و بخوانند. کروه دیکری نزدیک به ۷۵ نفر متشـکل از خانم‌ها و آقایان دارم، می‌خواهم در آنجا کلاس‌شـکافی و طراحی آواز را بـه آنها درس دهـم. تا این دوره را نکذرانـند نمی‌توانند از خودشـان آواز بخوانند. باید با این کلیدی که دارم در خلاقیت آنها را بکشایم.

باید به آنها یـاد بدهم که به چه شـکل می‌توانند جمله‌بندی کنند. اسـاس آواز را به آنهـا بکویم و تا بعـد آن چیزهایی که در باید دارند به درسـتی بخورد. آن وقت اسـت که هـر چیزی را که در شنیده‌اند، می‌توانند بسازند در صورتی که با الکویی که شنیده‌اند فرق داشته باشد.

کلاس‌شـکافی آواز در هیچ جای دنیا سابقه ندارد، چون هیچ جا

رویداد

ورود رزم‌ناو آمریکایی به خلیج‌فارس

● ناو هواپیمابر «یواس‌اس‌نیمیتز» آمریکا در همراهی با چند ناوچه با عبور از تنگه هرمز وارد آب‌های خلیج‌فارس شد. حضور نظامی آمریکا در آب‌های منطقه در ارتباط با مبارزه آمریکا علیه نیروهای وابسته به داعش توضیح داده می‌شود، اما تحلیلگران افزایش حضور نظامی آمریکا در این منطقه را در ارتباط با ایران می‌دانند.

سفر پمپئو به ژاپن

● تلویزیون ژاپن گزارش داد مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا، برای شرکت در نشستی چهارجانبه با حضور وزرای خارجه ژاپن، استرالیا و هند در توکیو، ماه آینده میلادی به ژاپن سفر می‌کند.

ادعای جدید ترامپ درباره کویت

● دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، پس از دیدارش با هیئت کویتی مدعی شد این هیئت برای پیوستن به توافق‌های صلح با اسرائیل مشتاق بودند و به‌زودی کویت هم به کشورهایی که با اسرائیل عادی‌سازی روابط کرده‌اند، ملحق می‌شود.

سفر الکاظمی به پاریس

● وزیر خارجه عراق اعلام کرد مصطفی الکاظمی، نخست‌وزیر این کشور، درصدد است ماه میلادی آتی به پاریس سفر کند. به گزارش ایسنا، به نقل از بغداد الیوم، فؤاد حسین، وزیر خارجه عراق، در دیدار با ژان ایو لودریان، همتای فرانسوی خود و در پاریس بر لزوم ادامه حمایت فرانسه از عراق در چارچوب ائتلاف بین‌المللی برای جلوگیری از بازگشت فعالیت داعش تاکید کرد.

سرکوب تظاهرات علیه سیسی

● رسانه‌ها و مخالفان دولت مصر فیلم‌هایی از تظاهرات در شهر سوئز علیه عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهوری این کشور و حمله پلیس مصر به معترضان منتشر کردند.

افتتاح سفارت ارمنستان در اسرائیل

● سفارت جمهوری ارمنستان در اسرائیل به‌طور رسمی در تل‌آویو افتتاح شده است. افتتاح سفارت در آستانه روش‌هشنه، سال نوی یهودیان، صورت می‌گیرد. ارمنستان و اسرائیل در سال ۱۹۹۲ روابط دیپلماتیک برقرار کردند و اسرائیل در سال ۲۰۱۷ یک سفیر غیرمقیم برای ارمنستان منصوب کرد.

واکنش روسیه به طرح ترور اسد

● روسیه اعلام کرد اینکه رئیس‌جمهوری آمریکا به‌صورت علنی اذعان کرده که به ترور رئیس‌جمهوری سوریه فکر می‌کند، بر تلاش‌های آمریکا برای تغییر نظام حاکم در سوریه صحه می‌گذارد.

ساخت بال‌های اف۳۵ برای امارات

● یک نشریه عبری‌زبان از ساخت بال‌های جنگنده‌های اف۳۵ آمریکا برای امارات توسط اسرائیل خبر داد. نشریه عبری‌زبان «کلکلیست» اعلام کرد اسرائیل بال‌های جنگنده‌های اف۳۵ آمریکایی را که قرار است به امارات فروخته شود، تولید خواهد کرد.

عکس: Gettyimages

مرگ قاضی «گینزبرگ» سرنوشت انتخابات آمریکا را تغییر می‌دهد

جدال بر سر صندلی خالی

مرگ «روت بِدِر گینزبرگ»، یکی از قضات لیبرال دیوان عالی ایالات‌متحده، نه صرفا حوزه قضائی آمریکا، بلکه رقابت نزدیک دو نامزد ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۰ را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. خانم گینزبرگ ۸۷ساله که به سرطان لوزالمعده مبتلا بود، جمعه‌شب حدود هفت هفته مانده تا انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در شرایطی درگذشت که به گفته دخترش، وصیت کرده بود که «جانشینم بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری تعیین شود».

تکرار سناریوی سال ۲۰۰۰ میلادی

از همان ساعات اولیه گزارش‌ها و اظهارنظرها حاکی از این بود که «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهوری ایالات‌متحده، به‌زودی و در روزهای آینده جانشین گینزبرگ را برای رأی‌گیری به سنا معرفی خواهد کرد و «میچ مک‌کانل» رهبر اکثریت جمهوری‌خواه سنا هم وعده داد که رأی‌گیری برای پرکردن جای خالی این قاضی، پس از معرفی جانشین مدنظر ترامپ انجام خواهد شد. پیش‌ازاین هم ترامپ دو قاضی جمهوری‌خواه دیگر را به سنا فرستاده بود.

پرکردن جای خالی گینزبرگ می‌تواند تعادل میان دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در دیوان عالی ایالات‌متحده را در حالی به سود جمهوری‌خواهان به هم بزند که ترامپ در نظرسنجی‌های انتخاباتی از «جو بایدن»، رقیب دموکرات خود عقب است و احتمال تکرار انتخابات سال ۲۰۰۰ میلادی کم نیست. در آن سال هم «جورج بوش» جمهوری‌خواه با رأی دیوان عالی آمریکا درباره انتخابات ایالت فلوریدا توانست «ال گور» رقیب دموکرات خود را شکست دهد.

اصرار میچ مک‌کانل، رهبر اکثریت سنا برای رأی‌گیری درباره جانشین گینزبرگ در حالی مطرح می‌شود که چهار سال پیش و در سال آخر ریاست‌جمهوری «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری سابق آمریکا، او رأی‌گیری درباره «مریک گارلند» قاضی پیشنهادی اوباما برای دیوان عالی را با این توجیه که «بهتر است در سال آخر رئیس‌جمهوری این اقدام صورت نگیرد و برنده انتخابات، قاضی مدنظر خود را به سنا معرفی کند»، به تعویق انداخت.

شعله‌ورشدن آتش

اکنون جای خالی گینزبرگ، آتش رویارویی دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان را شعله‌ورتر خواهد کرد. این تنش‌ها، در بیانیه جو بایدن در واکنش به درگذشت گینزبرگ کاملا نمایان بود. «بهتر است شفاف سخن بگویم. در این تردیدی نیست که رأی‌دهندگان رئیس‌جمهور را انتخاب می‌کنند و رئیس‌جمهور منتخب هم قاضی مدنظر خود را به سنا معرفی می‌کند. این موضعی است که سنا در سال ۲۰۱۶ اتخاذ کرد و به مدت ۱۰ ماه اجازه نداد تا رأی‌گیری درباره قاضی مدنظر اوباما در سنا انجام شود. این موضع‌گیری منطقی است و انتظار دارم امسال هم سنا منتظر نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری بماند».

این اظهارات، جو بایدن را که سابقه ۳۶ سال حضور در سنا دارد و مدتی هم رئیس کمیته قضائی سنا بود، رودرروی میچ مک‌کانل جمهوری‌خواه قرار می‌دهد که گفته رأی‌گیری پس ار معرفی جانشین انجام خواهد شد. بااین‌حال مک‌کانل صراحتا مشخص نکرد که برای این رأی‌گیری تا انتخابات سوم نوامبر صبر خواهد کرد یا خیر. اما در آن‌سو ترامپ در واکنش به درگذشت گینزبرگ اشاره‌ای به نامزد مدنظرش برای جانشینی او نکرد و صرفا به تمجید از این قاضی پرداخت.

تقابل سیاسی

مرگ گینزبرگ رقابت انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا را شدیدتر و همچنین ناپایدارتر می‌کند. علاوه‌براین توازن قدرت در دیوان عالی ایالات متحده هم دستخوش تغییر اساسی می‌شود. همه‌چیز بستگی به گام‌های بعدی ترامپ و جمهوری‌خواهان دارد. آنها می‌توانند این کرسی خالی را بدون توجه به اینکه چه کسی در ماه نوامبر ریاست‌جمهوری را به دست می‌آورد، پر کنند و قطعا جای گینزبرگ لیبرال را یک قاضی محافظه‌کار خواهد گرفت؛ اما خالی نگه‌داشتن این کرسی تا انتخابات هم می‌تواند چندان به ضرر ترامپ نباشد. تعیین‌تکلیف‌نکردن برای جانشین گینزبرگ می‌تواند تشویقی برای رأی‌دهندگان محافظه‌کار ازجمله انجیلی‌های آمریکا که به‌تازگی رابطه‌ای نه‌چندان گرم با ترامپ دارند، باشد تا برای فرستادن یک قاضی دیگر مخالف سقط جنین به دیوان عالی، به سود ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری مشارکت کنند. در صورت پیروزی بایدن در انتخابات هم، او در سال ۲۰۲۱ جانشین گینزبرگ را معرفی خواهد کرد.

درحال‌حاضر همه نشانه‌ها و موضع‌گیری‌ها نشان از آن دارد که جمهوری‌خواهان قصد دارند برای پرکردن یک کرسی خالی این جایگاه مادام‌العمر هم یک بازی سیاسی دیگر با دموکرات‌ها به راه بیندازند. آن هم در زمانی که تنش‌های سیاسی میان این دو حزب به بالاترین حد رسیده و جامعه آمریکا هم پرالتهاب‌ترین روزها را سپری می‌کند.

اهمیت دیوان عالی

دیوان عالی ارشدترین دادگاه در ایالات متحده است و در بسیاری از پرونده‌های مناقشه‌برانگیز فدرال و نیز اختلاف‌ها در آرای انتخابات سراسری، اختلاف‌ها بین ایالت‌ها و دولت فدرال، فرجام‌خواهی‌های نهایی برای توقف اعدام‌ها، سقط جنین و... حرف آخر را می‌زند.

دیوان عالی آمریکا در سال‌های قانونی‌بودن ازدواج همجنس‌گرایان، آن را به ۵۰ ایالت آمریکا گسترش داده، قانون ممنوعیت سفر را که از سوی ترامپ صادر شده بود، فعلا معلق کرده و همچنین برنامه ایالات‌متحده برای کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای را تا زمان تجدیدنظرخواهی به تأخیر انداخته است.

قضات دیوان عالی ایالات متحده به‌صورت مادام‌العمر یا تا زمان تصمیم به بازنشستگی در این جایگاه حضور خواهند داشت. ترامپ از زمان روی‌کارآمدن در سال ۲۰۱۷، دو قاضی محافظه‌کار را در دیوان عالی منصوب کرده و تا قبل از درگذشت گینزبرگ، قضات محافظه‌کار پنج کرسی دیوان عالی را در اختیار داشتند و قضات لیبرال چهار کرسی. جمهوری‌خواهان می‌خواهند قبل از انتخابات، این ترکیب شش به سه به سود قضات محافظه‌کار باشد. «تد کروز» سناتور ایالت تگزاس و دانش‌آموخته مدرسه حقوق هاروارد که یکی از گزینه‌های ترامپ برای جانشینی گینزبرگ است، روز گذشته هشدار داد که «این جای خالی خیلی زود باید پر شود. ما نمی‌توانیم انتخابات را در حالی آغاز کنیم که شاهد ترکیب چهار به چهار در دیوان عالی باشیم».

پادشاه و ولیعهد عربستان بر سر عادی‌سازی روابط با اسرائیل به اختلاف خورده‌اند

تقابل ملک‌سلمان با ولیعهد جوان

جدال سختی پشت درهای کاخ پادشاهی در عربستان سعودی در جریان است. «ملک سلمان»، پادشاه، به همراه پسرش، «محمد بن‌سلمان»، ولیعهد جوان سعودی، بر سر دوراهی سختی قرار گرفته‌اند؛ اینکه پس از امارات‌متحده عربی و بحرین، اکنون نوبت ریاض است تا روابط خود را با اسرائیل از سر بگیرد. براساس آنچه از پشت درهای بسته روایت می‌شود، بین ملک‌سلمان و ولیعهد جوان بر سر به‌آغوش‌کشیدن یک دولت یهودی اختلاف عمیقی وجود دارد. ملک‌سلمان مانند اسلاف گذشته‌اش، یکی از طرفداران دیرینه بایکوت اسرائیل و تشکیل کشور فلسطینی است؛ حال آنکه پسرش در این آرزو به‌سر می‌برد که با مانور پیروزی در نبردی غیرقابل‌حل، هم به اسرائیل و آمریکا نزدیک‌تر شود و هم در تقابل جدی‌تر با ایران قرار بگیرد.

طبق آنچه از درون کاخ پادشاهی مخابره می‌شود، زمانی که در سیزدهم ماه آگوست «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهوری ایالات‌متحده اعلام کرد که اسرائیل و امارات روابط خود را عادی‌سازی خواهند کرد، پادشاه ۸۴ ساله سعودی که تازه تعطیلات فصل تابستان خود را آغاز کرده بود، بسیار شوکه شد، اما این خبر برای محمد بن‌سلمان شوکه‌کننده نبود.

آن‌طورکه وال‌استریت ژورنال می‌نویسد معامله عادی‌سازی روابط، ملک‌سلمان را متعجب و سرگردان کرده است؛ به‌ویژه اینکه ولیعهد جوانش از ترس مانع‌تراشی پدرش سعی در مخفی نگه‌داشتن این خبر از او داشته است. به همین دلیل ملک‌سلمان بلافاصله به وزیر خارجه کشورش دستور می‌دهد تا بار دیگر بر تعهد عربستان به تشکیل کشور فلسطین در مرزهای ۱۹۶۷ و پایبندی ریاض به ابتکار عمل صلح عربی تاکید کند. طرح صلح عربی در سال ۲۰۰۲ ازسوی عربستان ارائه و در آن تاکید شده است که کشورهای عربی در صورتی روابط خود را با تل‌آویو عادی‌سازی می‌کنند که برای تأسیس کشور فلسطین به پایتختی بیت‌المقدس و عقب‌نشینی کامل اسرائیل از اراضی ۱۹۶۷ با طرف فلسطینی توافق حاصل شود. به گفته نزدیکان محمد بن‌سلمان، او به‌شدت در هراس است که پدرش مانع اجماع بر سر توافق‌نامه‌هایی بشود که پیش از این ارائه شده اما برای پیشبرد تشکیل دولت فلسطینی کافی نبوده است.

«ویلیام وچسلر» از شورای آتلانتیک می‌گوید: «قدرت در ریاض همچنان در دست ملک‌سلمان است. در دستگاه سلطنتی، سرشت انتقال قدرت، به‌خودی‌خود تهدیدی بالفعل محسوب می‌شود. بنابراین، ولیعهد سعودی تا به اینجا اشتباه‌های زیادی داشته است و عادی‌سازی روابط با اسرائیل برای او بسیار سنگین خواهد بود». او ادامه می‌دهد به‌نظرم نامحتمل می‌رسد که عربستان در این ماجرا، نقش رهبری کشورهای خلیج‌فارس را عهده‌دار شود. فکر می‌کنم در بهترین حالت، می‌توان امید داشت که سعودی‌ها، در این زمینه مخالفت فعالی با اقدام کشورهای کوچک‌تر همسایه نداشته باشند.

اما ناظران معتقدند بابی را که «محمد بن‌زاید»، ولیعهد امارات، در ابوظبی گشوده است، در تعاملات آینده بین اسرائیل و عربستان نقش بزرگی ایفا خواهد کرد و شاید افتتاح سفارت اسرائیل در ریاض برای مدتی به تعویق بیفتد اما به‌هیچ‌وجه به‌معنای توقف ارتقای روابط تسلیحاتی و اقتصادی بین عربستان و اسرائیل نخواهد بود. آنان بر این باورند که محمد بن‌سلمان برای پیشبرد راهبرد معروفش به نام «چشم‌انداز ۲۰۳۰» به توافق عادی‌سازی روابط ریاض با تل‌آویو احتیاج دارد. او در اکتبر سال ۲۰۱۷ میلادی طرح ساخت شهر «نئوم» ۵۰۰ میلیارددلاری را رونمایی کرد؛ شهری که تا نزدیکی مرزهای اسرائیل ادامه دارد و از آن به‌عنوان دروازه ورود تل‌آویو به جهان عرب یاد می‌شود. به گفته مشاوران و دیپلمات‌های نزدیک به بن‌سلمان، او در جلسات خصوصی گفته بوده که امیدوار است اسرائیل برای توسعه نئوم سرمایه‌گذاری گسترده‌ای را انجام دهد.

«روندل» یکی از دیپلمات‌های پیشین ایالات‌متحده در عربستان که حدود ۱۵ سال در این کشور به رایزنی با مقامات سعودی پرداخته است، می‌گوید: «شاهزاده محمد بدون شک با کشورهای مختلفی مذاکره کرده و آنان را تحت فشار خواهد گذاشت تا روابط خود را با اسرائیل عادی‌سازی کنند، سودان و مراکش گزینه‌های بالقوه هستند و اگر در این مسیر موفق شود، راه برای ریاض هموارتر از گذشته خواهد شد».

«دنی دانون»، سفیر پیشین اسرائیل در سازمان ملل نیز می‌گوید که ده‌ها مکالمه شخصی با همتایان اماراتی و سعودی خود داشته است تا بتوانند جبهه‌ای در برابر ایران تشکیل دهد و با شناخت کامل می‌تواند با قطعیت بگوید که محمد بن‌سلمان برای ایجاد اجماع بین کشورهای عرب تنها به وقت اضافه نیاز دارد. اما آن چیزی که اهمیت هرچه سریع‌تر این عادی‌سازی را دوچندان می‌کند، آن است که پیش از انتخابات سوم ماه نوامبر در آمریکا، این رویداد به‌طور رسمی ثبت شود؛ تا هم دونالد ترامپ را در کاخ سفید نگه دارد و هم ایران در شرایط دشوارتری در منطقه قرار بگیرد؛ چراکه اگر ترامپ رقابت را به «جو بایدن» رقیب دموکراتش ببازد، تمامی معادلات برهم خواهد خورد.

خبر

در اقدامی تلافی‌جویانه

چین تهدید به تحریم شرکت‌های خارجی کرد

پیشخوان Pishkhan.com

● چین می‌گوید شرکت‌ها و اشخاص خارجی را که به منافع این کشور آسیب رسانده‌اند، تحریم خواهد کرد. به گزارش بی‌بی‌سی، چین به‌تازگی فهرستی با عنوان «لیست اشخاص و نهادهای غیرقابل اعتماد» راه‌اندازی کرده که از آن به‌عنوان امکانی برای تلافی اقدامات ایالات‌متحده یاد می‌شود. سازوکار جدید چین به این کشور اجازه می‌دهد تا شرکت‌های خارجی را جریمه کند یا آنها را از تجارت و سرمایه‌گذاری در چین منع کند. هنوز اسامی شرکت‌های خارجی که ممکن است هدف قرار بگیرند، اعلام نشده است. وزارت بازرگانی آمریکا می‌گوید از امروز کاربران در آمریکا اجازه دانلود «تیک‌تاک» و «وی‌چت»، دو اپلیکیشن چینی را از هیچ‌کدام از فروشگاه‌های اینترنتی نخواهند داشت. دولت آمریکا می‌گوید دلیل این تصمیم «تهدیدهای امنیتی» است که ازسوی این دو شبکه اجتماعی متوجه کاربران آمریکایی می‌شود؛ ازجمله دولت آمریکا مدعی شده صاحبان این اپلیکیشن‌ها ممکن است اطلاعات کاربران آمریکایی را به دست دولت چین برسانند؛ اتهامی که ازسوی دو شرکت به‌شدت رد شده است. وزارت بازرگانی چین در واکنش گفته است آمریکا به بهانه «امنیت ملی»، وی‌چت و تیک‌تاک را ممنوع کرده که به منافع قانونی این شرکت‌ها آسیب رسانده و نظم عادی بازار را مختل کرده است. چین می‌گوید آمریکا «بدون هیچ مدرکی» دو شرکت چینی یادشده را منع کرده و اعتماد سرمایه‌گذاران بین‌المللی در فضای سرمایه‌گذاری آمریکا را خدشه‌دار کرده است. وزارت بازرگانی چین از آمریکا خواسته از اقدامات زورگویانه و رویکرد اشتباه پرهیز کند و تأکید کرده در صورت اصرار آمریکا بر این روند، چین برای حفظ منافع قانونی شرکت‌های این کشور تدابیر لازم را در پیش خواهد گرفت.

تقویت نیروهای آمریکایی در شمال شرق سوریه

● ارتش آمریکا اعلام کرد که حضور نظامی خود در شمال شرق سوریه را از نظر نیرو و نفرات و تجهیزات نظامی، تقویت می‌کند. این تصمیم درپی افزایش تنش میان واحدهای نظامی آمریکا و نیروی روسی مستقر در این منطقه اتخاذ شده است. به گزارش دویچه‌وله، بیل اوربان، سخنگوی فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) شامگاه جمعه اعلام کرد که ارتش آمریکا در شمال شرق سوریه سامانه راداری «سنتینل» را مستقر کرده، به گشت‌های هوایی بر فراز منطقه افزوده و برای حمایت از نیروهای آمریکایی، خودروهای زرهی از نوع «برادلی» به منطقه ارسال کرده است. به گفته اوربان، ارسال این نیروها و تجهیزات با هدف تضمین امنیت نیروهای ائتلاف حاضر در این منطقه صورت گرفته است. او تأکید کرد ایالات متحده «به دنبال درگیری با هیچ کشور دیگری در سوریه نیست؛ اما در صورت لزوم از نیروهای ائتلاف دفاع خواهد کرد». به گزارش خبرگزای فرانسه، یک مقام آمریکایی که نخواست نامش فاش شود، گفت تعداد وسایل نقلیه زرهی ارسال‌شده به شمال شرق سوریه بیشتر از شش دستگاه نیست و شمار نیروی نظامی اعزام‌شده نیز «کمتر از صد نفر» است. این مقام آمریکایی تأکید کرد اعزام این نیروها و تجهیزات به شمال شرق سوریه «پیام روشنی به روسیه است که به روندهای متقابل رفع تنش پایبند بماند و روسیه و دیگر طرف‌ها از اقدامات غیرحرفه‌ای، تحریک‌آمیز و خطرناک در شمال شرق سوریه خودداری کنند».

جمهوری اسلامی ایران
وزارت راه وشهرسازی
شرکت مادرتخصصی ساخت و توسعه زیر بناهای حمل و نقل کشور

آگهی مناقصه شماره ((۲۰۹۹۰۰۱۰۰۴۰۰۰۱۰۶)) در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت

بر اساس ماده ۱۳ قانون برگزاری مناقصات عملیات اجرایی پروژه به شرح زیر بصورت مناقصه عمومی دو مرحله ای واگذار میگردد:

۱ - دستگاه مناقصه گزار : شرکت ساخت و توسعه زیر بناهای حمل و نقل کشور به نشانی تهران - بزرگراه مدرس - خیابان وحید دستگردی - خیابان فرید افشار - نبش بلوار آرش

۲ - شرح پروژه: عملیات تکمیل تقاطع غیر همسطح تصفیه شکر و ۴ کیلومتر جاده های ارتباطی (روستای تصفیه شکر تا روستای دغاغله و ورودی اهواز با تقاطع مذکور)، با مدت اجرای کار ۲۴ ماه، در استان خوزستان

۳ -سیر مراحل دریافت اسناد و برگزاری فرآیند مناقصه: صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس http://www.setadiran.ir و مهلت دریافت اسناد از سامانه مذکور حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۰۸ میسر خواهد بود.

ضمناً مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی در سامانه مذکور، مراحل ثبت نام در سایت فوق و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه به انجام رسانند. تلفن پشتیبانی سامانه : ۴۱۹۳۴

۴ -محل تحویل پاکت شرکت در مناقصه (صرفا پاکت الف) اداره کل امور پیمان ها و رسیدگی فنی - شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور حداکثر تا ساعت ۱۴/۳۰ روز شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۱۹ و تاریخ جلسه مناقصه ساعت ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۰ می باشد.

مدت اعتبار پیشنهادات ۳ ماه از تاریخ فوق می باشد و در صورت لزوم یکبار قابل تمدید می باشد.

۵ -برآورد : براساس فهرست بهای پایه راه، راه آهن و باند فرودگاه سال ۱۳۹۹ به مبلغ ۳۹۴,۴۱۹,۳۶۴,۶۴۹ ریال میباشد.

(ضمناً انعقاد قرارداد بر اساس فهرست بهای تجمیع شده راه، باند فرودگاه و زیرسازی راه آهن می باشد)

۶ - مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار ۱۱ میلیارد ریال تعیین میگردد.

۷ - مهندسین مشاور طرح شارستان زاگرس(تلفن : ۳۲۹۲۱۵۸۲ - ۰۶۱ و ۳۲۹۲۱۵۸۳ - ۰۶۱)

ضمنا آگهی مناقصه از طریق پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به نشانی http:\\iets.mporg.ir نیز قابل دسترسی است.

م الف ۱۹۷۹

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان مازندران (سهامی خاص)

آگهی تجدید فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی (یک مرحله ای)

شماره مناقصه: ۵۷۲۸۹
شماره مجوز: ۱۳۹۹/۳۲۸۱
نوبت دوم

شرکت گاز استان مازندران در نظردارد از طریق فراخوان ارزیابی کیفی نسبت به برگزاری مناقصات ذیل اقدام نماید. بدینوسیله از کلیه شرکتهای واجد شرایط که مایل به شرکت در این ارزیابی هستند دعوت می گردد از تاریخ ۹۹/۶/۳۰ ساعت ۱۴ الی ۹۹/۷/۲ ساعت ۱۶ اسناد ارزیابی کیفی را از سامانه WWW.SETADIRAN.IR دریافت نمایند و تا تاریخ ۹۹/۷/۱۶ ساعت ۱۶ اسناد فوق را از طریق سامانه ارسال نمایند.بدیهی است شرکت گاز استان مازندران پس از بررسی اسناد و مدارک واصله و اطلاعات مندرج در پرسشنامه در چارچوب ضوابط و مقررات نسبت به ارزیابی کیفی شرکت کنندگان اقدام و از شرکتهای واجد شرایط جهت دریافت اسناد مناقصه از طریق سامانه فوق دعوت بعمل خواهد آورد تا ارائه مدارک و پرسشنامه های تکمیل شده در سایت هیچگونه حقی را برای متقاضیان جهت شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.خواهشمند است، آدرس ، کدپستی و تلفن به وضوح مشخص گردد. در صورت عدم پاسخگویی یا خرابی فکس مسئولیت آن برعهده مناقصه گر می باشد.

عنوان و مشخصات کلی پروژه ها:

ردیف	موضوع مناقصه	شماره فراخوان سامانه ستاد	مبلغ تضمین	مبلغ برآورد	حداقل امتیاز کیفی
۱	تهیه، حمل و اجرای دیوار بتن مسلح به طول ۴۵ متر جهت تثبیت زمین لغزش مسیر خط لوله گاز روستای استل کنار جواهر ده رامسر	۲۰۹۹۰۹۱۵۷۸۰۰۰۱۰۸	۲۳۸/۵۸۰/۰۰۰	۴/۷۷۱/۵۹۵/۴۷۰	۵۰
۲	شبکه توزیع گاز روستای دراسرا عباس آباد تنکابن به روش pc	۲۰۹۹۰۹۱۵۷۸۰۰۰۱۰۹	۱/۷۵۵/۵۴۴/۰۰۰	۳۵/۱۱۰/۸۶۶/۷۵۵	۷۰
۳	احداث ایستگاه تی بی اس کابینتی امام زاده حسن آلاشت	۲۰۹۹۰۹۱۵۷۸۰۰۰۱۱۰	۱۸۶/۳۵۵/۰۰۰	۳/۷۲۷/۰۹۸/۵۹۶	۵۰

۱- محل تامین اعتبار: منابع داخلی ۲- مدت اعتبار پیشنهادها: سه ماه می باشد و این مدت حداکثر برای یک بار قابل تمدید می باشد. ۳- نوع تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: تضمین معتبر براساس آیین نامه تضامین معاملات دولتی مصوبه هیات وزیران به شماره ۱۲۳۴۰۲/ ت۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۲ و اصلاحات بعد از آن در خصوص کارهای پیمانکاری ۴- توزیع اسناد: از دوشنبه ۹۹/۸/۱۲ الی چهارشنبه ۹۹/۸/۱۴ ساعت ۱۴:۳۰ ۵- مهلت ارائه پیشنهاد: تا شنبه ۹۹/۸/۲۴ ساعت ۱۴:۳۰ (ضمنا اصل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار در این مهلت ثبت اتوماسیون اداری و تحویل دبیرخانه رمز محرمانه حراست گردد) ۶- زمان گشایش پیشنهادات: یکشنبه ۹۹/۸/۲۵ ساعت ۹ صبح ۷- ضمنا هر گونه تغییر در زمان های یادشده از طریق سامانه اعلام می گردد.

۸- شرایط متقاضی: ● داشتن گواهی صلاحیت رشته ابنیه برای ردیف ۱ و۳ و رشته تاسیسات و تجهیزات یا نفت و گاز برای ردیف ۲ با داشتن ظرفیت آزاد مجاز

● داشتن توانایی ارائه تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار و انجام تعهدات طبق ضوابط کارفرما ● داشتن کداقتصادی از وزارت اقتصادی و دارایی ● ثبت نام و اخذ کد اطلاع رسانی پایگاه ملی مناقصات با مراجعه به سایت http://iets.mporg.ir ● ارائه صورتهای مالی حسابرسی شده منتهی به ۹۷/۱۲/۲۹ برای پیشنهادهای بالای ۱۰ برابر نصاب معاملات متوسط باشد الزامی است. با رعایت ماده ۴ آیین نامه راهکارهای افزایش ضمانت اجرایی و تقویت حسابرسی. ● قیمت ها متناسب باکالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد.(درصورتیکه کالا مشابه تولید داخل دارد) ● «حداقل نصاب پیشنهاد دهنده در این مناقصات سه مناقصه گر می باشد». ● قیمت ها متناسب باکالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد.(درصورتیکه کالا مشابه تولید داخل دارد) متقاضیانی که دارای شرایط مذکور در بند «۸» فوق بوده و آمادگی اجرای پروژه را دارند، می توانند در مهلت تعیین شده فوق الذکر جهت دریافت اسناد به سایت اعلام شده مراجعه نمایند.

● شرکت کنندگان در مناقصه، میبایست شماره ثابت و شماره فکس دفتر خود را در سامانه ستاد ارائه نمایند در غیر اینصورت مسئولیت عدم اطلاع رسانی در مواقع ضروری به عهده آن شرکت می باشد و حق هیچگونه اعتراضی نخواهد داشت. ● به پیشنهادات شرکت های دارای هیات مدیره مشترک موثر در مناقصه ترتیب اثر داده نخواهد شد.

جهت کسب اطلاعات بیشتر در سایت شرکت گاز استان مازندران به آدرس www.nigc-mazandaran.ir و پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات کشور به آدرس http://iets.mporg.ir مراجعه نمایید.

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه

مرکز تلفن ۴۱۹۳۴-۰۲۱ و ۵۷۸۹۵۰۰۰-۰۲۱ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۹۵۱۹۳۷۶۸

روابط عمومی شرکت گاز استان مازندران

بازار کسب‌وکارهای کوچک

روایتی از میان ۴۰ هزار غرفه باسلام

روایتی از میان ۴۰ هزار غرفه «باسلام»

ماندگاری ۳۰۰ ساله روی دیوار

● **شیما پاکزاد:** «وقتی خانواده فهمیدند می‌خواهم دانشگاه نروم و فقط کار کاشی را ادامه دهم، می‌خواستند قورتم دهند! غریبه و آشنایی نبود که برای نصیحت سراغ من نفرستند. دانشگاه چیزی برای من نداشت و در نهایت این من بودم که بردم».

حالا صبا کاظمی ۲۲ساله، ۱۱ سال است که کاشی هفت‌رنگ می‌سازد.

همه‌چیز از تابستان ۱۱سالگی صبا شروع شد. وقتی که با مادرش برای تفریح سر کلاس استاد خاک‌نگار رفت و خواهش کرد بگذارند او هم طراحی کند، چنان مهارتی از خود نشان داد که سه روز بعد کنار آموزش همان‌جا استخدام شد.

اولین حقوقش از طراحی کاشی را همان تابستان گرفت. فکر نمی‌کرد این سرگرمی برایش حرفه و هنر جدی شود. کنار مادرش که دو سال زودتر از خودش این هنر را آموخته بود و او را استاد دومش می‌داند، کار کرد. اولین فرصت کاری جدی صبا و مادرش وقتی بود که اتاقی را در باغ نگارستان در اختیارشان گذاشتند. به جای اجاره برای فضای داخلی باغ یا هدیه مراسم‌ها کاشی می‌ساختند. بعد از دو، سه سال، مجبور شدند آنجا را ترک کنند. بعد از مدتی بخشی از فضای نسبتا بزرگ خانه را خالی می‌کنند تا هم اجاره ندهند و هم خواهر صبا تنها نماند. هر روز سفارش‌ها کمتر می‌شد.

صبا علاقه‌ای به بازاریابی ندارد و می‌گوید: «من با دید هنری به کار نگاه می‌کردم. کارهای بازاریابی در توانم نیست. تا مجبور نشوم و به خط قرمز نرسم، این کار را نمی‌کنم. فکر می‌کردم این چیزها مهم نیست و آدم فقط باید کارش خوب باشد». اما کم‌کم احساس کرد درجه‌یک‌بودن کافی نیست. می‌داند اگر جنس باکیفیت اما با قیمت زیاد تولید کنند، چون محصول ایرانی است، کسی نمی‌خرد اما برای محصولات خارجی بیشتر هم می‌پردازند.

صبا معتقد است فقط محصول ایرانی ارزان شانس فروش دارد. از اینکه مشتری‌ها تفاوت بین کار چاپ و دست را هم درک نمی‌کنند، دلخور است.

خاطره تلخی دارد که مشتری کاشی چاپی را گذاشته جلویش و گفته: «عین کار توست با قیمت خیلی کمتر!» ولی هیچ‌وقت به کنارگذاشتن این هنر فکر نکرده است. کاشی‌ها و سرامیک‌های

نیمه‌آماده را با وسواس انتخاب می‌کند. طرح را روی کاغذ می‌کشد و خطوط طرح را سوزن می‌زند و سوراخ‌سوراخ می‌کند. می‌گذارد روی کاشی و با گرد ذغال روی کاغذ می‌کشد تا خطوط طرح روی کاشی بیفتد. بعد با قلم فلزی و سیاه‌قلم روی خطوط می‌کشد و بعد هم با آبرنگ رنگ می‌کند. رنگ‌ها به سفیدی می‌زند و نتیجه کار روی کاشی تا قبل از رفتن به کوره معلوم نیست.

برای همین هنوز لحظه بازکردن درِ کوره و دیدن کاشی‌های پخته و براق، تکراری نمی‌شود و او را سر ذوق می‌آورد. گاهی هم با دیدن کاشی‌های شکسته در کوره ذوقش کور می‌شود. هرچند کم پیش می‌آید. سال‌هاست که می‌خواهد آشپزخانه و سرویس بهداشتی خانه خودشان را کاشی کند. فعلا فقط یک لوستر کاشی‌کاری‌شده برای خانه ساخته که خیلی دوستش دارد.

حالا به پیشنهاد دوستش در «باسلام» ثبت‌نام کرده تا اینترنتی بفروشد. اسم غرفه‌شان «صبامیرزا» است. میرزا را از فامیل مادرش که میرزاییان است برداشته. «صبامیرزا» کاشی‌های هفت‌رنگ با عمر ۳۰۰ساله‌ای می‌سازد.

«باسلام»، یک بازار اجتماعی آنلاین برای کسب‌وکارهای خانگی محلی و غیرکارخانه‌ای است. با اسکن QR کد، می‌توانید به غرفه «صبامیرزا» بروید.

باسلام ba-salam.com

نگاهی کلی به پلتفرم‌ها و اهمیت آنها

اقتصاد پلتفرمی

حامد ذاکرحسین
دبیر سرویس استارتاپ

چندسالی است که با توسعه فناوری‌های دیجیتال، بحث جدیدی میان اقتصاددان‌ها شکل گرفته است، با عنوان «اقتصاد پلتفرمی». اقتصاد پلتفرمی به معنای آن است که مجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی توسط پلتفرم‌هایی متنوع صورت گیرند. در واقع یک اقتصاد پلتفرمی بیان‌کننده تمایل کسب‌وکارها برای روی‌آوردن به مدل تجاری «پلتفرم‌های دیجیتالی» است. پس اقتصاد پلتفرمی به نوآوری دیجیتالی در ساخت پلتفرم‌هایی اشاره دارد که در آن همه چیز به صورت یکپارچه مدیریت شده و به سمت اهداف تجاری پیش می‌رود. «پلتفرم» در واقع بستری است برای برقراری ارتباط دو یا چندسویه بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان یک ارزش خاص. این ارزش می‌تواند کالا یا خدمات باشد. ازجمله پلتفرم‌های ایرانی می‌توان از «دیجی‌کالا» یا «با سلام» که کالایی را بین تولیدکننده و مصرف‌کننده جابه‌جا می‌کنند یا «اسنپ» و «تپسی» که خدمات تأمین‌کننده را به مصرف‌کننده می‌رسانند، نام برد. اقتصاد پلتفرمی و هر نوعی از کسب‌وکار مبتنی بر پلتفرم در واقع نقطه مقابل تجارت‌های سنتی خطی (Pipeline) قرار می‌گیرند. کسب‌وکارهای خطی صرفا محصولی را که تولید شده، به مصرف‌کننده ارائه می‌دهند و بستری برای برقراری ارتباط بین آنها فراهم نمی‌کنند. مانند مغازه که شما تولیدکننده را نمی‌بینید و فقط جنس مدنظر را از مغازه‌دار می‌خرید؛ اما در کسب‌وکارهای پلتفرمی، خود پلتفرم هیچ کالا یا خدمتی را تولید و تأمین نمی‌کند.

به‌عنوان مثال دیجی‌کالا تا زمانی که یک فروشنده صرف بود، به‌عنوان کسب‌وکاری خطی شناخته می‌شد؛ اما پس از آنکه فروشندگان می‌توانند کالاهای خود را به صورت مستقیم و با پرداخت کارمزدی از طریق این سایت اینترنتی بفروشند، دیجی‌کالا هم به یک اقتصاد پلتفرمی از نوع خرده‌فروشی آنلاین تبدیل شد.

در اوایل قرن جدید که با رشد فناوری، اقتصاد نیز تحت تأثیرات فراوان قرار گرفت و دوران جدیدی را آغاز کرد، کسب‌وکارهای نوپا سهم بیشتری از بازار را به خود اختصاص داده و کسب‌وکارهای سنتی از بین رفته یا بسیار کوچک شدند؛ اما در ادامه مسیر پیشرفت فناوری و توسعه مفهوم جدیدی به نام پلتفرم، به نظر می‌رسد به سمت آشتی مجدد این دو نوع کسب‌وکارها باشیم.

در پلتفرم‌ها ازآنجاکه کسب‌وکارهای سنتی می‌توانند عضو پلتفرم‌ها شده و در آن نقش داشته باشند؛ بنابراین کسب‌وکارهای نوپا نه‌تنها الزاما رقیب آنها نیستند؛ بلکه در بسیاری از موارد، کمک شایانی به توسعه کسب‌های سنتی می‌کنند. مثلا با وجود پلتفرم‌هایی که حمل کالا را برعهده دارند، شعاع اثر رستوران‌های محلی بسیار بزرگ‌تر شده و شاهد آن هستیم که حتی مشتریانی از مناطق دور هم، سفارش غذا به رستوران‌های سنتی می‌دهند. طبق آمار و تحلیل کارشناسان تا سال ۲۰۱۶ بیشتر از ۱۷۰ کمپانی مبتنی بر پلتفرم در سراسر جهان فعالیت داشتند که مجموع ارزش آنها فراتر از یک میلیارد دلار می‌شود. این روند در سال‌های اخیر حتی با رشد بسیار بیشتری همراه بوده است. درحال‌حاضر از ۱۰ کمپانی بزرگ فعال در صنایع مختلف در جهان، هفت مورد از آنها به‌عنوان اقتصاد پلتفرمی شناخته می‌شوند!

غول‌های فناوری مدرنی مانند اپل، گوگل، مایکروسافت، آمازون و علی‌بابا (پلتفرمی چینی) همگی از مدل تجاری اقتصاد پلتفرمی پیروی می‌کنند و هرکدام جوامع و بازارچه‌هایی اختصاصی برای برقراری ارتباط بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان دارند. این شرکت‌ها در سال‌های اخیر رشد شگرفی داشتند و حتی توانسته‌اند سهم زیادی از کمپانی‌های متنوع از سراسر جهان را خریداری کنند.

اقتصاد پلتفرمی در گفتاری دیگر با نام‌های پلتفرم آنلاین و پلتفرم دیجیتال هم شناخته می‌شوند؛ چراکه اغلب تجارت‌های مبتنی بر این الگو از ساختارهای تحت شبکه و اینترنت برای تعامل با مشتریان و زمینه‌سازی برقراری ارتباط استفاده می‌کنند. بسیاری از آنها خدمات خود را در قالب فروشگاه‌های آنلاین یا سرویس‌های به‌اشتراک‌گذاری خدمات ارائه می‌دهند و تراکنش‌های مالی و اقتصادی نیز در بطن همان پلتفرم‌ها صورت می‌گیرند. «جفری پارکر» (Geoffrey Parker) کارشناس بازار اقتصاد پلتفرمی از دانشگاه MIT و نویسنده کتاب «انقلاب پلتفرم» دراین‌باره می‌گوید: «عمده قدرت در صنایع مختلف به‌ویژه تکنولوژی در حال حرکت به سمت اکوسیستم‌هاست. پیام این اتفاق واضح است که تمام شرکت‌ها نیاز دارند با مفهوم پلتفرم آشنا شده و جایگاه خودشان را در ساختار نوین صنایع، پیدا کنند».

طبق تحلیل آمار توسط کارشناسان، تا حدود سال ۲۰۲۵ میلادی بالغ بر ۳۰ درصد از فعالیت‌های اقتصادی جهان، مبلغی در حدود ۶۰ میلیارد دلار، فقط توسط پلتفرم‌های دیجیتال و اقتصاد پلتفرمی در سراسر دنیا به گردش درخواهند آمد. هرچند پیش‌بینی می‌شود تنها حدود سه درصد از کمپانی‌های فعلی استراتژی پلتفرمی ایدئالی داشته باشند.

اهمیت پلتفرم‌ها

تأثیر پلتفرم‌ها در آینده بشریت بسیار عمیق‌تر و بیشتر از چیزی است که در نگاه نخست به نظر می‌رسد و از ابعاد اجتماعی و فرهنگی مختلف در سراسر دنیا برخوردار است. بهتر است به برخی از این جنبه‌ها نگاهی دقیق‌تر داشته باشیم.

● اول آنکه پلتفرم‌ها به طور فزاینده‌ای قدرتمند خواهند شد. پلتفرم‌هایی که تعاملات اجتماعی یا اقتصادی را کنترل می‌کنند، داده‌هایی را ذخیره‌سازی می‌کنند که برای تصمیم‌گیری‌های گسترده و مهم‌تری در سطح ملی و بین‌المللی می‌توانند استفاده شوند؛ بنابراین این پلتفرم‌ها تنها کارکرد اقتصادی صرف نداشته و حتی کارکرد اقتصادی آن، محدود به سودآوری یک کمپانی خاص نخواهد بود؛ بلکه در اقتصاد ملی کشورها هم می‌تواند مؤثر باشد. به عنوان مثال، داده‌های گرفته‌شده توسط پلتفرمی تجاری مانند Alibaba اکنون به عنوان یک سیستم رتبه‌بندی اعتبار مالی عمل می‌کنند. این به آن معنی است که شرکت‌های بازرگانی بین‌المللی هرچه امتیاز بالاتری در این پلتفرم داشته باشند، به معنی اعتبار افزون‌تری است که دارند. داده‌های گردآوری‌شده توسط فیس‌بوک و سایر پلتفرم‌های اجتماعی درحال‌حاضر قابلیت تأیید هویت و مدیریت دسترسی را در سایر پایگاه‌های اینترنتی و پلتفرم‌ها فراهم می‌کنند. فعالان زنجیره تأمین در سراسر صنایع می‌توانند از داده‌های گرفته‌شده توسط پلتفرم‌های هوش مصنوعی مانند IBM's Watson و Salesforce 'Einstein برای تصمیم‌گیری‌های پیچیده در صنعت خود استفاده کنند؛ پس پلتفرم‌هایی که تعاملات را تسهیل و داده‌ها را ذخیره می‌کنند، در آینده تجارت جهانی نقش فزاینده‌ای خواهند داشت.

● دوم، تعاملات تجاری و مالی گسترده در سطح بین‌المللی بدون راه‌اندازی یا عضویت در یک پلتفرم، اگر نگوییم غیرممکن، بسیار دشوار شده است. هر شرکتی که یک زنجیره تأمین جهانی را اداره می‌کند، نیاز به تدوین استراتژی برای اقتصاد پلتفرمی دارد. کدام قسمت از زنجیره تأمین خودکار می‌شود؟ کدام‌یک برای مشارکت خارجی باز می‌شوند؟ با ظهور پلتفرم‌های مدیریت تأمین‌کننده مانند Tradeshift، هزینه مدیریت تأمین‌کنندگان کاهش یافته و به شرکت‌ها امکان می‌دهد فعالیت‌های بیشتری را برون‌سپاری کنند.

یک سؤال استراتژیک مرتبط این است: آیا دیجیتال‌سازی جریان‌های زنجیره تأمین که این فرصت را فراهم می‌آورد شرکت‌های بین‌المللی با کاهش نظارت و نقش دولت‌ها خیلی سریع‌تر، آسان‌تر و مستقیم با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و تعامل داشته باشند، حکمرانی و پایداری تجاری را کاهش نمی‌دهند؟ در پاسخ باید گفت که دیجیتال‌سازی به شرکت‌ها امکان می‌دهد کیفیت و شهرت تأمین‌کنندگان خود را بهتر بسنجند. پلتفرم‌هایی که معاملات زنجیره تأمین را مدیریت می‌کنند، اطلاعات مربوط به اعتبار و عملکرد تأمین‌کنندگان را ذخیره می‌کنند. در نتیجه شرکت‌ها امکان تصمیم‌گیری بهتری خواهند داشت. این پلتفرم‌ها همچنین می‌توانند ورودی‌های موجود در سراسر زنجیره تأمین را ردیابی و پیگیری کنند. در نتیجه زنجیره تأمین‌های مسئولیت‌پذیرتر و پایدارتری را ایجاد می‌کنند. این عوامل به‌خوبی می‌تواند رقابتی‌بودن شرکت‌ها در عصر اقتصاد دیجیتال را نشان دهد.

● سوم، پلتفرم‌ها مستقیما بر کشورها هم تأثیرگذارند و در مواقعی حتی با آنها رقابت می‌کنند. به عنوان مثال، پلتفرم‌هایی که برای برون‌سپاری کارها راه‌اندازی شده‌اند، توانسته‌اند کمک کنند شرکت‌های کشورهایی مانند بنگلادش و فیلیپین درآمد متمرکزتری در کشور خود داشته باشند و در نتیجه مالیات کمتری حاصل از فعالیت‌های خود در آن کشورها پرداخت کنند؛ اما مهم‌تر از همه، پلتفرم‌هایی مانند Alibaba می‌توانند رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط (SME) را حتی در سایر کشورها میسر کنند. آنها اگرچه کوچک هستند؛ اما از طریق پلتفرم‌ها می‌توانند رفتاری بین‌المللی داشته و درآمدزایی کنند. این موضوع قدرت مذاکره‌ای باورنکردنی به پلتفرم‌ها می‌دهد. اهمیت و کارایی و تأثیر پلتفرم‌ها آن‌چنان است که نگرانی‌های ژئوپلیتیکی نیز ایجاد می‌کند. به‌ویژه هنگامی که پلتفرم‌ها توسط دولت کشور خود از نزدیک کنترل می‌شوند. رقابت شدید اقتصادی بین چین و آمریکا را اگر از نزدیک دنبال کرده باشیم، شاهد هستیم که بیشتر این رقابت‌های اقتصادی بر سر پلتفرم‌هایی است که طرفین ساخته‌اند.

انواع اقتصاد پلتفرمی

کسب‌وکارهای مبتنی بر اقتصاد پلتفرمی در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته‌اند. اگرچه همه آنها از الگوی کلی اقتصاد پلتفرمی تبعیت می‌کنند؛ اما لزوما در یک دسته قرار نمی‌گیرند. در واقع کسب‌وکارهای پلتفرمی، هریک سبک و مدل تجاری خاصی را اعمال می‌کنند. تقسیم‌بندی‌های مختلفی برای پلتفرم‌ها وجود دارد که در یکی از آنها، پلتفرم‌ها از لحاظ کارکردشان به دسته‌های زیر تقسیم می‌شوند:

۱. پلتفرم‌های تراکنشی: شرکت‌هایی که شامل بازارچه‌های مجازی یا محلی برای ملاقات افراد به صورت آنلاین می‌شوند، اغلب در دسته پلتفرم‌های تراکنشی قرار می‌گیرند. این پلتفرم‌ها به نحوی منجر به تعامل اقتصادی یا اجتماعی بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان می‌شوند. نمونه‌های این دست از اقتصادهای پلتفرمی شرکت‌های آمازون، فیس‌بوک، دیجی‌کالا و کیباد هستند.

۲. پلتفرم‌های نوآورانه: این شرکت‌ها معمولا ابزار و روابط کاربردی بخصوصی را تحت پلتفرمی خاص در اختیار مخاطب قرار می‌دهند تا از آنها برای مصرف شخصی یا تجاری و حتی تولید پلتفرمی دیگر استفاده شود. مایکروسافت، اوراکل و پادیوت خدماتی در این سبک از پلتفرم ارائه می‌دهند.

۳. پلتفرم‌های ترکیبی: به ترکیب دو مدل تراکنشی و نوآورانه در کسب‌وکار پلتفرمی یک کمپانی می‌گویند که در واقع هم‌زمان تعاملی بین تولیدکننده و مصرف‌کننده برقرار می‌کنند و محتوایی برای ارائه جهت توسعه پلتفرم‌های ثانویه ارائه می‌دهند. گوگل‌پلی (اندروید) و پاداسپیس نمونه‌های پلتفرم ترکیبی هستند. در طبقه‌بندی مدل تجاری، اقتصاد پلتفرمی به چهار دسته کلیدی و مهم دیگر تقسیم‌بندی می‌شود. این دسته‌ها هرکدام سبک تجارت و پیشبرد کسب‌وکارهایی را که به اکوسیستم پلتفرمی روی آورده‌اند، نشان می‌دهد و به شرح زیر است.

۱. مدل پلتفرم انتقالی

(Transitional Platform Model)

ساده‌ترین و کم‌ریسک‌ترین مدل کسب‌وکارهای اقتصاد پلتفرمی سبک انتقالی است. به‌این‌ترتیب که ساختاری بنیادین شکل گرفته و صرفا با ارتباطی مستقیم تعامل بین تولیدکننده و مصرف‌کننده را برقرار می‌کند. در واقع تقاضا را به سمت عرضه انتقال داده و دراین‌بین درصدی به عنوان حق فراهم‌آوری بستر به کسب‌وکار پایه می‌رسد. تیما (Timma) نمونه خارجی و اترز نمونه داخلی این مدل تجاری هستند.

۲. مدل پلتفرم دوسویه

(Two-Sided Platform Model)

در این حالت تولیدکننده و مصرف‌کننده بر بستر کسب‌وکار با یکدیگر مستقیما ارتباط دوطرفه برقرار می‌کنند. در واقع کاربر نسبت به خدماتی که از عرضه‌کننده دریافت می‌کند، مبلغی را مستقیما به طرف مقابل پرداخت کرده و دراین‌بین پلتفرم درصدی را از تولیدکننده دریافت می‌کند. اوبر (Uber) نمونه خارجی و اسنپ نمونه واضح داخلی این مدل اقتصاد پلتفرمی است.

۳. مدل پلتفرم چندسویه

(Multi-Sided Platform Model)

تقریبا مشابه با مدل دوسویه است، با این تفاوت که پلتفرم خدماتش را به صورت رایگان در اختیار تولیدکننده قرار می‌دهد و سپس چنانچه مصرف‌کننده‌ای با تولیدکننده تعامل برقرار کرد، کمیسیونی توسط کسب‌وکار پایه از تراکنش دریافت خواهد شد. اپ‌استور نمونه خارجی و اسنپ‌فود نمونه داخلی این سبک از اقتصاد پلتفرمی هستند.

۴. مدل پلتفرم اشتراکی

(Subscription Platform Model)

مدل اشتراکی یا حق عضویت را می‌توان تکامل‌یافته‌ترین سبک تجارت اقتصاد پلتفرمی دانست. در این شرایط کاربر برای استفاده از پلتفرم بسته به نیازش هزینه اشتراک ماهانه یا سالانه‌ای پرداخت کرده و در سوی دیگر محصولات تولیدکنندگان را مستقیم یا غیرمستقیم خریداری کرده و نشر می‌دهند. در این شرایط بستر مناسب برای تعامل بین عرضه و تقاضا فراهم شده و تجاری‌سازی صورت می‌گیرد. نتفلیکس نمونه خارجی و فیلیمو نمونه داخلی این سبک از اقتصاد پلتفرمی هستند.

پلتفرم‌ها در حال تغییر آینده صنایع مختلف هستند و به گفته کارشناسان به‌زودی شالوده اقتصاد جهانی را شکل خواهند داد. سرزمین هوشمند پاد با ارائه انواعی از پلتفرم‌ها، اکوسیستمی از کسب‌وکارهای دیجیتال را شکل داده که هرکدام به‌نوعی در تأمین نیازهای آینده شهروندان نقش دارند.

آشنایی با علم داده

نگاهی گذرا به علم‌داده (Data Science) و اهمیت آن

مریم ابوالقاسمی
دکترای علم اطلاعات

با پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات، تمامی اتفاقات زندگی ما از تولد تا مرگ به صورت دیجیتالی اندازه‌گیری و ثبت‌وضبط می‌شود. هنگامی که در شبکه‌های اجتماعی مطلبی پست می‌کنیم، وضعیت آب‌وهوایی را بررسی می‌کنیم، چیزی را در گوگل جست‌وجو می‌کنیم یا خرید آنلاین انجام می‌دهیم، اقدامات ما به صورت بسته‌های دیجیتالی ثبت و دسته‌بندی می‌شوند. نه‌تنها داده‌های حاصل از رفتارهای انسانی بلکه اقیانوسی از داده‌های دیگر درباره هر چیزی گردآوری می‌شوند؛ مانند گردآوری دائمی و بدون توقف داده‌هایی از تغییرات اقلیمی، مشخصات زیستی (مانند DNA) موجودات زنده و حتی به‌تازگی داده اشیا. به‌این‌ترتیب حجم داده‌های ذخیره‌شده در پایگاه‌های داده، به‌طور فزاینده و چشمگیری رو به افزایش است و نیاز به سرعت در دسترسی به این داده‌های ذخیره‌شده و استخراج اطلاعات از آنها، اهمیت علم‌داده را بیش از پیش نمایان می‌کند. علم‌داده، در ساده‌ترین تعریف خود، استخراج دانش قابل استفاده از داده‌های خام است.

در این حوزه نسبتا جدید از علم، ابزارهای مختلف، از الگوریتم‌ها گرفته تا اصول یادگیری ماشین و نیز مهارت‌های کسب‌وکار و تحلیل، با هم ترکیب می‌شوند تا الگوهای پنهانی را از داده‌های خام استخراج کنند.

اهمیت علم‌داده در توسعه کسب‌وکارها

درحالی‌که کسب‌وکارها به دنبال این هستند که چگونه با حجم انبوهی از داده‌ها رفتار کرده و آنها را قابل استفاده کنند، علم‌داده به‌عنوان یک مفهوم انقلابی ظهور کرده و به تعبیری جریان بازی را تغییر داده است. علم‌داده به تدریج به یک ضرورت تبدیل شده تا فرصت‌های پنهان در اوضاع پیچیده کسب‌وکار را آشکار کند. اما علم‌داده چگونه در این بازه زمانی کوتاه، به چنین محبوبیت بزرگی دست یافته است؟ پاسخ را باید در سه عامل اصلی جست‌وجو کرد:

۱- پاسخ‌های دقیق: زمانی که استراتژی‌های تجارت به دقت پیش‌بینی شده باشند، بهتر فرموله‌بندی می‌شوند و البته این کار تنها از طریق الگوریتم‌های علم‌داده ممکن می‌شود. امروزه تعداد زیادی از کسب‌وکارها به کاربردهای علم‌داده پی برده‌اند و درصدد پیاده‌سازی این مفهوم برای خدمت‌رسانی هرچه بهتر به مشتریان خود هستند.

۲- توانایی تصمیم‌گیری بهتر: مطابق بررسی انجام‌شده در دانشگاه هاروارد، کسب‌وکارهایی که از داده‌های تحلیل‌شده استفاده کرده‌اند، به اهداف مالی و عملیاتی مطلوب‌تری دست یافته‌اند و سود بیشتری نسبت به رقبای خود کسب کرده‌اند. مزیت اصلی علم‌داده، توانمندسازی و تسهیل در تصمیم‌گیری است و سازمان‌هایی که روی علم‌داده سرمایه‌گذاری می‌کنند، می‌توانند از شواهد قابل سنجش و مبتنی بر داده برای تصمیم‌سازی در کسب‌وکار خود استفاده کنند. به‌کارگیری علم‌داده به کسب‌وکارها کمک می‌کند تا به‌طور مؤثری به سمت اهدافشان حرکت کنند.

۳- پی‌بردن به رفتارهای مهم تجارت: متخصصان علم‌داده، داده‌ها را بررسی و الگوها را کشف می‌کنند و بر اساس آن، پیش‌بینی‌ها را انجام می‌دهند. به‌منظور دستیابی به اهداف سازمانی، علم‌داده با عمیق‌شدن در اطلاعات موجود و استخراج دانش لازم، به سازمان‌ها کمک می‌کند تا بر اساس نیازهای خود، استراتژی‌های مناسب را اتخاذ کنند. اهمیت موضوعات ذکرشده زمانی دوچندان می‌شود که بدانیم علم‌داده ترکیبی از توانمندی انسان و ماشین به یک اندازه است؛ برای برخی وظایف انسان کارایی بیشتری دارد و برای برخی دیگر ماشین. به‌عنوان مثال، در مورد کندوکاوهای فکری و مهارت‌هایی از این دست، انسان بهتر عمل می‌کند؛ اما در مورد خودکارسازی فرایندهای تکراری، عملکرد ماشین مطلوب‌تر است. به همین دلیل شاید بتوان این‌طور تعبیر کرد که علم‌داده یکی از نویدبخش‌ترین و آینده‌دارترین علومی است که متخصصان ماهر به‌طور روزافزون آن را به‌عنوان مسیر آینده شغلی خود برمی‌گزینند. امروزه علم‌داده عمیقا در تمام شئون زندگی ما از تصمیمات کسب‌وکار گرفته تا اتفاقات و رویکردهای جهانی کاربرد دارد. درعین‌حال بسیاری از کسب‌وکارها از حجم عظیم داده‌های در حال تولید در شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی و ارزش بی‌بدیل آن غافل هستند و شکی نیست که اهمیت‌دادن یا غافل‌شدن از این مهم، خود به‌تنهایی می‌تواند عاملی اثرگذار در موفقیت یا شکست کسب‌وکارها در دنیای رقابتی این عصر باشد؛ به‌طوری‌که به تعبیر «ژیاوی هان» (از متخصصان علوم‌داده) می‌توان گفت: «بشر در عصر داده‌ها زندگی می‌کند و با تبدیل این داده‌ها به اطلاعات، می‌تواند آنها را به شمش‌هایی از طلا بدل کند».

اخبار نوآوری

اپل استارتاپ Spaces را خرید

● اپل همچنان به خرید شرکت‌های کوچک در سال ۲۰۲۰ ادامه می‌دهد و در جدیدترین مورد استارتاپ واقعیت مجازی Spaces را تصاحب کرد. Spaces سال ۲۰۱۶ توسط برخی از کارکنان سابق استودیوی «دریم‌ورکس انیمیشن» تأسیس شد و از آن زمان تاکنون به توسعه محصولات واقعیت مجازی مشغول است. اپل سال جاری میلادی هفت شرکت کوچک از جمله استارتاپ واقعیت مجازی NextVR را تصاحب کرد و به نظر می‌رسد عزم خود را برای سرمایه‌گذاری جدی در این فناوری نوظهور جزم کرده است.

دبیر شورای عالی فضای مجازی:

می‌خواهیم گوگل ملی داشته باشیم

● «ابوالحسن فیروزآبادی»، دبیر شورای عالی فضای مجازی در آیین افتتاحیه مرکز داده مادر شبکه ملی اطلاعات، اعلام کرد به دنبال استقلال ایران در فضای مجازی است. او با بیان اینکه نمی‌خواهند به‌اصطلاح چرخ را از نو اختراع کنند، گفت: «به دنبال ساخت دوباره یک گوگل دیگر نیستیم بلکه می‌خواهیم با بومی‌سازی گوگل ملی داشته باشیم. در واقع می‌خواهیم با این جست‌وجوگر بومی سرویس‌هایی که از سمت گوگل روی ما بسته شده را فعال و نیاز کاربران را برطرف کنیم». وی با بیان اینکه استقلال ایران در فضای مجازی موجب امنیت در شبکه‌های اجتماعی خواهد شد، افزود: «ما حداقل به پلتفرمی نیاز داریم که مردم بتوانند از آن برای رفع خدمات عمومی کاربران استفاده کنند. البته اگر یک بخش خصوصی نیرومند داشتیم یا شرایط اقتصادی خوبی داشتیم، بیش از این به قابلیت‌های پیام‌رسان‌هایمان رسیده بودیم».

آزمایش کرونا توسط استارتاپ‌ها قانونی است

● بر اساس تصمیم کمیته تخصصی هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار وزارت اقتصاد، فعالیت استارتاپ‌های حوزه سلامت جهت انجام تست کرونا در منزل بلامانع اعلام شده و این استارتاپ‌ها مجازند با همکاری آزمایشگاه‌های فیزیکی، نقش تسهیل‌گری را در انجام آزمایش‌های کرونا داشته باشند و اقدام به انجام تست کرونا کنند. پیش از این وزارت بهداشت با ابلاغ نامه‌ای به استارتاپ‌های حوزه سلامت، انجام تست کرونا را به‌وسیله این اپلیکیشن‌ها غیرقانونی عنوان کرده بود. اما پس از جلسات متعدد با حضور طرفین، اعضای این هیئت فعالیت استارتاپ‌ها را نقض‌کننده قوانین وزارت بهداشت ندانستند و در نتیجه متوقف‌ساختن فعالیت آن از سوی وزارت بهداشت مبنای قانونی ندارد. همچنین این هیئت اخیرا سازمان نظام پزشکی را مکلف کرد تا فرایند صدور مجوز تبلیغات دارو، مواد خوراکی و بهداشتی در فضای مجازی را تسهیل کند.

Pishkhan.com

معرفی کتاب

کتاب «Triggers» مارشال گلدسمیث با ترجمه فارسی منتشر شد

تبدیل‌شدن به فردی که دوست دارید باشید

● برگردان فارسی نوشته موفق و پرمخاطب «مارشال گلدسمیث» با همراهی «مارک رایتر» به نام «خلق رفتارهای ماندگار» منتشر شد. این کتاب که در سال ۲۰۱۵ میلادی نگارش شده، تغییر رفتار و بهترشدن افراد را هدف قرار داده و محسن وارثی آن را به زبان فارسی ترجمه کرده است. به اعتقاد نگارنده این اثر، چنانچه می‌خواهید رفتارتان را تغییر دهید، بهترین فردی شوید که می‌توانید باشید، بر عادت‌های بدی که اسباب دردسرتان می‌شوند، غلبه کنید و در زندگی کمتر افسوس بخورید، باید این کتاب را بخوانید و نصایح آن را به کار ببندید. چاپ اول کتاب «خلق رفتارهای ماندگار» مارشال گلدسمیث از سوی انتشارات آریاناقلم و در شمارگان ۱۵۰۰ نسخه راهی بازار شده و هم‌اکنون به صورت آنلاین و حضوری از طریق کتاب‌فروشی‌های مطرح کشور قابل خریداری است. خلق رفتارهای ماندگار حاوی بهترین، روشن‌ترین و ماندگارترین توصیه‌هایی است که می‌توان برای به‌کارانداختن تغییر در زندگی دریافت کرد.

خلق رفتارهای ماندگار
مارشال گلدسمیث
مترجم: محسن وارثی
نشر: آریاناقلم

حادثه‌ها

دستگیری سارقان حرفه‌ای در تعقیب‌وگریز پلیسی

● **شرق:** رئیس کلانتری ۱۴۰ باغ فیض از دستگیری دو سارق حرفه‌ای لوازم داخل خودرو در تعقیب‌وگریز پلیسی و کشف ۵۰فقره سرقت خبر داد. سرهنگ رسول بهرامی اظهار کرد: ساعت سه بامداد روز جمعه، تیمی از مأموران کلانتری باغ فیض حین گشت‌زنی در منطقه باغ فیض به یک دستگاه خودروی پژو ۲۰۶ با دو سرنشین مرد مشکوک شدند و آنان را به‌صورت نامحسوس تحت نظر قرار دادند.

او افزود: پس از مدتی، خودروی ۲۰۶ در کنار یک دستگاه خودروی ۲۰۶ پارک‌شده در کنار خیابان متوقف شد و دو جوان سراغ خودرو رفتند و قصد بازکردن درِ آن را داشتند که مأموران وارد عمل شدند.

رئیس کلانتری ۱۴۰ باغ فیض افزود: سارقان ۳۰ و ۳۲ ساله با مشاهده خودروی پلیس سوار بر خودرویشان شدند و با سرعت زیادی از محل گریختند که مأموران بلافاصله عملیات مهار سارقان را آغاز کردند.

کلانتر محله باغ فیض با بیان اینکه پس از یک تعقیب‌وگریز طولانی، سارقان از اتوبان همت وارد اتوبان آزادگان جنوب شدند، گفت: سارقان در مسیر تعدادی لوازم داخلی خودرو را از خودرویشان به بیرون پرتاب کردند که درنهایت در نزدیکی شهرک استقلال خودروی متهمان متوقف شد و هر دو سارق جوان دستگیر شدند. او ادامه داد: در بررسی از خودروی متهمان، ۱۰ قلم لوازم داخل خودروی سرقتی به دست آمد و آنان با اعتراف به سرقتی‌بودن اموال کشف‌شده، به کلانتری ۱۴۰ باغ‌فیض انتقال یافتند.

بهرامی با اشاره به اینکه در بررسی سوابق متهمان مشخص شد سارقان چهار سابقه کیفری از قبیل زورگیری، موبایل‌قاپی، سرقت خودرو و لوازم داخلی آن را دارند، گفت: متهمان در کلانتری به ۵۰ فقره سرقت لوازم داخل خودرو در منطقه باغ فیض و پونک با همکاری یکدیگر اعتراف کردند.

انتقام‌گیری اینستاگرامی از مادرشوهر

● زنی که درپی اختلاف خانوادگی موجب هتک حیثیت و بدنامی مادرشوهر خود شده بود، شناسایی و دستگیر شد.

سرهنگ اکبر نصرتی، رئیس پلیس فتای استان آذربایجان غربی گفت: درپی شکایت فردی مبنی‌بر اینکه فرد یا افرادی ناشناس با به‌دست‌آوردن اکانت اینستاگرامی و بارگزاری مطالب کذب و توهین‌آمیز، موجب بدنامی و هتک حیثیت او در محل کار و خانواده شده‌اند، موضوع در دست بررسی قرار گرفت.

او ادامه داد: در بررسی‌های فنی، مشخص شد متهم یا متهمان با دسترسی به اکانت شبکه اجتماعی اینستاگرام شاکی، با ایجاد تغییراتی، کنترل کامل اکانت را به دست گرفته و مطالبی را علیه او بارگزاری کرده‌اند. این مقام مسئول افزود: در اقدامات پلیسی انجام‌شده، ضمن شناسایی فرد مدنظر مشخص شد متهم، عروس خانواده بوده و با توجه به اختلافات خانوادگی به‌وجودآمده با هدف انتقام‌جویی و آبروریزی دست به چنین اقدامی زده است.

قصاص برای عامل قتل در عروسی

شرق: پسری که در جشن عروسی عمه‌اش جوانی را به قتل رسانده بود، در دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفت و از اولیای‌دم درخواست بخشش کرد. به گزارش خبرنگار ما، مأموران پلیس استان تهران سال ۹۷ در جریان درگیری خونینی در یک عروسی قرار گرفتند. آنها متوجه شدند جوانی مجروح به بیمارستان منتقل شده و فردی به نام شاهین که به عنوان ضارب معرفی شده، فرار کرده است. مأموران سایر کسانی را که در درگیری حضور داشتند، دستگیر کردند. ساعاتی بعد به پلیس خبر رسید جوان مجروح جانش را از دست داده است. به این ترتیب، مأموران تحقیقات گسترده‌ای را برای بازداشت شاهین که متواری شده بود، آغاز کردند. آنها متوجه شدند این جوان در کرج مخفی شده است. با شناسایی مخفیگاه پسر جوان او بازداشت شد و بدون هیچ مقاومتی قبول کرد که ضارب بوده و مرتکب قتل شده است. متهم گفت: من اتهام را قبول دارم، اما از روی عمد نزدم. سپس متهمان دیگر که در این درگیری شرکت داشتند مورد بازجویی قرار گرفتند. آنها گفتند نمی‌دانستند این درگیری به چه دلیلی رخ داده است و به طرفداری از طرفین درگیری وارد ماجرا شدند. با صدور کیفرخواست برای همه متهمان، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۷ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. در ابتدای جلسه رسیدگی کیفرخواست علیه متهم خوانده شد و سپس اولیای‌دم در جایگاه قرار گرفتند. آنها خواستار صدور حکم قصاص برای متهم اصلی شدند و از سوی فرزند خردسال مقتول نیز درخواست قصاص کردند و گفتند سهم صغیر را هم خواهند پرداخت. مادر مقتول گفت: من هم مثل هر مادر دیگری فرزندم را با سختی بزرگ کردم. پسرم اهل دعوا و درگیری نبود. اگر اهل درگیری بود حالا او به جای متهم اینجا ایستاده بود. او بچه داشت و به زن و بچه‌اش فکر می‌کرد و دنبال نان برای آنها بود. من نمی‌توانم از مرگ پسر جوانم چشم‌پوشی

کنم و درخواست بخشش متهم را قبول نمی‌کنم. در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت؛ او گفت: من اتهام قتل عمدی را قبول ندارم، اما قبول دارم که متهم با چاقوی من جانش را از دست داد. او گفت: روز حادثه عروسی عمه‌ام بود و همه ما شاد بودیم تا اینکه فرهاد آمد. ما مدت‌ها بود با هم اختلاف حساب داشتیم. چندباری به خاطر اختلاف حسابی که داشتیم با هم درگیر شده بودیم. تا اینکه شب عروسی وقتی فرهاد وارد مجلس شد، من خیلی عصبانی شدم. خودم را صاحب مجلس عروسی می‌دانستم و به همین دلیل هم ناراحت بودم که چرا او آمده است. از او خواستم مجلس را ترک کند، اما گفت این کار را نمی‌کند. گفت موضوع دعوتش به من ربطی ندارد. این موضوع باعث دعوا بین ما شد. فرهاد به سمت من حمله کرد و یک ضربه زد و پیشانی‌ام شکافت. دوستم به نام بابک من را به درمانگاه برد، سرم را پانسمان کردم و برگشتم. فرهاد دوباره به سمت من حمله کرد و چنان یورش آورد که کسی نتوانست جلوی او را بگیرد. او دوباره من را زد و سرم را به دیوار کوبید. این کارش خیلی مرا ناراحت کرد ضمن اینکه ترسیده بودم و از ترسم چاقو کشیدم تا او دعوا را تمام کند و دیگر به من حمله نکند اما او دوباره حمله کرد و چاقو ناخواسته وارد بدنش شد. متهم در ادامه گفت: وقتی دیدم خون از بدن فرهاد جاری شد، خیلی ترسیدم و از ترس فرار کردم. من آدم‌کش نیستم و به خاطر اتفاقی که افتاده است خیلی پشیمانم. هرچند فرار کردم، اما فرارم برای این نبود که می‌خواستم مسئولیت کارم را قبول نکنم. من از ترس فرار کردم. سپس متهمان دیگر یک به یک در جایگاه قرار گرفتند و گفتند فکر نمی‌کردند نزاع منجر به قتل شود و قصد داشتند مقتول و متهم را از هم جدا کنند. در ادامه وکیل متهم ردیف اول در جایگاه قرار گرفت و دفاعیات خود را مطرح کرد. سپس متهم ردیف اول یک‌بار دیگر در جایگاه قرار گرفت و خواستار بخشش اولیای‌دم شد و گفت از کاری که کرده، به‌شدت پشیمان است. او گفت: فرهاد جوان بود؛ او ۲۱ساله بود و من هم تقریبا هم‌سن فرهاد هستم. درخواست دارم من را ببخشند و در حقم بزرگواری کنند و گذشت کنند. من اشتباه بزرگی کردم هرچقدر فرهاد من را کتک زد، من نباید حرفی می‌زدم و از اولیای‌دم درخواست بخشش دارم. سپس قضات برای تصمیم‌گیری در این خصوص وارد شور شدند. آنها شاهین را به اتهام قتل عمدی به قصاص، به جرم شرب خمر به شلاق و به خاطر قدرت‌نمایی با سلاح سرد به سه سال حبس محکوم کردند. همچنین متهمان دیگر پرونده نیز به اتهام شرکت در نزاع دسته‌جمعی به یک سال حبس محکوم شدند. یکی از متهمان که پسر نوجوانی بود هم ازسوی قضات به یک سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت نوجوانان محکوم شد. رأی صادره غیرقطعی است و متهمان می‌توانند در مدت ۲۰ روز درخواست تجدیدنظرخواهی کنند تا در دیوان عالی کشور مورد بررسی قرار گیرد.

۲ زورگیر سابقه‌دار در تله پلیس

شرق: متهمان دو پرونده زورگیری از شهروندان، در جریان تحقیقات پلیسی دستگیر شدند و به جرم خود اعتراف کردند. به گزارش خبرنگار ما در اولین پرونده شخصی که برای گرفتن زهرچشم از شاکی از او زورگیری کرده بود، بازداشت شد.

ساعت ۲۲:۳۰ دقیقه روز نهم فروردین‌ماه شخصی ۲۹ساله تبعه کشور افغانستان ضمن تماس با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ و مراجعه به گشت کلانتری ۱۳۲ نبرد گفت: در خیابان در حال گذر بودم که ناگهان مردی قوی‌هیکل درحالی‌که سلاح سردی در دست داشت، جلوی من را گرفت و پس از مصدوم کردنم مبلغ پنج‌میلیون تومان پول نقد مرا سرقت کرد و متواری شد.

این پرونده با دستور مقام قضائی برای رسیدگی تخصصی به پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران ارجاع شد و کارآگاهان برای بررسی موضوع به محل جرم رفتند و موفق شدند تصویری از سارق را به دست بیاورند. کارآگاهان ازطریق تصویر به‌دست‌آمده از سارق و دیگر سرنخ‌های موجود موفق شدند هویت سارق را شناسایی کنند. این متهم به‌نام هادی که سه فقره سابقه کیفری در خصوص نزاع و درگیری و مواد مخدر نیز داشت، با هماهنگی قضائی تحت تعقیب کارآگاهان قرار گرفت و مخفیگاه او در بلوار ابوذر شناسایی و در عملیاتی پلیسی دستگیر شد.

متهم بعد از انتقال به پلیس آگاهی به جرمش اعتراف کرد و گفت : در یک قصابی کار می‌کردم و مدتی بود که شاکی مشتری‌هایم را به من بدبین کرده و گفته بود گوشت یخی به آنها می‌فروشم. من تصمیم گرفتم به او درس عبرت بدهم که ضمن مجروح‌کردن او مبلغی پول نقد را که همراهش بود، سرقت کردم. سرهنگ کارآگاه علی کنجوریان، رئیس پایگاه ششم پلیس آگاهی پایتخت درباره این پرونده گفت: با اعتراف صریح هادی به جرمش پرونده به بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تهران ارسال و متهم با صدور قرار مجرمیت روانه زندان شد. در همین حال زورگیر حرفه‌ای که با مصدوم‌کردن مردی طلاجات همسرش را سرقت کرده بود، دستگیر شد. چهاردهم اردیبهشت‌ماه پرونده‌ای با موضوع زورگیری و سرقت در کلانتری ۱۴۴ جوادیه تهرانپارس تشکیل و به دستور مقام قضائی پرونده برای رسیدگی تخصصی به پلیس آگاهی ارجاع شد.

شاکی در تحقیقات اولیه اظهار کرد: ساعت ۱۶ روز حادثه همراه همسرم از خیابان جشنواره در حال عبور بودیم و من چند قدمی از همسرم جلوتر بودم که فردی به او حمله‌ور شد و قصد زورگیری از او را داشت. با دیدن این صحنه با سارق درگیر شدم و براثر اصابت ضربه سلاح سرد سارق از ناحیه دست مجروح شدم و سارق از این فرصت استفاده کرد و گردنبند طلای همسرم و کیف پول حاوی مبلغی وجه نقد را ربود و متواری شد.

کارآگاهان در ادامه پی‌جویی‌ها با بررسی میدانی و پایش محدوده وقوع جرم موفق به شناسایی هویت سارق به نام داریوش شدند. در بررسی‌های پلیسی مشخص شد داریوش سابقه‌دار است و پیش‌تر به جرم شرارت، سرقت و مواد مخدر دستگیر شده و اکنون پس از سرقت، متواری و در مخفیگاهش پنهان شده است. با شناسایی مخفیگاه سارق در محله خاک‌سفید نتیجه تحقیقات انجام‌شده به مرجع قضائی اطلاع داده و متهم با هماهنگی‌های قضائی دستگیر شد. داریوش پس از انتقال به پلیس آگاهی گفت: سرقت را قبول دارم. برق طلای مال‌باخته چشم من را کور کرد و در یک لحظه به قصد سرقت به سمتش حمله‌ور شدم و پس از سرقت با فروش گردنبند مواد مخدر تهیه کردم. سرهنگ کارآگاه مسعود برجی، سرپرست پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران گفت: با اعتراف صریح داریوش به جرم سرقت پرونده به بازپرسی دادسرای ناحیه۳۴ تهران ارسال و متهم با صدور قرار مجرمیت روانه زندان شد.

تحقیقات از ۲ زن به اتهام قتل فرزندان

شرق: دو زن جوان که متهم‌اند در وقایعی جداگانه فرزندان خود را به قتل رسانده‌اند، در زندان به‌سر می‌برند و تحقیقات قضائی از آنها در جریان است. اولین پرونده زمانی به جریان افتاد که کارآگاهان جنایی استان فارس در جریان مرگ مرموز دختری جوان در خانه‌اش قرار گرفتند. آنها بررسی‌های خود را شروع کردند و در همان ابتدا متوجه شدند این دختر خفه شده و به قتل رسیده است. تحقیقات مقدماتی حکایت از آن داشت که هیچ فرد غریبه‌ای وارد این خانه نشده و سرقتی نیز صورت نگرفته است. کارآگاهان وقتی اطمینان یافتند زمان حادثه مقتول با مادرش تنها بوده به زن جوان ظنین شدند و او را بازداشت کردند. این زن ابتدا گفت در مرگ دخترش بی‌تقصیر است، اما وقتی در برابر پرسش‌های متعدد قرار گرفت دچار تناقض‌گویی شد و درنهایت ارتکاب جنایت را پذیرفت. متهم گفت: رفتار دخترم از مدتی قبل تغییر کرده بود. کارهایی می‌کرد که اصلا پسندیده نبود. دراین‌باره با شوهرم صحبت کردم. او نیز با من هم‌نظر بود و قرار شد دخترمان را بیشتر زیر نظر داشته باشیم و درخصوص رفتارهای او دقت کنیم اما این کار ما هیچ فایده‌ای نداشت و با اینکه چندین بار تذکر دادم اما دخترم همچنان به کارهای نادرست خود ادامه می‌داد؛ به‌گونه‌ای که رفتارش باعث آبروریزی بود و باعث می‌شد نزد اقوام سرافکنده شویم. متهم به قتل در ادامه اعترافاتش توضیح داد: کشمکش‌ها میان من و دخترم ادامه داشت تا اینکه روز حادثه باز هم بر سر همین مسائل با هم جر و بحث کردیم و من که به‌شدت عصبانی شده بودم شالی را دور گردنش پیچیدم و فشار دادم. بعد از چند لحظه دخترم نقش بر زمین شد و تازه فهمیدم چه‌کار کرده‌ام. متهم بعد از اعتراف به جرمش روانه زندان شد و پرونده او با صدور کیفرخواست در اختیار قضات دادگاه کیفری استان فارس قرار گرفته است تا جلسه محاکمه به‌زودی برگزار شود. در دومین پرونده زنی جوان که به بیماری روانی مبتلاست، در استان خراسان رضوی دختر خردسالش را به قتل رساند. این زن ۲۹ساله وقتی تحت بازجویی قرار گرفت، گفت: مدتی بود مشکلات روحی و روانی داشتم. من نمی‌خواستم دخترم را به قتل برسانم اما زمان حادثه کارهایم دست خودم نبود. این زن ادامه داد: من دانشجو هستم و ترم تابستانی برداشته بودم اما غیرحضوری‌بودن کلاس‌ها، سنگینی درس و فشار امتحانات باعث شده بود تحت فشار قرار بگیرم و افسرده شوم. در این میان مادربزرگم نیز فوت شد و حال روحی‌ام را خراب‌تر کرد. طوری که به پزشک مراجعه کردم و دکتر برایم دارو نوشت، اما داروها را نمی‌خوردم و از طرفی حالم روزبه‌روز بدتر می‌شد. صداهایی به من می‌گفت باید دخترم را بکشم. درنهایت نیز او را خفه کردم اما زمان حادثه کارهایم دست خودم نبود و حتی بعد از قتل مرا به‌زور و دست‌بسته از خانه بیرون بردند و به بیمارستان منتقل کردند. من از کاری که کرده‌ام پشیمان هستم.

این زن اکنون در مرکز بیماران روانی بستری است و تحقیقات از او همچنان ادامه دارد تا جزئیات کامل این جنایت فاش شود.

رخداد

نجات ۹ نفر از میان دود و آتش ساختمان چهار طبقه

● آتش‌گرفتن موتورسیکلت در ورودی ساختمان چهارطبقه مسکونی، ساکنان آن را وحشت‌زده کرد و آنان را در میان دود ناشی از این آتش‌سوزی به دام انداخت. در ساعت ۱۱:۱۵ صبح دیروز ستاد فرماندهی سازمان آتش‌نشانی تهران پس از دریافت خبر آتش‌سوزی در یک ساختمان مسکونی و همچنین محبوس‌شدن افراد داخل آن، بلافاصله آتش‌نشانان را به خیابان هفده شهریور جنوبی، کوچه کامل رهسپار کرد. به گفته حسن مهرورز، افسر آماده منطقه ۸ عملیات آتش‌نشانی تهران، یکی از ساکنان بدون توجه به موازین ایمنی مشغول کشیدن بنزین از یک دستگاه موتورسیکلت پارک‌شده در زیر پله ورودی ساختمان چهارطبقه مسکونی بود که ناگهان با رسیدن شعله‌های آتش از کارتن مشتعل به بخارات بنزین، این موتورسیکلت و همچنین کارتن‌های تخم‌مرغ موجود در زیر پله دچار آتش‌سوزی شدند. او اضافه کرد: با توجه به اظهارات شاهدان در محل حادثه، مشخص شد ۹نفر، شامل چهار مرد، سه زن و دو کودک چهارماهه و یک‌ساله، در ساختمان گرفتار شده و در معرض دودگرفتگی قرار دارند. این افسر آماده آتش‌نشانی تصریح کرد: آتش‌نشانان راه ورودی به ساختمان را باز کردند و وارد طبقات شدند. مهرورز در ادامه گفت: آتش‌نشانان در کمترین زمان ممکن موفق شدند افراد گرفتار را به ساختمان‌های مجاور رسانده و سپس این ۹ نفر را از طریق پشت‌بام به محل امن و خارج از ساختمان منتقل کنند.

مرگ ۲ قاچاقچی در درگیری با پلیس

● دو قاچاقچی در جریان انهدام باند بزرگ قاچاق مواد مخدر در منطقه مرزی سراوان کشته شدند و بیش از یک تن انواع مواد مخدر کشف شد. سردار احمدعلی گودرزی، فرمانده مرزبانی نیروی انتظامی اظهار کرد: با انجام اقدامات گسترده اطلاعاتی، مرزبانان استان سیستان‌وبلوچستان از فعالیت یک باند بزرگ قاچاق مواد مخدر در منطقه مرزی مک‌سوخته شهرستان سراوان مطلع شدند. او گفت: مرزبانان با اجرای عملیاتی برنامه‌ریزی‌شده و هدفمند، موفق شدند این باند حرفه‌ای قاچاق را منهدم کرده و بیش از یک تن و ۲۰۰ کیلوگرم انواع مواد مخدر را کشف کنند. او افزود: بعد از چند شبانه‌روز کار اطلاعاتی و شناسایی محل تردد احتمالی قاچاقچیان، مرزبانان هنگ مرزی سراوان با هدایت عملیاتی و پشتیبانی اطلاعاتی مرزبانی استان سیستان‌وبلوچستان، نسبت به کنترل و انسداد مسیرهای تردد آنها اقدام کردند و با انجام عملیاتی هدفمند و سریع، موفق به زمین‌گیرکردن قاچاقچیان شدند. فرمانده مرزبانی نیروی انتظامی تصریح کرد: قاچاقچیان که قصد داشتند به‌وسیله دو دستگاه خودرو محموله مواد افیونی را به عمق کشور انتقال دهند، هنگامی که در کمین مرزداران گرفتار شدند، اقدام به تیراندازی به سمت مأموران کردند. سردار گودرزی ادامه داد: مرزبانان پس از ساعتی درگیری سنگین با سوداگران مرگ، موفق شدند ضمن به‌هلاکت‌رساندن دو نفر از قاچاقچیان، دستگیری دو نفر دیگر از این عناصر پلید و توقیف دو دستگاه خودرو، یک‌تن‌و۲۷۳کیلوو ۶۰۰ گرم انواع مواد مخدر شامل یک‌تن‌و۲۲۲کیلوو ۴۰۰ گرم تریاک و ۵۱کیلوو ۲۰۰ گرم حشیش را کشف کنند.

پیشخوان Pishkhan.com

جدول ۳۷۶۴ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- رمانی از جان اشتاین بک آمریکایی- منقار کوتاه ۲- فرایند- پروتئین گیاهی- صندلی چند نفره ۳- درخت زبان گنجشک- شرح‌دهنده- نقاش اسپانیایی سبک کوبیسم در قرن بیستم ۴- قتلگاه- تیری که با کمان اندازند- آوای حزین ۵- بحرانی- کبوتر دشتی- اقیانوس کبیر ۶- از بحور شعر فارسی- از غذاهای محلی شمال خراسان- خضاب ۷- از زبان‌های زنده دنیا- پهلوان افسانه‌ای آذری- بر زبان آوردن ۸- حرف فاصله- برودت- اهل فضل- دریا ۹- علم شعبده- لقب امام محمدتقی(ع)- تهیدست و بی‌چیز ۱۰- برف آذری- پول‌پرست- نوعی میمون دم‌دار ۱۱- خوک وحشی- ماقبل پیشین- قوم حضرت هود(ع) ۱۲- متقارب- شماره- خط تلفن ۱۳- ناهمخوانی- همدم- رایحه ۱۴- ملال‌آور- معروف- امر فقهی که ترک و انجام آن مساوی است ۱۵- دل آزار کهنه- نقاش ایرانی که به نقاش گل‌ها مشهور بود.

عمودی:

۱- انبار اجناس و غلات- دختر کوچک امام حسین(ع)- نیمی از دنیا! ۲- هدیه چهره‌گشایی عروس- لازم و ضروری- آکنده و سرشار ۳- ساز استاد حسن ناهید- پاک و منزه- مجموعه شعری سروده سهراب سپهری ۴- زیر پای مادران است- جریان متناوب برق- کتابی ارزشمند تألیف شیخ مرتضی انصاری ۵- همدم- مجموعه شعری از زنده یاد مهرداد اوستا- نهایت ۶- پس‌غذا- گروه انسان‌ها- شهری در لرستان ۷- از حواریون مسیح(ع)- بزرگوار- کالا ۸- ام‌الخبائث- فرمانده- حالتی مخصوص زن باردار- بیماری ریوی ۹- کلاه مردانه قدیمی- جانشینان- شرکتی که سرمایه آن متعلق به چند نفر است ۱۰- اولین رقم از سمت راست عدد- رسوم- سلاح دفاعی زنبور ۱۱- میدانی در تهران- پایتخت عربستان- کوچک و جمع‌وجور ۱۲- طبیعت- تاریکی- گندمگون ۱۳-سهل‌انگاری- غیر اصلی- حرف همراهی ۱۴- خودداری از پرداخت پول حواله- بهره‌مند و کامیاب- شریک ۱۵- نوعی بالاپوش- رشته کوه مهم شمال خراسان- پیام آسمانی.

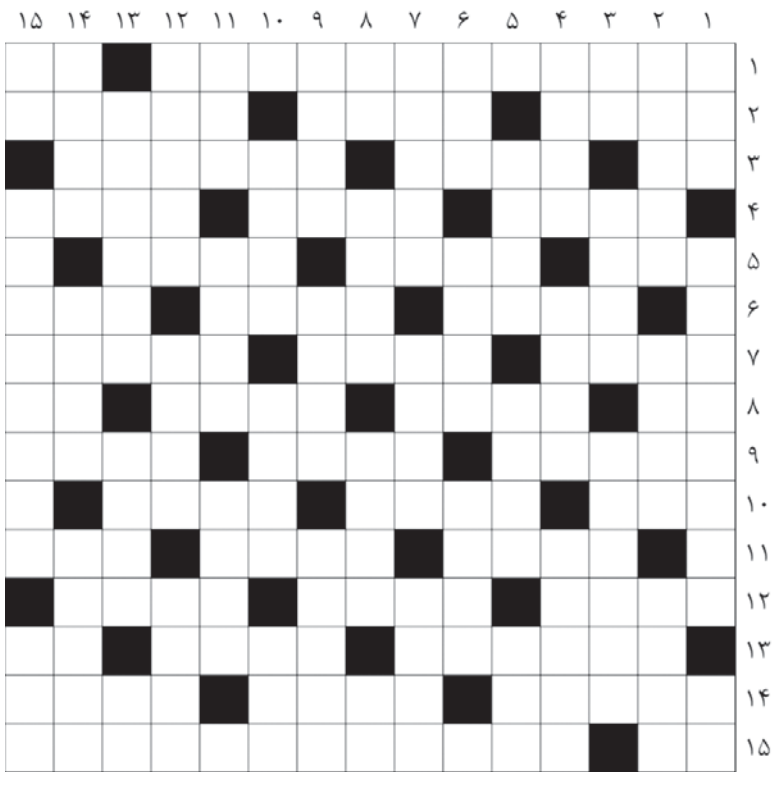

حل سودوکو سخت

۵	۶	۱	۷	۳	۹	۸	۴	۲
۴	۷	۲	۵	۸	۶	۹	۳	۱
۹	۳	۸	۱	۲	۴	۷	۵	۶
۱	۴	۳	۶	۵	۸	۲	۷	۹
۷	۲	۵	۴	۹	۱	۳	۶	۸
۶	۸	۹	۳	۷	۲	۵	۱	۴
۳	۹	۴	۸	۱	۵	۶	۲	۷
۸	۵	۶	۲	۴	۷	۱	۹	۳
۲	۱	۷	۹	۶	۳	۴	۸	۵

حل سودوکو ۲۷۵۹

۵	۴	۷	۱	۳	۲	۹	۶	۸
۸	۳	۶	۹	۵	۷	۲	۱	۴
۹	۲	۱	۴	۸	۶	۷	۵	۳
۱	۷	۸	۲	۶	۴	۵	۳	۹
۴	۶	۳	۵	۹	۱	۸	۲	۷
۲	۵	۹	۳	۷	۸	۱	۴	۶
۶	۹	۵	۷	۱	۳	۴	۸	۲
۳	۱	۲	۸	۴	۹	۶	۷	۵
۷	۸	۴	۶	۲	۵	۳	۹	۱

جدول ۳۷۶۳

سودوکو سخت ۲۷۶۰

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۷	۳				۵			۲
	۶			۳		۴		
۹			۶		۱	۵		
					۳			
۱		۳				۲		۷
			۸					
		۶	۱		۷			۵
		۷		۹			۱	
۵			۳				۶	۹

سودوکو ساده ۲۷۶۰

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

			۴				۸	۱
۸	۱			۹			۷	
	۴			۷	۸			
۲	۵					۹		
۴		۱		۲		۶		۸
		۸					۱	۲
			۲	۵			۳	
	۳			۸			۹	۴
۷	۸				۱			

لیگ قهرمانان آسیا

بررسی عملکرد ۴ تیم ایرانی در آسیا

● در بین چهار نماینده ایران در لیگ قهرمانان آسیا شاگردان یحیی گل‌محمدی با دو پیروزی به صدر جدول رسیدند، اما تیم مشهدی با مهدی رحمتی در آستانه ثبت یک رکورد کم‌سابقه است. به گزارش مهر، دور چهارم از مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا به پایان رسید و در آستانه روز پنجم مسابقات، پرسپولیس با هفت امتیاز بهترین و شهرخودرو بدون امتیاز ضعیف‌ترین عملکرد را داشته‌اند. سرخ‌پوشان تهران با دو پیروزی، یک مساوی و یک شکست و کسب هفت امتیاز نه‌تنها در صدر جدول رده‌بندی گروه سوم مسابقات قرار دارد بلکه بیشترین امتیاز را در بین تیم‌های ایرانی کسب کرده و بهترین عملکرد را دارد. پس از پرسپولیس، سپاهان با سه امتیاز از چهار بازی در رده بعدی قرار دارد. نماینده اصفهانی ایران در لیگ آسیا با یک پیروزی، سه شکست و کسب سه امتیاز دومین تیم برتر ایرانی در لیگ قهرمانان است و آبی‌پوشان تهران با دو بازی کمتر از دیگر تیم‌های ایرانی و کسب یک امتیاز، سومین تیم ایرانی هستند. شهرخودروی مشهد نیز بدون کسب امتیاز و بدون زدن گل، ضعیف‌ترین عملکرد را در بین تیم ایرانی داشته است. آنها تنها تیم در غرب آسیا هستند که هنوز امتیازی کسب نکرده و گلی به ثمر نرسانده‌اند. سپاهان و پرسپولیس هرکدام با چهار گل زده بهترین خط حمله را در بین تیم‌های ایرانی در اختیار داشته و شهرخودرو بدون گل زده ضعیف‌ترین خط حمله را دارد. شهرخودرو و سپاهان هرکدام با هفت گل خورده ضعیف‌ترین عملکرد دفاعی را در این چهار بازی به نمایش گذاشته‌اند. مورد عجیب در این میان، تفاضل گل تیم‌های ایرانی است که در بین چهار تیم، تفاضل گل هیچ‌کدام از آنها مثبت نیست. پرسپولیس با تفاضل گل صفر بهترین تفاضل را دارد، استقلال با ۱-، سپاهان ۳- و شهرخودرو ۷- در رده‌های بعدی هستند. شهرخودرو که با مهدی رحمتی در این مسابقات شرکت کرده است، در آستانه ثبت یک رکورد کم‌سابقه است. این تیم بدون برد و مساوی و گل زده و بدون امتیاز در قعر جدول است و حذف خودش را قطعی کرده است!

استقلال – الشرطه ۲۲:۳۰

شهرخودرو – الهلال عربستان ۱۹:۳۰

حضور دوباره خلیل‌زاده در تیم منتخب هفته لیگ قهرمانان آسیا

● با پایان دیدارهای هفته چهارم مسابقات لیگ قهرمانان آسیا در منطقه غرب قاره کهن، کارشناسان سایت رسمی کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) تیم منتخب این هفته را اعلام کردند و شجاع خلیل‌زاده، مدافع پرسپولیس ایران در این تیم قرار گرفت. نام خلیل‌زاده هفته گذشته و پس از گل سه‌امتیازی او به التعاون عربستان هم در تیم منتخب هفته لیگ قهرمانان آسیا دیده می‌شد. براد جونز از النصر عربستان، حسن کادش از التعاون عربستان، امیر کردی از الهلال عربستان، خالد باوزیر از الشارجه امارات، مازن فیاض و سعد ناطق از الشرطه عراق، سانتی کاسورلا، اکرم عفیف و بغداد بونجاح از السد قطر و معز علی از الدحیل قطر، سایر بازیکنان تیم منتخب هفته چهارم لیگ قهرمانان آسیا هستند.

خارپاشنه‌ای به ارزش ۳۰۰ میلیون تومان

شرق: هزینه‌های سفر احسان حدادی به آلمان تأمین شد. رکورددار پرتاب دیسک آسیا بعد از ماه‌ها کشمکش با مسئولان ورزش کشور، بالاخره توانست نظر مثبت آنها را برای درمان پای آسیب‌دیده‌اش در اروپا جلب کند. فدراسیون پزشکی ورزشی که مسئولیت رسیدگی به آسیب و درمان ورزشکاران ملی‌پوش را بر عهده دارد، پذیرفته بخش بیشتری از هزینه‌های عمل او را در آلمان می‌پردازد. ماجرای جنجالی عمل جراحی خارپاشنه حدادی از آنجایی شروع شد که فدراسیون دوومیدانی نتوانست از عهده خرج و مخارج آن در آلمان برآید. با توجه به این موضوع حدادی دست به دامان کمیته ملی المپیک شد و از رضا صالحی‌امیری، رئیس این کمیته درخواست کرد به‌عنوان یکی از المپین‌های ایران در بازی‌های المپیک توکیو، مخارج درمانش را تقبل کنند.

در ابتدا صالحی‌امیری با درخواست حدادی موافقت کرد؛ اما بعد از اینکه در رسانه‌ها این موج به راه افتاد که چه دلیلی دارد برای انجام یک عمل ساده که هزینه‌اش در داخل پنج میلیون هم نمی‌شود، با دلار بالای ۲۰هزارتومان، کمیته ملی المپیک متحمل این هزینه گزاف شود و یکباره اعلام شد که خواسته نایب‌قهرمان المپیک ۲۰۱۲ لندن اجابت نشده است. اعضای هیئت اجرائی کمیته ملی المپیک به‌صراحت اعلام کردند نمی‌توانند در این وضع و اوضاع بد اقتصادی، ارز را برای حدادی از کشور خارج کنند! البته یک‌سری گوشه‌وکنایه‌ها هم خطاب به احسان از هیئت اجرائی بیرون آمد که نشان دهد حرف‌وحدیث‌هایی که ورد زبان خانواده دوومیدانی است و در رسانه‌ها هم مطرح می‌شود، در تصمیم‌گیری آنها بی‌تأثیر نبوده است؛ اینکه گفته می‌شود حدادی نقش یک توریست را در دوومیدانی دارد، هر زمان که بخواهد، به بهانه اردو و مسابقه، اروپا، آفریقا و آمریکا را دور می‌زند؛ حالا هم چون مدتی است از کشور بیرون نرفته، به خاطر عمل خارپاشنه‌اش می‌خواهد سفر برود.

اما دلیلی که باعث شد تا تک‌ستاره دوومیدانی ایران برای انجام عمل جراحی خارپاشنه پایش در آلمان اصرار داشته باشد، ضمانتی است که پزشک آلمانی به او داده است. موضوعی که از نظر خیلی‌ها باورنکردنی به نظر می‌رسد. حدادی پیش از این گفته بود تنها به این شرط حاضر است در ایران پایش را جراحی کند که پزشکان داخلی به او کتبا ضمانت بدهند، اما هیچ پزشکی به او ضمانت نداده است. پای چپ احسان بعد از المپیک ۲۰۱۶ ریو هم با این ضایعه مواجه شده بود که آن را در آلمان جراحی کرد. حالا این ضایعه در پاشنه پای راست او به وجود آمده است. دارنده مدال برنز مسابقات قهرمانی ۲۰۱۱ جهان چون از نتیجه عمل قبلی خود در اروپا رضایت دارد، این‌بار هم دلش می‌خواهد در یکی از کلینیک‌های پیشرفته آلمان جراحی کند. حالا در این شرایط فدراسیون پزشکی ورزشی قبول کرده که با وجود شرایط بحرانی ارز در کشور تمام مخارج خارپاشنه حدادی را بدهد؛ چراکه معتقدند احسان یکی از شانس‌های مدال‌آوری ایران در المپیک توکیو است.طبق ادعای محمداسد مسجدی، رئیس این فدراسیون، هزینه جراحی حدادی در آلمان، ۸ تا ۹ هزار یورو برآورد شده که با نرخ فعلی یورو که در بازار آزاد ۳۱ هزار و ۵۰۰ تومان است، مبلغی نزدیک به۳۰۰ میلیون تومان می‌شود! مسجدی دیروز در واکنش به تقبل‌کردن هزینه سنگین جراحی حدادی در آلمان گفت: «حدادی بابت خارپاشنه خود اذیت می‌شود و می‌خواهد از فرصت کرونا که باعث لغو تمام فعالیت‌ها شده، برای جراحی و بهبود خود استفاده کند. این مسئله در کمیسیون درمان فدراسیون پزشکی ورزشی مطرح شد و مورد بررسی چندباره قرار گرفت. ظاهرا این دوومیدانی‌کار تاکنون تمام کارهای درمانی خود را در آلمان و زیر نظر یک پزشک واحد انجام داده و بابت تمام اقدامات این پزشک هم رضایت کامل دارد. به همین دلیل پیشنهادش برای جراحی خارپاشنه سفر به آلمان است؛ درعین‌حال اصراری هم برای اعزام به این کشور ندارد. درست این است که قهرمانان خودشان براساس شرایط و شناختی که دارند، پزشک معتمد خود را انتخاب کنند. تاکید پزشکانی که با آنها صحبت می‌کردیم هم همین مسئله بود. خود احسان اصلا تصور نمی‌کرد که ما به این سادگی با درخواست او موافقت کنیم. این کار را هم انجام دادیم؛ چراکه احسان حدادی جزء المپین‌هاست و ما تکلیفی نسبت به این دسته از ورزشکاران داریم که باید انجام شود». مسئولان ورزش در حالی با اعزام حدادی به آلمان موافقت کرده‌اند که او حالا بیشتر از قبل مورد نقد مخالفانش که بعضا اهالی دوومیدانی هستند، قرار گرفته است. آنها منتقد این هستند که چرا حدادی باید در شرایط بد اقتصادی کشور برای انجام یک عمل جراحی ساده، این هزینه سنگین را روی دست ورزش بگذارد. دارنده چهار مدال طلای بازی‌های آسیایی همیشه ازسوی بسیاری از اهالی این رشته و مدیران ورزشی متهم به این بوده که بیشترین امکانات و پول ورزش مادر برای او خرج شده است؛ حال چه وضع مالی فدراسیون دوومیدانی و ورزش خوب باشد، چه بد. احسان اگرچه شخصا به وزیر ورزش قول داده در المپیک توکیو مدال می‌گیرد، اما مخالفان او بر این باورند که عمر قهرمانی تک‌ستاره دوومیدانی ایران دیگر تمام شده و او در بهترین حالت به فینال المپیک می‌رسد. مهدی مبینی، سرپرست فدراسیون دوومیدانی، در واکنش به هجمه‌هایی که سمت حدادی است، به «شرق» می‌گوید: «احسان روندی را برای درمان پایش در هیئت اجرائی طی کرد که ما هم از آن تمکین کردیم. بنابراین پرونده پزشکی او را به فدراسیون پزشکی ورزشی دادیم. کمیسیون پزشکی این فدراسیون، بالاترین مرجع پزشکی در ورزش کشور است. با تمام احترامی که برای پزشکان داخلی قائل هستیم، به افراد حاضر در این کمیسیون گفتیم که دکترهای داخلی ضمانتی برای پای حدادی نمی‌دهند. به‌هرحال باید بپذیریم که حدادی نابغه دوومیدانی ماست. او نایب‌قهرمان المپیک بوده، پس باید امکاناتی هم که در اختیارش قرار می‌گیرد، حرفه‌ای و در حد المپیک باشد. همه ورزشکاران دنیا که در المپیک روی سکو می‌روند، سالانه میلیاردها دلار برایشان خرج می‌شود. وزن حدادی ۱۵۰ کیلوگرم است. پرتاب دیسک ورزشی است که باید دور پاشنه‌ات بچرخی. پس پای او باید طوری جراحی شود که بتواند این وزن سنگین را تحمل کند. با توجه به شرایط کرونا و بحث ارز، فدراسیون باید این موضوع را مدیریت می‌کرد. بنابراین کار را به فدراسیون پزشکی سپردیم که درنهایت با اعزام او به آلمان موافقت کردند. دکتر احسان قبلا کتف و پای او را جراحی کرده و کتبا به فدراسیون ضمانت داده که عمل رضایت‌بخشی خواهد داشت». البته این رقم نزدیک به ۳۰۰ میلیون تومان تنها برای عمل و هتلینگ بیمارستان اوست، بلیت رفت‌وبرگشت به آلمان، هزینه جداگانه‌ای است که قرار است آن را فدراسیون دوومیدانی بدهد. با همه اینها باید گفت احسان حدادی تک‌ستاره تاریخ دوومیدانی ایران از گذشته تا به امروز بوده که بزرگ‌ترین افتخارات را به دست آورده است؛ از قهرمانی در آسیا تا کسب اولین مدال جهانی (۲۰۱۱ برنز) و المپیک (۲۰۱۲ لندن). او با کسب ۱۰ مدال طلا از سال ۲۰۰۵ تاکنون قهرمان بلامنازع پرتاب دیسک آسیا بوده است. باید دید آیا او می‌تواند خاطره خوش المپیک لندن را در توکیو تکرار کند یا خیر. احسان به احتمال فراوان در هفته پیش‌رو راهی آلمان می‌شود.

معمای استقلال

چهارمین نماینده ایران در رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیا امشب به میدان می‌رود تا همه تیم‌های ایرانی در دوران پساکرونا، طعم حضور در لیگ قهرمانان آسیا را چشیده باشند. موضوع درباره باشگاه استقلال است که برخلاف سه تیم ایرانی دیگر، اولین بازی‌اش در دور جدید را باید امشب برابر الشرطه عراق و از ساعت ۲۲:۳۰ برگزار کند. البته استقلال می‌توانست هم‌زمان با سه تیم دیگر ایرانی در لیگ قهرمانان آسیا به میدان برود، ولی انصراف الوحده از این رقابت‌ها که هم‌گروه استقلال بود، باعث شد دو بازی این تیم در لیگ قهرمانان آسیا حذف شود و آبی‌های تهرانی بیشتر از بقیه تیم‌ها فرصت استراحت‌کردن را داشته باشند. حالا اما این فرصت هم به پایان رسیده و این تیم باید در حساس‌ترین بازی این روزها، به مصاف رقیبی سرسخت از عراق برود. پیش از پرداختن به شرایط خاص این دیدار، باید وضعیت نه‌چندان مشخص این باشگاه در این روزها بررسی شود؛ استقلال تهران فعلا سرمربی ندارد و مجید نامجومطلق، مردی که تا چند هفته پیش دستیار فرهاد مجیدی بود، باید روی نیمکت به‌عنوان نفر اصلی بنشیند. نامجومطلق و تیمش در شرایطی اردوی خود را در قطر شروع کردند که هر روز خبر جدیدی درباره وضعیت سرمربی این تیم به بیرون مخابره می‌شد؛ ابتدا مسئولان باشگاه خیلی جدی می‌گفتند استراماچونی قرار است برگردد و حتی عنوان شد او به قطر می‌آید تا بازی‌های استقلال را زیر نظر بگیرد. بعد از آنکه مشخص شد مدیریت استقلال در پرونده استراماچونی چندان شفاف عمل نکرده است، بحث آمدن الکس نوری، سرمربی ایرانی- آلمانی، به این باشگاه مطرح و البته عنوان شد توافق‌های اولیه نیز انجام شده است. الکس هنوز وضعیتش مشخص نشده، باشگاه بیانیه داده هواداران اسیر شایعه‌های مطرح‌شده نشوند و در این برهه باید تمرکز تیم روی بازی‌های آسیایی باشد. درواقع استقلال و نامجومطلق در حالی مهیای اولین بازی آسیایی‌شان در دوران پساکرونا می‌شوند که مدیریت باشگاه تا همین شب پیش هم درگیر انتخاب سرمربی جدید بوده و دست‌کم تا توانسته تمرکز سرمربی فعلی و موقت باشگاه یعنی نامجومطلق را به‌هم زده است. البته وضعیت مبهم سرمربیگری این باشگاه، تنها معمای این روزهای آبی‌پوشان نیست؛ آنها در حالی کارشان در نقل‌وانتقالات برای فصل جدید را شروع کرده و چندین بازیکن را به خدمت گرفته‌اند که از قرار نمی‌توانند از آنها استفاده کنند! این باشگاه هنوز بدهی‌های مربوط به وینفرد شفر آلمانی را پرداخت نکرده و در نتیجه پنجره نقل‌وانتقالاتی آن بسته است. این خبر به این معناست که آنها قرارداد چند بازیکن جدیدشان را هم نمی‌توانند ثبت کنند و اگر هم ثبتی در کار نباشد، در نتیجه شانسی برای بازی‌کردن تازه‌واردها هم نیست. این موارد تنها مشکلات باشگاه نیست؛ چون استقلال همین حالا یکی، دو مهره ارزشمند را هم در ترکیب دارد که خیلی دیر به تمرینات اضافه شده‌اند؛ یکی شیخ دیاباته است و دیگری هم علی کریمی. البته از آنجا که فاصله پایان لیگ با شروع رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیا چندان زیاد نبوده، بعید است این دو بازیکن سطح آمادگی مطلوب را نداشته باشند؛ ولی از آنجا که بسیاری از تمرینات گروهی را از دست داده‌اند، باید منتظر ماند و دید در ترکیب اولیه استقلال به میدان می‌روند یا خیر. با کنار هم قراردادن چنین شرایطی، باید به دیدار حساس برابر رقیب عراقی که قرار است امشب برگزار شود، رسید؛ دیداری که همین حالا حکم فینال را برای استقلال دارد. از آنجا که الوحده از این گروه انصراف داده پس این گروه با سه تیم دنبال می‌شود که کار برای نماینده ایران دشوار می‌شود؛ چون همین حالا استقلال در گروه سه‌تیمی با کسب تنها یک امتیاز در رده آخر ایستاده است و الاهلی با شش امتیاز و الشرطه با چهار امتیاز بالاتر از استقلال قرار گرفته‌اند. از آنجا که از هر گروه دو تیم برتر به مرحله حذفی صعود می‌کنند، استقلال اگر می‌خواهد شانسی برای صعود داشته باشد، باید بازی امشب را هرطور شده ببرد. درواقع از آنجا که در این دوره از بازی‌ها، دیدارهای رودررو محاسبه می‌شود، استقلال در صورت برنده‌شدن در این بازی، چهار امتیازی می‌شود؛ ولی از آنجا که بازی رودررو با الشرطه را برده، در جدول بالاتر از این تیم می‌ایستد و صعودش به مرحله بعدی را تقریبا نهایی می‌کند. مورد مشخص اینکه شکست استقلال در این بازی، قطعا رأی به حذف این تیم از لیگ قهرمانان آسیا می‌دهد. تساوی با الشرطه هم استقلال را امیدوار به ادامه رقابت‌ها و بازی سرنوشت‌ساز با الاهلی می‌کند. استقلال در دیدار رفت با الشرطه به تساوی یک- یک رسیده و برتری در این بازی کمک زیادی به آنها می‌کند. البته نباید از آمار ضعیف آبی‌های تهران مقابل رقبای عراقی هم غافل شد؛ استقلال از پنج دیداری که پیش از این با رقبای عراقی داشته، فقط یک‌بار برنده از زمین خارج شده و سه‌بار هم شکست خورده است.

فوتبال

نامه فاطمه سامورا، مدرک فدراسیون علیه ویلموتس

● فدراسیون فوتبال ایران امیدوار است در دادگاه عالی ورزش بتواند با مستنداتی که در اختیار دارد، رأی پرونده ویلموتس را به سود خود تغییر دهد. به گزارش «ورزش سه»، یکی از اسنادی که فدراسیون فوتبال می‌خواهد به آن در دعوی با مارک ویلموتس در دادگاه عالی ورزش (CAS) اتکا کند، نامه فاطمه سامورا، دبیرکل فدراسیون بین‌المللی فیفاست. نامه مربوط به دوره‌ای است که فدراسیون فوتبال مستأصل برای پرداخت حق‌الزحمه ویلموتس از فیفا خواستار پرداخت مطالباتش شده؛ اما فیفا با نامه‌ای به امضای دبیرکل، این درخواست را به خاطر تحریم‌ها رد کرده است. این نامه یکی از مدارکی است که وکلای فدراسیون فوتبال قصد دارند در دادگاه عالی ورزش و در دعوی با مارک ویلموتس مطرح کنند؛ چراکه بخشی از عدم پرداخت به‌موقع دستمزد مربی بلژیکی، به خاطر تحریم‌ها و عدم همکاری فیفا در دادن پول مطالبات ایران به‌صورت قانونی بوده است. متن نامه فاطمه سامورا، دبیرکل فیفا، به این شرح است:

آقای رئیس عزیز

متشکرم از نامه شما در رابطه با بودجه پرداخت‌نشده فدراسیون فوتبال ایران. لطفا در نظر داشته باشید که نامه شما به تاریخ ۱۹ فوریه ۲۰۱۹ در تاریخ ۲آوریل ۲۰۱۹ پاسخ داده شد. با توجه به تحریم‌های بین‌المللی اعمال‌شده علیه ایران، همه بانک‌هایی که با فیفا همکاری می‌کنند، انتقال پول به ایران را متوقف کرده‌اند. این شامل پرداخت‌های مستقیم، غیرمستقیم و حتی در مواردی نقدی می‌شود. در نظر داشته باشید که از زمان سخت‌ترشدن تحریم‌ها، فیفا با بانک‌ها و مؤسسات مالی زیادی در تماس بوده و همگی نتیجه مشابهی داشته که براساس آن، همگی از پرداخت مستقیم یا غیرمستقیم به ایران سر باز زده‌اند. این شرایط بسیار باعث تأسف است و فیفا پیداکردن کانالی برای پرداخت این پول به فدراسیون فوتبال شما را در اولویت قرار داده است. این تلاش جمعی بخش مالی، بخش حقوقی، بخش compliance و البته بخش MA است و شامل تماس‌های متعدد با بانک‌ها و مؤسسات مالی در اروپا و خارج آن است و همین‌طور همکاری نزدیک با مشاوران مالی‌مان، سایر ان‌جی‌اوها و وزارت اقتصاد سوئیس و همکاری با پروسه مجوزگیری OFAC .با این وجود، این روند بسیار وقت‌گیر است و در حال حاضر، احتمال پیداکردن یک کانال برای پرداخت پول بسیار پایین است؛ زیرا با توجه به تحریم‌های اعمال‌شده، سیستم بانکی تقریبا متوقف شده است. مایلم تأیید کنم که خودم و فیفا با حمایت کامل، به‌دنبال پیداکردن راه‌حلی هستیم تا یک کانال پرداختی به فدراسیون شما در کوتاه‌ترین زمان ممکن پیدا کنیم. در عین حال، مایلم شما هم درک کنید که این پروسه‌ای دشوار و زمان‌بر بوده و تا حد زیادی از دست فیفا خارج است.

برنامه

یکشنبه ۳۰ شهریور

- ساوتهمپتون- تاتنهام ۱۵:۳۰
- نیوکاسل- برایتون ۱۷:۳۰
- چلسی- لیورپول ۲۰:۰۰
- لسترسیتی-برنلی ۲۲:۳۰
- سوسیداد- رئال مادرید ۲۳:۳۰
- یوونتوس- سمپدوریا ۲۳:۱۵
- نیس- پاری‌سن‌ژرمن ۱۵:۳۰

اصلاحیه

شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران منطقه خراسان رضوی

اصلاحیه آگهی تجدید مناقصه و ارزیابی کیفی شماره ۸۱۷/۰۶/۳۸۷۹، جلسه توجیهی : ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۱۶ درمحل سالن جلسات منطقه طبقه دوم برگزار می گردد.

آگهی عمومی ارزیابی کیفی– مناقصه گران مناقصه یک مرحله‌ای شماره ۹۹/۴۴۹ م م

شرکت ملی نفت ایران شرکت نفت و گاز اروندان

نوبت دوم — شماره مجوز: ۱۳۹۹،۳۱۷۶

موضوع: طراحی،تهیه کالا و نصب سیستم‌های اعلام و اطفاء حریق مراکز داده واقع در میدان منطقه نفتی دارخوین، واحد بهره‌برداری و نمک زدائی غرب کارون و ساختمان مرکزی شماره ۱ واقع در خرمشهر (به روش EPC)

شرکت نفت و گاز اروندان (مناقصه‌گزار) در نظر دارد خدمات موضوع فوق را از طریق شرکت واجد صلاحیت داخلی(پیمانکار) تامین نماید. لطفا جهت کسب اطلاعات بیشتر و چگونگی حضور در این مناقصه به وب سایت شرکت نفت و گاز اروندان به آدرس AOGC.ir مراجعه فرمایید. در صورت نیاز با شماره تلفن کمیسیون مناقصات ۸۸۷۲۴۲۵۶-۰۲۱ تماس حاصل فرمایند

روابط عمومی شرکت نفت و گاز اروندان

ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

آگهی موضوع ماده۳ قانون وماده ۱۳آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۱۰۰۰۴۰۰۵۱۳۶ - ۱۹ - ۰۴ - ۹۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بابل تصرفات مالکانه بلا معارض آقای مجید حسین زاده فرزند سلمان به شماره شناسنامه ۱۴۷۲ صادره از بابل با کد ملی ۲۰۶۳۰۰۵۵۲۴ متقاضی کلاسه ۲۸۴۵ در شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۲۹۵۷.۷۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۲۶۸-۲۹ اصلی واقع در بخش شش حوزه ثبت ملک بابل ثبت و محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب دردونوبت به فاصله ۱۵روز ازطریق روزنامه کثیرالانتشار و محلی آگهی میگردد درصورتی که اشخاص ذی نفع به رای صادره فوق اعتراض دارند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی ودر روستاها ازتاریخ الصاق بمدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم و رسید دریافت نمایند ومعترض باید ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر وخواهدشد صدور سند مانع ازمراجعه متضرر به دادگاه نمیباشد. م الف ۱۹۹۰۴۷۲۶

شهرام خسروی رئیس ثبت اسناد املاک بابل

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۵ - ۰۶ - ۹۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۳۰ - ۰۶ - ۹۹

آگهی تغییرات شرکت نسیم آسایش انسان سهامی خاص به شماره ثبت ۴۸۸۷۳۶ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۶۸۷۲۷۸ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۹/۰۵/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: آقای احسان اسدی به شماره ملی ۰۰۱۰۵۲۲۹۸۰ به سمت رئیس هیئت مدیره - خانم لیلا اسدی به شماره ملی ۴۱۳۲۲۴۲۹۹۴ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره - خانم الهام اسدی به شماره ملی ۰۰۸۱۸۹۹۸۱ به سمت عضو هیئت مدیره - خانم نعیمه پیروزیان به شماره ملی ۰۰۷۳۰۲۶۲۴۷ به سمت مدیرعامل (خارج از سهامداران) سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۹۹۰۵۲۷)

آگهی تغییرات موسسه تجربه هنر نمایش به شماره ثبت ۳۸۵۹۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۸۲۹۳۳۴ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۹۷/۰۲/۱۰ ومجوز۱۳۸۵/۹۷/۷مورخ ۹۷/۹/۱۲ وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی تصمیمات ذیل اتخاذ شد : محل قانونی موسسه به : استان تهران ، شهرستان تهران ، بخش مرکزی ، شهر تهران، میدان ولی عصر ، خیابان شهید محمداسماعیل محمدی ، بن بست گل یاس ، پلاک ۳ ، طبقه همکف کدپستی : ۱۵۹۹۹۶۵۴۱۳ انتقال یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید. سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۹۹۱۶۶۳)

سند کمپانی موتورسیکلت **باجاج پالس** رنگ سفید مدل ۱۳۹۷ به شماره موتور JEYCHF40457 و شماره شاسی N5PHCAJGKJAJ01443 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت دانشجویی اینجانب **زینب خسروی** نام پدر پولاد با شماره دانشجویی ۹۶۳۹۶۲۳ از دانشگاه سیستان و بلوچستان رشته معدن مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو **ام وی ام X۲۲** رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۷ به شماره پلاک ایران ۷۳ _ ۵۲۵ ل ۵۳ و شماره موتور MVMD4G15BAFJ011436 و شماره شاسی NATFBAAV5J1010613 به نام **لیلا حبیبی** مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می باشد.

اصل فتوگرافی شماره۲۱۲۹۳۸ متعلق به **نیمه یدک یخچالدار** به شماره شهربانی ۲۲۸ع۹۳ ایران ۴۴ و شماره ترانزیت 99D972-10 در اثر تصادف مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.

برگ سبز خودرو **ساپیا تیبا ۲** رنگ سفید مدل ۱۳۹۸ به شماره پلاک ایران ۲۰ - ۶۲۳ م ۴۶ و شماره موتور M15 / 8850025 و شماره شاسی NAS821100K1242262 به نام **محمدرضا تدینی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبزو سند کمپانی خودرو**پژو ۲۰۶ آریان** رنگ نقره‌ای متالیک مدل ۱۳۸۶ به شماره پلاک ایران ۷۷ _ ۲۶۲ ی ۳۱ و شماره موتور 13386005357 و شماره شاسی 18920678 به نام **زینت غلامی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

اصل کلیه مدارک (شناسنامه مالکیت، سند کمپانی، کارت خودرو و تسلسل اسناد) خودرو **پژو ۲۰۶** مدل ۱۳۸۴ رنگ خاکستری به شماره موتور 10FSS15142448 و شماره شاسی 19843910 و پلاک شماره انتظامی ایران ۱۰-۳۶۹ ل ۳۸ به نام **اینجانب سهراب ستاری نجف آبادی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب **المیرا سلیمانیان دستجردی** فرزند داود به شماره شناسنامه ۰۰۱۶۱۹۶۰۷۴ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته مدیریت امور بانکی صادره از واحد دانشگاهی تهران جنوب مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب به نشانی تهران، خیابان کریمخان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، نبش آذرشهر، پلاک ۲۰۹ و یا کدپستی ۱۵۸۴۷۱۵۴۱۴ ارسال نماید.

Pishkhan.com

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

یکشنبه • ۳۰ شهریور ۱۳۹۹ • ۲ صفر ۱۴۴۲ • ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۰
سال هجدهم • شماره ۳۸۲۱ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۵۸ • اذان مغرب ۱۹:۲۲
اذان صبح فردا ۴:۲۸ • طلوع آفتاب ۵:۵۲

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

برداشت گل آفتابگردان در مزارع استان گلستان، عکس: عقیل مهقانی، میزان

تلنگر

پنهان‌بودن پیامد جنگ‌ها

سیدحسن موسوی‌چلک
رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

وقوع هر بحرانی اعم از طبیعی یا غیرطبیعی در هر جامعه‌ای، پیامدهای مختلفی را به دنبال خواهد داشت. برخی از این پیامدها به حین بحران برمی‌گردد، اما بخش مهمی از آنها پس از آن خود را نشان می‌دهد که معمولا کمتر به آنها توجه می‌شود. ازجمله این بحران‌های غیرطبیعی، جنگ‌ها هستند که با تاریخ بشر مأنوس بوده و خواهد بود و همه مردم به شکلی درگیر آن خواهند بود و از پیامدهای آن تأثیر می‌پذیرند. شاید بتوان این‌گونه اشاره کرد که جنگ‌ها در ادوار مختلف بر جوانب مختلف زندگی افراد تأثیرات منفی می‌گذارند و از لحاظ اجتماعی، روانی، فردی، اقتصادی، شناختی و بسیاری از جنبه‌های دیگر، افراد را با چالش‌های زیادی مواجه می‌کنند. پیامدهای منفی ناشی از جنگ در بسیاری از موارد مانند تخریب زیربناها برای همه مشخص است، چون دیده می‌شود؛ اما یکی از بخش‌های سلامتی که شدیدا از جنگ متأثر می‌شود، سلامت اجتماعی و روانی است که متأسفانه اثرات آن پنهان بوده و این مسئله سبب شده افراد از این ناحیه صدمه ببینند. مهم‌ترین اثرات روانی- اجتماعی جنگ عبارت‌اند از: انواع استرس‌های فردی و جمعی (اختلال پس از حادثه)، بیماری‌های روانی و شخصیتی، اضطراب، افسردگی، افزایش تمایل به خشونت در جامعه، گسترش روحیه انتقام‌جویی، رشد انحصارطلبی و بی‌عدالتی، رشد فرهنگ توجیهی و مصلحتی، ترس و بی‌اعتمادی، رشد فشارها و تنش‌های گروهی و فردی، تخریب کارکردهای خانواده، گرایش به آسیب‌های اجتماعی به دلیل فشارهای روانی واردشده و با هدف کاهش این فشارها و... . معمولا خانواده افرادی که در جنگ مجروح یا کشته می‌شوند، حتی بعد از جنگ نیز ممکن است نتوانند با این وقایع کنار بیایند و مسائل تلخی را تجربه می‌کنند. برخی از صاحب‌نظران معتقدند جنگ‌ها عاملی مؤثر و مهم در ابتلای افراد به انواع اختلالات روانی و استرس‌های پس از این بحران هستند. گرچه جنگ‌ها در برخی از زمینه‌ها پیشرفت‌هایی را در تجهیزات جنگی و دفاعی برای کشورهای درگیر جنگ به دنبال خواهند داشت، ولی معمولا حوزه سلامت اجتماعی و روانی تأثیرات منفی آن را بیشتر تجربه خواهد کرد. گرچه تأثیرات آنها بر کودکان، سالمندان، زنان و مردان همیشه یکسان نیست، ولی همه مردم به‌نوعی تحت تأثیر این پیامدها هستند. کودکی را در نظر بگیرید که پدر خود را در جنگ از دست داده و در زندگی رابطه پدر و فرزندی را تجربه نکرده باشد؛ هر چقدر هم خدمات و امکانات به این کودک بدهیم، باز جای خالی پدر و محبت پدر و چتر حمایت او را نخواهد گرفت. یا زنی که شوهرش را در جنگ از دست داده باشد نیز همین‌طور. بخشی از این زنان خیلی جاها احساس تنهایی می‌کنند و مجبور می‌شوند فشارهای مختلفی را در زندگی تجربه کنند که اگر همسرشان زنده بود، شاید تجربه نمی‌کردند یا کمتر تجربه می‌کردند. خانواده‌ای که بیمار اعصاب و روان ناشی از جنگ دارد نیز مشکلات خاص خود را دارد که تا تجربه نکنیم، نمی‌توانیم از آن صحبت کنیم. به همین دلیل ضروری است تا رویکردهای سلامت اجتماعی و روانی در تمام برنامه‌های بنیاد شهید و امور ایثارگران تقویت شود. همین‌طور اقدامات دیگری برای تقویت این ابعاد سلامت ضروری به نظر می‌رسد که از آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- لزوم تقویت و ارتقای رویکرد خانواده‌محورکردن برنامه‌ها در جامعه ایثارگری
- برنامه‌ریزی برای تلفیق با جامعه و پرهیز از ایزوله‌کردن و نگاه جزیره‌ای
- همه خدمات را به پرداخت پول خلاصه نکنید؛ شناسایی ظرفیت‌ها و امکان برقراری ارتباط و استفاده از این ظرفیت‌ها در بسیاری از مواقع بسیار اثرگذارتر از ارائه مستقیم و مستمر پول است. افراد و فرزندانشان را قوی کنید
- با توجه به شرایط سنی این افراد و خانواده‌ها و افزایش سالمندان تحت پوشش، نیازمند برنامه‌ریزی قوی برای این عزیزان هستیم/ تقویت رویکردهای محله‌محوری و تلفیق اجتماعی/- لزوم توجه به پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در جامعه تحت پوشش بنیاد و تهیه گزارش‌های مستمر از چگونگی وضعیت آسیب‌های اجتماعی شایع و در حال شیوع این افراد (واقع‌بین باشیم، منکر آسیب‌های اجتماعی در این جامعه نخواهیم بود. حتی تعداد کم آسیب‌های اجتماعی در این جامعه، زیاد است)/تقویت رویکرد سلامت در جامعه ایثارگری
- تشکیل پرونده‌ها در قالب «مدیریت مورد» برای افراد و خانواده‌های دارای شرایط حاد و نیازهای خاص و افراد در معرض آسیب و آسیب‌دیده اجتماعی تا مدیریت بهتری در شناسایی نیازها، ارائه خدمات و هماهنگی بهتر و بیشتری صورت گیرد
- لزوم توجه به ارائه خدمات با توجه به تفاوت‌های فرهنگی جامعه ایثارگری

و... .

ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای انقلاب اسلامی و همه ایثارگرانی که برای دفاع از ایران فداکاری کردند، فراموش نکنیم که تقویت خدمات اجتماعی و روانی یکی از ضروریات جامعه و خانواده‌های افراد حادثه‌دیده از جنگ است.

دغدغه‌های یک آموزگار

گرفتاری‌های دیگر دختران در آموزش

محمدرضا نیک‌نژاد

رفت که وزیر آموزش‌وپرورش را وادار به عذرخواهی کرد. جدای از بازتاب گسترده این رخداد و قول کاربه‌دستان برای اصلاح این خطا و به گفته وزیر «بی‌سلیقگی»، چنین بحث‌هایی در فضای عمومی را باید به فال نیک گرفت و با توجه به گستردگی رسانه‌ها در جهان امروز، می‌بایست خوش‌بین بود که چنین حساسیت‌هایی زمینه افزایش آگاهی جامعه و اصلاح مسیر دست‌اندرکاران را در پی خواهد داشت. اما در میانه چنین گفت‌وگوهایی نقش پژوهشگران، اندیشمندان و کارشناسان باید پررنگ‌تر از همیشه باشد. یکی از این نقش‌ها می‌تواند کشاندن این بگومگوها از لایه‌های سطحی به لایه‌هایی ژرف‌تر و پنهان‌تر باشد تا دست‌کم امیدوار بود که دستاورد چنین بحث‌هایی، زودگذر نباشد و پس از اندک‌زمانی، به فراموشی سپرده نشود.

در ماجرای حذف دختران از روی جلد کتاب ریاضی، بیشتر نگاه‌ها به سوی دیدگاه‌های ایدئولوژیک دست‌اندرکاران سیاسی و آموزشی رفت و البته شاهد اندک‌توجهی نیز به درونمایه‌های آموزشی و روند دگرگونی‌های آنها در دهه‌های گذشته بودیم که بی‌گمان جستاری درست و تأثیرگذار است.

اما موضوع دیگر، آمار بازماندگان از آموزش در میان دختران است. عکس روی جلد کتاب، چون نماد یک اندیشه و دیدگاه و تا اندازه‌ای نشان‌دهنده هدف و نقشه راه است، به خودی خود و به شکل نمادین مهم است، اما خبرهای دیگری هم هست که دستگاه عصبی جامعه در برابر آنها بی‌حس‌وحال است. برای نمونه در شهریور سال ۹۸ معصومه ابتکار، معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهور، در استان کهگیلویه‌وبویراحمد گفت: «آمار دختران بازمانده از تحصیل سه تا چهار برابر پسران است». گرچه آمار رسمی بازماندگی از آموزش در آن سال، ۱۴۲ هزار کودک اعلام شده بود، اما این آمار، هم از سوی نهادهای مدنی مستقل و هم از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس تا سه‌ونیم میلیون دانش‌آموز هم رسید؛ یعنی میلیون‌ها دختر بازمانده از آموزش به دلیل نبود زمینه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، آن‌هم نه مانند حذف نمادین دختران در کتاب‌های درسی بلکه واقعِ واقعی، از گردونه آموزش حذف می‌شوند و شوربختانه نه موجی درست می‌شود و نه حساسیت چندانی برمی‌انگیزد و نه درباره آن گفت‌وگویی عمومی شکل می‌گیرد!

نمونه‌ای دیگر در گفت‌وگوی دوماهنامه «چشم‌انداز ایران» با دکتر رضا امیدی، استاد دانشگاه و پژوهشگر سیاست‌گذاری اجتماعی، مطرح شد. دکتر امیدی در آن گفت‌وگو می‌گوید: «میانگین آمار بازماندگی دختران از دوره متوسطه اول در کشور ۹ درصد است و این در حالی است که این درصد برای سیستان‌وبلوچستان ۳۴ درصد است! یعنی ۳۴ درصد دختران سیستان‌وبلوچستان که باید در مقطع راهنمایی یا متوسطه اول باشند، نتوانسته‌اند به مدرسه بروند. بخش عمده‌ای از این رویداد، برخلاف ادعاهایی که می‌شود، اصلا مسئله فرهنگی نیست؛ مسئله عدم دسترسی است... . میانگین کشوری بازمانده از تحصیل دختران در دبیرستان ۱۱ درصد، اما در سیستان‌وبلوچستان ۴۷ درصد است! یعنی تقریبا نصف دختران سیستان‌وبلوچستان عموم به دلیل عدم دسترسی به مدرسه از تحصیل جا مانده‌اند. سایر استان‌های محروم را هم اگر بررسی کنیم، باز عمده بازماندگان از تحصیلات در استان‌هایی است که با محرومیت‌های زیرساختی و راه و امکانات آموزشی و برق و این‌گونه مسائل روبه‌رو هستند...».

ریشه این بازماندگی، چه فرهنگی و اجتماعی باشد و چه نبود امکانات فیزیکی مانند عدم دسترسی، این وظیفه دولت است که دست‌اندازهای جلوی آموزش پسران و دختران را بردارد و زمینه آموزش به‌عنوان یک حق انسانی را برای همه افراد فراهم کند. سوی دیگر ماجرا، کسانی هستند که به‌درستی در برابر حذف عکس دختران از جلد کتاب درسی هیاهو به‌پا کرده و البته دست‌اندرکاران را وادار به عذرخواهی و اصلاح مسیر کردند. آیا نباید چنین جریان اجتماعی‌ای را نیز برای بازماندگی از آموزش پسران و دختران کشورمان راه بیندازیم؟ آیا نباید به چنین گرفتاری فراگیر و آسیب‌زایی نیز حساسیت نشان داد؟ آیا نباید چنین گرفتاری گسترده‌ای را نیز در بوق و کرنا کرد؟ آیا لازم نیست در این زمینه نیز به گفت‌وگو در فضای عمومی پرداخت؟ چه‌بسا اگر برای بازماندگی از آموزش نیز خیزی برداریم، شاید روزی دست‌اندرکاران وادار به عذرخواهی و اصلاح دیدگاه‌ها و برنامه‌ها شوند! باید خوش‌بین و امیدوار بود و کوشش کرد.

سلام به فردا

این‌همه تهدید برای چیست؟

فریدون مجلسی

تهدیدات مکرر آقای ترامپ حکایت از این دارد که او خودش هم در امکان عملیاتی‌شدن مکانیسم ماشه تردید دارد. در واقع او احساس می‌کند همان‌طور که قبلا هم دیگران گفته‌اند و حتی مشاور سابق او هم در کتاب خودش گفت، فعال‌کردن مکانیسم ماشه علیه ایران ممکن نیست. روشن است که اگر ماشه اجراشدنی بود، احتیاجی به تهدید بیشتر نبود؛ زیرا ایران در مسیر تحریم‌های بین‌المللی چنان‌که در دوران احمدی‌نژاد بود و حتی به صورت جدی‌تر از آن، می‌افتد. اما الان آمریکا می‌داند که به این نتیجه نخواهد رسید؛ بنابراین رویه‌ای را در پیش گرفته که قدری هم رنگ تبلیغاتی دارد. ترامپ سعی دارد بگوید که در سیاست‌های خود در عرصه سیاست خارجی ناموفق نبوده و ایران را وارد دور جدیدی از تحریم کرده است. بزرگ‌ترین تحریم او احتمالا جلوگیری از حمل‌ونقل دریایی ایران از قبیل حمل بنزین‌ها و میعانات نفتی به ونزوئلا است. آنچه مسلم است، این است که ما در شرایطی فعلی با وجود بودن برجام، از سوی همه کشورها مورد تحریم‌های آمریکا قرار گرفته‌ایم. حتی چین و روسیه نیز همین رویکرد را داشته‌اند؛ بنابراین در موضوع فروش اسلحه هم وضع بدتری نخواهیم داشت. ضمن اینکه ایران در این مدت نیازی به آن اسلحه نداشته است. نکته حائز اهمیت دیگر این است که در این ماجرا آمریکا چقدر پیروز است و ما چه دستاوردی داریم.

این هم یک بحث اعتباری است. در واقع ایران وقتی پیروز خواهد بود که در عرصه بین‌المللی حضور داشته و در تجارت بین‌المللی سهیم باشد. اینکه واردات و صادرات آزاد داشته باشد و آمریکا قدری به عقب بنشیند و... اینها جای جشن و شادمانی دارد. احتمال ورود ترامپ به درگیری نظامی نیز چندان درخورتوجه نیست؛ زیرا او در زمینه تحریم‌ها اقتصاد ایران را به این صورت که شاهدیم، به تورم و رکود کشانده است. آمریکا ارزش دلار را به نزدیک ۳۰ هزار تومان رسانده و هیچ طوری هم نشده است؛ بنابراین همین راه را ادامه خواهد داد و تمایلی نیز به درگیری ندارد. آنها وارد درگیری نخواهند شد؛ چون همین حالا هم درون درگیری هستند و در عالم اقتصادی به ما خسارت می‌زنند؛ بنابراین دلیلی ندارد که بخواهند اقدام شدیدتری انجام دهند؛ به‌این‌خاطر که اساسا سیاست آنان، جنگ فرسایشی است. جنگ فرسایشی هم یعنی فرسودن جامعه از توانمندی‌های اقتصادی و... . مقایسه وضعیت فعلی ایران با مسقط و امارات که از ما ۵۰ سال عقب‌تر بوده و الان ۵۰ سال جلوتر افتاده‌اند، در حقیقت ثمره همین جنگ فرسایشی است. آنچه ما نیاز داریم، یافتن راهی است که وضعیت فعلی را بهبود داده و فشار این تحریم‌ها را که علیه مردم ایران است، بردارد. مردمی که اگرچه نقشی در جنگ قدرت ندارند؛ اما زیان و آسیب می‌بینند.

مغز اجتماعی - ۱۳۲

فاجعه در گهواره

عبدالرحمن نجل‌رحیم
مغزپژوه

همان‌طور که انتظار می‌رفت، بحران اجتماعی ـ اقتصادی ناشی از همه‌گیری کرونا به رشد نابرابری اجتماعی، شکاف بین فقیر و غنی در همه جوامع تحت اداره نظام سرمایه‌داری دامن زده است. در این میان بیشتر آسیب‌های غیرقابل‌جبران به جمعیت کودکان در حال رشد جامعه وارد می‌شود. بنا بر گزارش یونیسف، با توجه به بحران اقتصادی- اجتماعی موجود، تخمین زده می‌شود تا انتهای سال مسیحی ۲۰۲۰، تعداد کودکان دنیا که در خانوارهای فقیر زندگی می‌کنند به ۸۶ میلیون نفر برسد. بدیهی است که در شرایط فقر و فلاکت، دسترسی کودکان به غذا، بهداشت و آموزش مناسب ممکن نباشد و محیط پرورشی آکنده از استرس، آزار و اذیت، خشونت و استثمار شود و شرایط غیرانسانی بر آن حاکم شود. هم‌اکنون، دوسوم کودکان جهان، در حالی که خانواده‌هایشان امکان ایستادگی در مقابل شوک اقتصادی موجود را ندارند، از هر نوع امکان دسترسی به حمایت‌های اجتماعی نیز محروم هستند و در چرخه معیوب فقر و فلاکت دست و پا می‌زنند. البته این فاجعه در کشورهای پیرامونی فقرزده، جنگ‌زده، آواره و حاشیه‌های مهاجرنشین دردناک‌تر و شرم‌آورتر است. با نگاهی به چند دهه پرتلاطم داخلی، انقلاب، جنگ، نابسامانی و اوج‌گیری نابرابری اقتصادی ـ اجتماعی، شکاف عمیق بین فقیر و غنی، افزایش فقر در میان کودکان کشور ما نیز تأسف‌بار است. تعداد کودکان کار فقیر ما چنان افزایش یافته که افتخار ما این است که یکی از آنها سر از فستیوال فیلم ونیز درآورده و تأسف‌بار اینکه به علت ابتلا به کرونا نتوانسته جایزه طلایی به عنوان بازیگر نوظهور را شخصا دریافت کند! اما این گفته‌ها درباره کودکان کار و تبلیغات درباره آن با اهداف متناقض و گاه مخرب، شاید همه تکرار مکررات باشد. اما در این فرصت می‌خواهم از فاجعه دیگری سخن به میان آورم که آن را «فاجعه در گهواره» می‌نامم. ما اغلب به قول معروف وقتی کودکان را آدم به حساب می‌آوریم و از آسیب‌پذیری آنها صحبت می‌کنیم که به راه افتاده و زبان باز کرده باشند و بتوانند خود را به عنوان فردی تقریبا مستقل درون خانواده مطرح کنند. در این سنین است که اغلب نگران تغذیه خوب، آموزش و تعلیم و تربیت آنها می‌شویم. در همین سنین هم هست که در جامعه سرمایه‌سالار حجم نیازهای کالایی کودک در همه زمینه‌ها افزایش می‌یابد و تأمین آنها در خانواده‌های فقیر دشوارتر می‌شود. شاید به همین علت است که اغلب خانواده‌ها کمتر نگران اهمیت آسیب‌های قبل از این دوران هستند، مگر متوجه شوند که کودک به‌موقع راه نمی‌افتد یا زبان باز نمی‌کند. اما پژوهش‌های جدید به ویژه در مغزپژوهی اجتماعی نشان می‌دهد که آسیب‌های سنین پیش‌زبانی فاجعه‌بارتر و هولناک‌تر از دوران زبانی هستند. این سنین بحرانی پیش‌زبانی شامل ماه‌های اولیه بارداری در رحم مادر تا یک‌سالگی بعد از تولد می‌شود. البته پدیدارشناسان به آن دوران رشد بیناسوژه‌ای اولیه می‌گویند. یعنی از زمانی که مغز جنین به عنوان عضو ارتباط‌دهنده انسان با بدن خود و دیگری (مادر)، به عبارتی عضو شخصیت‌بخش انسان وارد کارزار می‌شود. یعنی وقتی جنین با ادراک و حرکت با محیط پیرامونی خود در ارتباط قرار می‌گیرد و رابطه بین جنین و مادر یکی از پیش‌شرط‌های رشد مغزی و ذهنی کودک می‌شود. در انتهای ماه سوم حاملگی، جنین فعالیت حرکتی بارزی از خود نشان می‌دهد و برای اولین بار بند ناف خود و بدنش را لمس می‌کند و مایع آمنیوتیک را بلع می‌کند. با رشد عضو دهلیزی ـ تعادلی در مغز، قدم‌های مادر، اولین گهواره آرامش‌بخش جنین می‌شود. جنین در پنج‌ماهگی به صدا واکنش نشان می‌دهد، در هفت‌ماهگی شنوایی‌اش کامل می‌شود و در فضای درون‌رحمی، ادراک لمس و صدا و پژواک (رزونانس) بین ادراک و کنش، آغازگر اولین تجربیات و شکل‌گیری حافظه بدنی و پنهان از آگاهی می‌شود. به همین علت نوزاد بلافاصله پس از تولد صدای مادر و صدای ضربان قلب او، ملودی و ریتم کلام مادر را تشخیص می‌دهد و حتی ملودی گریه کودک، پس از تولد، شباهت به خصوصیات موسیقایی زبان بومی دارد. در این میان واضح است که واکنش‌های شدید ناشی از استرس در مادر در شرایطی چون بمباران شهرها هنگام جنگ، بتواند جفت را برای ورود هورمون‌های ناشی از استرس مادر گذرپذیر کند و این هورمون‌ها بر مغز در حال رشد کودک تأثیرات عمیق بر جا بگذارد. شواهدی وجود دارد که بسیاری از واکنش‌های خلقی عاطفی چون ترس و خشم‌های بی‌دلیل در بزرگسالی از آثار حافظه بدنی عاطفی برجامانده از این دوران اولیه است. البته اغلب اوقات ناپیدایی منشأ این حافظه‌های دور و اولیه موجب بروز نظریه‌های روان‌کاوانه متافیزیکی و غیرتجربی می‌شود. اما شکی نیست که تأثیرات بدن مادر به عنوان اولین محیط کودک، نتایج بارزی در رشد مغز و رشد شخصیت او به جا بگذارد. پس از تولد، تا یک‌سالگی رابطه بیناجسمانی و عاطفی بین کودک و مادر و سپس پدر و دیگران وارد مرحله جدیدی می‌شود و نوزاد با زیست جهانی گسترده‌تری روبه‌رو می‌شود. معنا از درون قصدمندی کنش‌ها و ادراک متقابل در رابطه عاطفی ـ اجتماعی از طریق اشارات عاطفی بدنی بیناسوژه‌ای زاییده می‌شود که بدن‌مندی ذهن را ممکن می‌کند. این تجربیات گران‌قدر دوران اولیه کودکی بر لایه‌های حافظه‌ای پنهان و عمیق قبلی استوار می‌شود و ایهام رفتار عاطفی و خارج از دسترس آگاهی آشکار را باعث می‌شود که هر عاقل دانشمندی از درک منشأ آن ناتوان می‌ماند. مطالعات جدید نشان می‌دهد عواملی چون جنگ، فقر، قحطی، بلایایی چون همه‌گیری کرونا در نظام‌های ناعادلانه که باعث اختلال در اولین تجربیات عاطفی ـ اجتماعی از تولد تا یک‌سالگی شود، اثرات بسیار بزرگی در عمق شخصیت و خلق و خوی انسان در نسل‌های مختلف بر جا خواهد گذاشت. به عنوان مثال کسانی که در میانه جنگ هشت‌ساله بین ایران و عراق، در مناطقی پا به دنیا گذاشته‌اند که خانواده آنها به ویژه مادرانشان در استرس و اضطراب و نگرانی و آشفتگی ذهنی به سر می‌برده‌اند، ممکن است هم‌اکنون در دهه سوم زندگی خود دچار اختلالات خلقی ـ عاطفی ازجمله حملات اضطرابی ترس، اضطراب و خشم بی‌دلیل، با منشأ نامعلوم و گنگی باشند که ریشه در تجربه‌های ناشی از وقایع در رحم مادر یا سال اولیه زندگی آنها در دوران جنگ داشته باشد. فاجعه‌بار است که این صفات اپی ـ ژنتیکی ناشی از تجربیات اولیه زندگی می‌تواند تا چند نسل قابل انتقال باشد. البته چون این نوع پژوهش‌ها، سودی نصیب صاحبان سرمایه و قدرت‌مداران نمی‌کند، بازار پرطرفداری نیز ندارد. به همین علت است اگر در کشور ما پژوهش‌های نیمه‌کاره، بی‌سرانجام و غیردقیقی هم در این زمینه انجام شده باشد، باید به صورت رساله‌های دانشجویی سرهم‌بندی‌شده در حال خاک خورده شدن در زیرزمین کتابخانه‌های دانشگاه‌ها باشد. ولی با همین دانش محدودی که از پژوهش‌های انجام‌شده در دنیا داریم، باید آگاه باشیم که ممکن است چنین فجایعی در زندگی انسان در گهواره رحم مادر یا در یک‌سالگی اول زندگی هم رخ دهد.

پیشخوان
Pishkhan.com

پیشخوان

شناسا منتشر شد

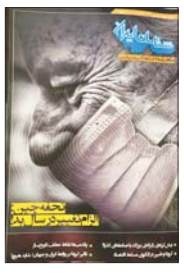

ماهنامه «شناسا» منتشر شد. نشریه‌ای که دست‌اندرکارانش در منشور نوشته‌اند: پیشگیری از وقوع یا مدیریت و پشت‌سرگذاشتن کم‌هزینه بحران‌ها جز در سایه احیای همبستگی و اعتماد عمومی همه ارکان جامعه و مشارکت کلیه ذی‌نفعان این بحران‌ها در سه بخش کلی بدنه اجتماعی، جامعه مدنی و حاکمیت (به معنای عام آن) امکان‌پذیر نخواهد بود. از این رو دست‌اندرکاران «شناسا» معتقدند گفت‌وگوی صریح و صادقانه این ذی‌نفعان حول موضوعات گوناگون مربوط به ایران می‌تواند گام نخست در مسیر گذار کم‌هزینه از ایران امروز با همه معضلات به سمت ایران توسعه‌یافته فردا با همه آرزوها و رؤیاهای آن باشد. در شماره اول تأثیرات کرونا بر بخش‌های مختلف توسعه، فرهنگ و اجتماع در ایران با عنوان «تحفه چین: الزام تغییر در سال بد» مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش شناسایی توسعه، عبدالله مؤمنی درباره همه‌گیری کرونا فرصتی برای احیای امر سیاسی نوشته است و سپهر برزی مهر دبیر سندیکای صنعت برق ایران درباره تأثیرات کرونا بر صنعت برق نوشته و میکائیل عظیمی همه‌گیری را بر بازنشستگی مورد ارزیابی قرار داده و علی میرباقری درباره نیمه پر لیوان کرونا برای خانواده کتاب نوشته است. در بخش دیده‌بان شناسا به نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در ایام کرونا پرداخته شده که در این میان بین حاکمیت و ملت سرگردان مانده‌اند و هومان رشیدی در مقاله «پاندمی نقاط عطف تاریخ‌ساز» به پاندمی‌های تاریخ‌ساز و نقش آنها اشاره داشته و پوریا سوری درباره کرونا و تأثیر آن بر فرهنگ مطلبی کوتاه نوشته است. این شماره به رضا یوسفیان که پزشک است، تقدیم شد. مدیرمسئول این نشریه حامد شجاعی و سردبیر آن نفیسه زارع‌کهن است.

زیر آسمان جهان

بزرگ‌ترین معدن طلای جهان تعطیل شد

بهره‌برداری از بزرگ‌ترین معدن طلای جهان به دلیل ایجاد مشکلات زیست‌محیطی متوقف شده است. این معدن طلا در مرز آرژانتین و شیلی و در میان یخچال‌های طبیعی در منطقه «آند کوردیلرا» قرار گرفته است. شرکت کانادایی «بریک گلد» نیز که تصمیم داشت هشت‌میلیارد دلار در این پروژه سرمایه‌گذاری کند، از سوی دادگاه به پرداخت جریمه‌ای بسیار سنگین محکوم شد. «دادگاه محیط زیست شیلی» در حکم خود تأکید کرده است که دستور تعطیلی معدن روباز طلا در «پاسکوآ لاما» قطعی و همیشگی است. شرکت کانادایی نیز به دلیل خسارت‌هایی که به محیط زیست هنگام ساخت معدن وارد کرده ۹ میلیون دلار جریمه شده است. بر اساس حکم دادگاه، میزان خطری که پروژه معدن «پاسکوآ لاما» برای سلامتی مردم داشته است، هیچ‌گونه راه دومی را برای ادامه این پروژه باقی نگذاشته بود. رأی دادگاه ثابت می‌کند که تصمیم سازمان محیط زیست شیلی در سال ۲۰۱۸ درخصوص ضرورت توقف این پروژه درست بوده است. سازمان محیط زیست شیلی به ۳۳ مورد نقض اصول زیست‌محیطی از جمله تخلیه آب‌های آلوده و تخریب گیاهان توسط این شرکت کانادایی اشاره کرده بود. از همین رو دادگاه با تأکید بر واردبودن شکایت سازمان محیط زیست، حکم بر تعطیلی دائم داد. پروژه این معدن طلا همچنین به دلیل مشکلات زیست‌محیطی که ایجاد کرده بود، با مخالفت جدی مردم در دو کشور شیلی و آرژانتین مواجه شده بود. مردم منطقه سال‌ها از آب آشامیدنی حاصل از ذوب‌شدن یخچال‌های طبیعی که به شکل رود از کوه‌های آند جاری می‌شد، استفاده می‌کردند اما با آغاز پروژه معدن، آب منطقه به‌شدت آلوده شد. در سال‌های اخیر بسیاری از اهالی منطقه و نیز حیوانات به دلیل مصرف آب دارای مواد خطرناک و بعضا سرطان‌زا دچار بیماری‌های گوناگون شده‌اند.